

Ghadirestan Kawsar Nabi (P.) Center



مركز كوثر نبی

www.Ghadirestan.ir
www.Ghadirestan.com

تہجہ اسلام و احکام

دیپتو آموزہ ہائی ٹیچر

علی انصاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اتحاد ملی و انسجام اسلامی در پرتو آموزه‌های غدیر

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	اتحاد ملی و انسجام اسلامی در پرتو آموزه‌های غدیر
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	مقدمه ناشر
۱۱	پیشگفتار
۱۲	اتحاد ملی
۱۲	مفهوم اتحاد ملی
۱۲	اصالت وحدت
۱۲	اشاره
۱۲	۱ - نفع صور از جانب خدا برای آدم علیه السلام
۱۲	۲ - عارضی بودن تفرقه
۱۲	۳ - خلقت انسان از نفس واحده
۱۳	۴ - تکریم بنی آدم
۱۳	۵ - فطرت یکسان
۱۳	۶ - الهام به نفس بشر
۱۳	۷ - یکپارچگی امت اسلامی
۱۳	۸ - پیامبر همگان
۱۳	۹ - همگانی بودن بعثت
۱۳	قرآن و اتحاد ملی
۱۵	روایات و اتحاد ملی
۱۶	سیره پیامبر صلی الله علیه وآله در مورد اتحاد ملی
۱۷	اتحاد ملی در صدر اسلام از دیدگاه مستشرقان
۱۷	راه کارهای اتحاد ملی

۱۸	توضیح
۱۸	۱ - مخالفت با شعارهای قومی
۱۸	۲ - ایجاد اخوت بین اقوام
۱۸	۳ - دادن پُست‌ها به اقوام مختلف
۱۸	۴ - تقویت ارزش‌های دینی
۱۹	۵ - پیوندهای خانوادگی بین اقوام
۱۹	۶ - نفی ارزش‌های خیالی
۱۹	۷ - طرد اقوام ناهل از خود
۱۹	تعصب مذموم
۲۰	انسجام اسلامی
۲۰	مفهوم انسجام اسلامی
۲۰	اقسام انسجام اسلامی
۲۰	اشاره
۲۰	۱ - انسجام سیاسی
۲۰	۲ - انسجام حقیقی
۲۰	دعوت قرآن به انسجام سیاسی
۲۱	روایات و دعوت به انسجام سیاسی
۲۱	برخی از مشترکات امت اسلامی
۲۱	راهکارهای انسجام سیاسی
۲۱	توضیح
۲۱	۱ - شناخت هر مذهب از منابع آن
۲۲	۲ - حسن ظن به دیگری
۲۲	۳ - عدم حکم به لوازم اعتقادات
۲۳	۴ - حکم به ظاهر افراد

- ۲۳ اشاره
- ۲۳ قرآن و حکم به ظاهر افراد
- ۲۳ روایات اهل بیت علیهم السلام و حکم به ظاهر افراد
- ۲۳ روایات اهل سنت و حکم به ظاهر افراد
- ۲۵ علمای اهل سنت و حکم به ظاهر
- ۲۵ الف) ابن تیمیه می گوید
- ۲۵ ب) ابن حجر عسقلانی می گوید
- ۲۵ د) شاطبی می گوید
- ۲۶ ه) ذهبی می گوید
- ۲۶ و) رشید رضا در تفسیر «المنار» می گوید
- ۲۶ ز) ابن حزم می گوید
- ۲۶ ک) محمّد ناصر البانی می گوید
- ۲۷ ۵ - گفت و گو در مسائل اختلافی
- ۲۷ ۶ - دوری از خطّ غلو
- ۲۸ ۷ - پرهیز از کید دشمنان اسلامی
- ۲۸ ۸ - ضرورت یک صدایی به هنگام شداید
- ۲۹ ۹ - پرهیز از کلمات حساسیت‌زا و نفرت‌انگیز به یکدیگر
- ۲۹ ۱۰ - پرهیز از ناسزا گفتن به مقدسات طرف مقابل
- ۲۹ ۱۱ - رعایت اخلاق اسلامی نسبت به یکدیگر
- ۲۹ ۱۲ - ملاقات و گفت و گو
- ۳۰ ۱۳ - علم نسبت به اصطلاحات یکدیگر
- ۳۰ ۱۴ - یکی شدن اصطلاحات
- ۳۰ ۱۵ - بازنگری تدوین تاریخ اسلامی
- ۳۱ ۱۶ - پرداختن به مسائل مهم

- ۱۷ - همکاری در مسائل اتفاقی ۳۲
- دین، در راستای انسجام اسلامی ۳۳
- توضیح ۳۳
- ۱ - توحید ۳۳
- ۲ - ابعاد جهانی اسلام ۳۴
- ۳ - گسترش روحیه برادری ۳۴
- ۴ - همکاری اجتماعی ۳۴
- ۵ - مسجد و اقامه جمعه و جماعت ۳۴
- ۶ - حج، کنگره عظیم جهان اسلام ۳۴
- ۷ - به کار گرفتن زبان عربی در عبادات ۳۵
- از آثار وحدت سیاسی ۳۵
- سیاست‌گذاری اهل بیت‌علیهم السلام درباره شیعه ۳۷
- اشاره ۳۷
- ۱ - حفظ جان شیعیان ۳۷
- ۲ - وجود شیعه در بین جامعه ۳۷
- ۳ - اتمام حجت بر تمام مردم ۳۸
- عواقب عدم انسجام سیاسی ۳۸
- توضیح ۳۸
- ۱ - بی‌آبرویی ۳۸
- ۲ - به استضعاف کشیدن گروهی از مردم ۳۸
- ۳ - کشتار و اسارت ۳۸
- موانع انسجام اسلامی ۳۹
- اشاره ۳۹
- ۱ - اتهام به یکدیگر ۳۹

- ۲ - عدم تعقل ۴۰
- ۳ - نداشتن بینش سیاسی واقع بینانه ۴۰
- ۴ - شناخت هر مذهب از زبان مخالفان ۴۰
- ۵ - عدم توجه به دشمن مشترک ۴۱
- ۶ - حکم به لوازم اعتقاد ۴۱
- ۷ - سوء ظنّ به دیگری ۴۱
- ب) انسجام حقیقی (طرح درازمدت) ۴۱
- انسجام تکوینی در صدر اسلام ۴۱
- وصیت پیامبران به پیروی از جانشین به حقّ ۴۲
- وحدت حقیقی بر محور امام معصوم علیهم السلام ۴۲
- سنت الهی در امتحان امتها ۴۳
- اشاره ۴۳
- ۱ - امتحان ملائکه و شیطان با خلقت حضرت آدم علیه السلام ۴۴
- ۲ - امتحان اُمت اسلامی در وحدت بر مسأله امامت ۴۴
- ایمان همراه با ولایت ۴۵
- احتیاج به امام ناطق ۴۵
- وظیفه ما در بیان حقایق ۴۶
- علم پیامبر صلی الله علیه وآله به اختلاف امت اسلامی ۴۶
- توجیه کلام حضرت هارون علیه السلام ۴۷
- رجوع به خدا و رسول هنگام اختلاف در جانشین پیامبر صلی الله علیه وآله ۴۷
- ضرورت بیان حقایق ۴۷
- حرمت کتمان حقایق ۴۸
- امام علی علیه السلام و دعوت به اهل بیت علیهم السلام ۴۹
- غدیر، محور انسجام حقیقی ۴۹

- طرح غدیر، در راستای انسجام اسلامی ۵۱
- غدیر از دیدگاه برخی اهل سنت ۵۳
- توضیح ۵۴
- ۱ - محمد بن محمد غزالی ۵۴
- ۲ - محمد بن طلحه شافعی ۵۴
- ۳ - سبط بن جوزی ۵۴
- ۴ - محمد بن یوسف گنجی شافعی ۵۴
- ۵ - سعیدالدین فرغانی ۵۵
- ۶ - تقی الدین مقریزی ۵۵
- ۷ - سعدالدین تفتازانی ۵۵
- برخی از شاعران غدیر از اهل سنت ۵۵
- اشاره ۵۵
- ۱ - فرید الدین عطار نیشابوری (۵۱۳ - ۵۸۶ ق) ۵۵
- ۲ - سنایی غزنوی ۵۶
- ۳ - جلال الدین مولوی ۵۶
- پیام‌های غدیر به جامعه اسلامی ۵۷
- فهرست کتاب‌های انتشارات مسجد مقدس جمکران ۵۸
- پی نوشت ها ۶۱
- درباره مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص) ۶۳

اتحاد ملی و انسجام اسلامی در پرتو آموزه‌های غدیر

مشخصات کتاب

نام کتاب: اتحاد ملی و انسجام اسلامی در پرتو آموزه‌های غدیر مؤلف: علی اصغر رضوانی صفحه‌آرا: امیرسعید سعیدی ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران تاریخ نشر: زمستان ۱۳۸۶ نوبت چاپ: اول چاپ: اسوه شمارگان: ۵۰۰۰ جلد قیمت: ۹۰۰ تومان شابک: ۰ - ۱۲۳ - ۹۷۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸ مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدس جمکران فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدس جمکران تلفن و نمابر: ۰۲۵۱ - ۷۲۵۳۳۴۰ - ۶۱۷ «حق چاپ مخصوص ناشر است»

مقدمه ناشر

ضرورت اتحاد ملی و انسجام اسلامی از نظر عقل بر کسی پوشیده نیست و از منظر قرآن و روایات هم سفارش گردیده است و امسال هم که از طرف مقام معظم رهبری «دام عزّه» سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نام‌گذاری گردیده است و نظر به اینکه غدیر در فرهنگ اسلامی محور اتحاد و انسجام اسلامی است. بر آن شدیم تا برای آشنایی بیشتر فرهنگ پژوهان و مشتاقان معارف اهل بیت‌علیهم‌السلام کتاب پیش روی شما را که توسط استاد ارجمند جناب آقای حاج علی اصغر رضوانی تألیف گردیده و با مشارکت بنیاد بین‌المللی غدیر استان قم به زیور طبع آراسته گردیده است. امید است مورد رضایت حضرت صاحب‌الزمان «عجل‌الله‌تعالی فرجه الشریف» قرار گیرد. تذکرات و راهنمایی‌های عزیزان را بر دیده منت می‌نهم. مدیر مسئول انتشارات مسجد مقدس جمکران حسین احمدی

پیشگفتار

برخی سؤال می‌کنند: چرا بعد از وفات رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله‌در بین مسلمانان اختلاف پدید آمد و در طول تاریخ این اختلاف ادامه پیدا کرد و هم‌اکنون نیز این اختلاف را مشاهده می‌کنیم؟ آیا این، ناشی از نقص در دین اسلام و تعلیمات آن است که نتوانسته مسلمانان و پیروان خود را بر یک اصل و حقیقت جمع نماید؟ یا این که دین اسلام در این جهت ناقص نبوده بلکه پیامبر اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله‌العیاذ‌بالله - در این مسأله کوتاهی کرده است؟ و یا این که از این دو جهت هیچ نقص و کوتاهی وجود ندارد بلکه مشکل در مسلمانان است که به دستورات اسلام و پیامبرش گوش فرا ندادند و لذا به مصیبت تفرقه و تشتت گرفتار شدند، مصیبتی که باعث شد تا از این طریق دشمنان اسلام بر آنان غلبه کرده و آبرو و حیثیت و منافع آنان را به غارت برند؟! ما معتقدیم که اسلام دین کامل و جامع بوده در طرح‌هایی که باعث عزت مسلمین و صلاح آنان است هیچ کوتاهی نداشته است. و پیامبر اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله‌نیز در این راستا به وظیفه خود عمل کرده و هیچ کوتاهی نداشته است، تنها مشکل از ناحیه مسلمانان و دشمنان آنان است. اختلاف امری طبیعی به نظر می‌رسد ولی آنچه مهم است این که برای حل آن و عدم منازعه و خصومت به نحوی که دشمن سوء استفاده نکند چه باید کرد. آری، برخی از مسائل است که منشأ اختلاف در جامعه اسلامی است و لذا خداوند متعال مردم جامعه را از این طریق امتحان خواهد کرد. در چنین فضایی که دشمنان برای نابودی و ضربه زدن به اسلام نقشه‌های خطرناکی کشیده که عمده آن‌ها اختلاف و نزاع بین مذاهب و فرقه‌های اسلامی است جا دارد که راه کارهای اسلام را برای رسیدن امت اسلامی به وحدت سیاسی و حقیقی تبیین نماییم تا هم بتوانیم مردم را از جامعیت اسلام مطلع ساخته که در این زمینه نیز دستور جامع و کامل دارد و نیز راه حلی برای یک‌پارچگی و انسجام اسلامی بیان نماییم. علی‌اصغر رضوانی

اتحاد ملی

مفهوم اتحاد ملی

«اتحاد ملی» یعنی از آن جهت که اقشار مختلف از یک ملت با قومیت‌ها و زبان‌های گوناگونی که دارند و به خاطر این که در یک کشور زندگی می‌کنند و منافع مشترکی دارند باید با یک‌دیگر متحد بوده و به فکر مصالح و منافع کشور خود باشند. الان که مردم دنیا از حیث سکنی دسته دسته شده و برایشان مرزبندی‌هایی شده است که داخل این مرزها افراد مختلف با زبان‌ها و قومیت‌های مختلف وجود دارند، و مستکبران و چپاولگران به فکر غارت‌گری و به تاراج بردن منافع دیگران هستند، لذا جا دارد که افراد یک کشور و ملت به جهت منافع مشترکی که دارند با یک‌دیگر متحد شوند تا دست چپاولگران را از کشور خود دور کرده و خودشان سرنوشت مملکت را به دست گرفته و ثروت‌ها را عادلانه بین همه تقسیم نمایند، و اگر - خدای ناکرده - روزی دشمنی قصد تعرض به آب و خاک و میهن آن‌ها را داشت، همگی یک دست شده و در مقابل دشمن مشترک بایستند.

اصالت وحدت

اشاره

در بین انسان‌ها زمینه‌های بسیاری درباره وحدت وجود دارد و لذا می‌توان ادعا کرد که اصل انسان بر اساس وحدت پایه ریزی شده است؛

۱ - نفخ صور از جانب خدا برای آدم علیه السلام

خداوند متعال درباره خلقت انسان می‌فرماید: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»؛ (۱) «هنگامی که کار آن را به پایان رساندم، و در او از روح خود (یک روح شایسته و بزرگ) دمیدم، همگی برای او سجده کنید!»

۲ - عارضی بودن تفرقه

خداوند متعال می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً...»؛ (۲) «مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آن‌ها وجود نداشت)». و نیز می‌فرماید: «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ»؛ (۳) «(در آغاز) همه مردم امت واحدی بودند؛ سپس اختلاف کردند؛ و اگر فرمانی از طرف پروردگارت (درباره عدم مجازات سریع آنان) از قبل صادر نشده بود، در میان آن‌ها در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌شد (و سپس همگی به مجازات می‌رسیدند)».

۳ - خلقت انسان از نفس واحد

خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...»؛ (۴) «ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان پرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی پرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید؛ و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید! (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، پرهیز کنید! زیرا خداوند، مراقب شماست».

۴ - تکریم بنی آدم

خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»؛ (۵) «ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم».

۵ - فطرت یکسان

خداوند متعال می‌فرماید: «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»؛ (۶) «پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار».

۶ - الهام به نفس بشر

خداوند متعال می‌فرماید: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيْهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا...»؛ (۷) «و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته، سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است». و نیز می‌فرماید: «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ»؛ (۸) «و او را به راه خیر و شر هدایت کردیم!»

۷ - یکپارچگی امت اسلامی

خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»؛ (۹) «این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف)؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید!»

۸ - پیامبر همگان

خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛ (۱۰) «ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم». و نیز می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا»؛ (۱۱) «و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آن‌ها را به پاداش‌های الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند!» و می‌فرماید: «إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا...»؛ (۱۲) «ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم».

۹ - همگانی بودن بعثت

خداوند متعال می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...»؛ (۱۳) «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند». و نیز می‌فرماید: «الرَّكِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ»؛ (۱۴) «الر، (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکی‌ها (ی شرک و ظلم و جهل)، به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی)، بفرمان پروردگارشان در آوری، بسوی راه خداوند عزیز و حمید». و می‌فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»؛ (۱۵) «زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا بیم‌دهنده جهانیان باشد».

قرآن و اتحاد ملی

قرآن کریم تمام امت اسلامی از هر ملیت و قومی که هستند را به اتحاد و یگانگی به جهت دفاع از اسلام و مقابله با دشمنان دعوت کرده است، اینک به برخی از آیات در این باره اشاره می‌کنیم؛ ۱ - خداوند متعال می‌فرماید: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ»؛ (۱۶) «از آن‌ها کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: «او آدم خوش‌باوری است!» بگو: خوش‌باور بودن او به نفع شماست! (ولی بدانید) او به خدا ایمان دارد؛ و (تنها) مؤمنان را تصدیق می‌کند».

قرطبی می‌گوید: «هذه الآية نزلت في عتاب بن قشیر، قال: أتما محمد اذن يقبل كل ما قيل له»؛ (۱۷) «این آیه در شأن عتاب بن قشیر نازل شد که می‌گفت: همانا محمد گوش است و هر چه برای او گفته شود قبول می‌کند». ممکن است که جهت آن حفظ اتحاد ملی در بین اقوام مختلف باشد؛ زیرا در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله از اقوام مختلف می‌آمدند و از قوم دیگر نزد آن حضرت شکایت می‌کردند ولی پیامبر صلی الله علیه وآله تنها گوش فرا می‌داد و بر آن ترتیب اثر نمی‌داد تا بتواند یک پارچگی امت را حفظ نماید.

۲ - و نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ»؛ (۱۸) «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این‌ها ملاک امتیاز نیست)، گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست». اختلافات در رنگ، زبان، خون و وطن گرچه از عوامل وحدت طایفه‌ای در بین مردم است ولی این‌ها همگی عوامل عرضی است که مربوط به جوهر و حقیقت انسان نمی‌باشد؛ بلکه عامل اساسی برای وحدت توحید، نبوت و معاد است. از آیه فوق استفاده می‌شود که اسلام منکر قومیت نیست بلکه به آن اعتراف کرده و آن را از شؤون خلقت می‌داند ولی آن را تنها به جهت شناخت و جذب و کمک به یک‌دیگر قرار داده نه آن که وسیله‌ای برای تفاخر و نزاع باشد؛ و لذا خداوند در آخر آیه، معیار برتری را تقوا معرفی کرده و می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ». ۳ - و نیز می‌فرماید: «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ»؛ (۱۹) «(به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند». راغب اصفهانی می‌گوید: «عبر عن القوة الغضبية اذا ثارت بالحمية، ففيل: حميت على فلان اي غضبت»؛ (۲۰) «از قوه غضبیه هنگامی که فوران کرده و سرکش و طغیان‌گر شود به حمیت تعبیر می‌شود. گفته شده: حمیت علی فلان یعنی بر او غضب کردم». ۴ - و می‌فرماید: «اعلموا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ»؛ (۲۱) «بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است». ۵ - و نیز می‌فرماید: «وَاللَّهُ لَمَّا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»؛ (۲۲) «و خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد». در این آیه خداوند متعال کسانی را که فخر فروشی بی‌مورد و بی‌جا نموده و ارزش‌های اصیل را میزان برتری نمی‌دانند، مورد مذمت قرار داده و آنان را دوست ندارد. ۶ - و نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بِئْسَ اللَّاسِمُ الضُّلُوعُ بَعِيدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ (۲۳) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند؛ و نه زنانی را از این‌ها بهتر بدانند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید؛ و آن‌ها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند». از این آیه استفاده می‌شود که اقوام نباید یک‌دیگر را مسخره کنند و قوم خود را برتر دانسته و اقوام دیگر را به باد استهزاء و مسخره بکشند. ۷ - و نیز می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ (۲۴) «بدانید «حزب الله» پیروزان و رستگارانند». در این آیه، خداوند متعال تنها حزب رستگار شده را حزب الله می‌داند و هرگز رستگاری را در قوم گرایی و ادعاهای قبیله‌ای قرار نداده است. ۸ - خداوند متعال دستور سجده بر آدم را به ملائکه و از آن جمله شیطان داد ولی شیطان تعصب به خرج داده و ادعای قومی‌گری کرد و عرض نمود: «خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ»؛ (۲۵) «مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل». با این ادعا بود که خداوند متعال او را از بهشت و مقام قرب خود بیرون راند. و در جای دیگر می‌فرماید: «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ * قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِإِسْرَافِ

خَلَقْتَهُ مِنْ صَلَاحٍ مِنْ حَمِيٍّ مَسِينُونَ * قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ * وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ؛ (۲۶) «(خداوند) فرمود: ای ابلیس! چرا با سجده‌کنندگان نیستی؟! * گفت: من هرگز برای بشری که او را از گل خشکیده‌ای که از گل بدبویی گرفته شده است آفریده‌ای، سجده نخواهم کرد! * فرمود: از صف آن‌ها [= فرشتگان] بیرون رو، که رانده شده‌ای (از درگاه ما!). * و لعنت (و دوری از رحمت حق) تا روز قیامت بر تو خواهد بود!».

روایات و اتحاد ملی

روایات اسلامی نیز به مسأله اتحاد ملی اشاره نموده است؛ ۱ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه حجه الوداع می‌فرماید: «ایها الناس! ان ربکم واحد و اباکم واحد، لیس لعربی علی اعجمی و لا لأعجمی علی عربی و لا لأحمر علی ابیض و لا لأبیض علی أحمر فضلُ الا بالتقوی»؛ (۲۷) «ای مردم! همانا پروردگار شما یکی، و پدر شما یکی است، هرگز عرب بر عجم و عجم بر عرب و سرخ پوست بر سفید پوست و سفید پوست بر سرخ پوست برتری به جز در تقوا ندارد». ۲ - از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نقل شده که فرمود: «مثل المؤمنین فی توادهم و تعاطفهم و تراحمهم مثل الجسد، اذا اشتکی منه شیء تداعی له سائر الجسد بالسهر و الحمی»؛ (۲۸) «مثال مؤمنان در دوستی و عطف و ترحم به یکدیگر همانند بدن است که اگر جزئی از آن مریض شود سایر اعضا با او در بیداری و تب همراهی خواهند نمود». ۳ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «من تعصّب او تعصّب له فقد خلع ربقة الایمان من عنقه»؛ (۲۹) «کسی که تعصب به خرج دهد یا به نفع او اعمال تعصب شود به طور حتم ریسمان ایمان را از گردنش خلع کرده است». ۴ - از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «من کان فی قلبه حبه من خردل من عصبیه بعثه الله تعالی یوم القیمة مع اعراب الجاهلیة»؛ (۳۰) «هر کس در قلبش به قدر دانه ارزن از تعصب [بی‌مورد] باشد خداوند متعال او را در روز قیامت با عرب‌های جاهلیت محشور می‌کند». ۵ - از امام صادق علیه السلام نقل شده: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله یتعوذ فی کل یوم من ستّ: من الشک و الشرك و الحمیة و الغضب و البغی و الحسد»؛ (۳۱) «رسول خدا صلی الله علیه و آله هر روز از سه چیز به خدا پناه می‌برد: از شک و شرک و تعصب و غضب و ظلم و حسد». ۶ - صعصعه بن صوحان می‌گوید: «عادنی امیر المؤمنین علیه السلام فی مرض ثم قال: انظر فلا- تجعلن عیادتی ایاک فخرأ علی قومک، و اذا رأیتهم فی امر فلا تخرج منه، فأنه لیس بالرجل غنا عن قومه. اذا خلع منهم یداً واحدة یخلعون منه ایدی کثیرة، فاذا رأیتهم فی خیر فأعنهم علیه و اذا رأیتهم فی شرّ فلا تخذلنهم، فلیکن تعاونکم علی طاعة الله؛ فانکم لن تزالوا بخیر ما تعاونتم علی طاعة الله تعالی و تناهیتهم عن معاصیه»؛ (۳۲) «امیر المؤمنین علیه السلام مرا هنگامی که مبتلا به مرضی بودم عیادت کرد، آن‌گاه فرمود: عیادت مرا برای قومت افتخار به حساب نیاور. و هرگاه قوم خود را بر امری دیدی از آن خارج مشو؛ زیرا هر کس به قومش احتیاج دارد، و هنگامی که یک نفر از آن‌ها خلع ید کند دیگران نیز چنین خواهند کرد، ولی هرگاه آنان را در خیر دیدی بر آن خیر آن‌ها را یاری کن و هرگاه بر شر دیدی آنان را خوار مگردان. و باید همکاری شما در راستای اطاعت خدا باشد؛ زیرا شما در خیرید مادامی که بر طاعت خدا همکاری نموده و از معاصی خداوند نهی کنید». ۷ - از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «لما کان یوم فتح مکه قام رسول الله صلی الله علیه و آله فی الناس خطیباً فحمد الله و اثنی علیه ثم قال: ایها الناس! لیبیغ الشاهد الغائب، ان الله تبارک و تعالی قد اذهب عنکم بالاسلام نخوة الجاهلیة و التفاخر بأبائها و عشائرها. ایها الناس! انکم من آدم و آدم من طین، الا- و ان خیرکم عند الله و اکرمکم علیه الیوم اتقاکم و اطوعکم له...»؛ (۳۳) «روز فتح مکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در بین مردم ایستاده خطبه‌ای خواند و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم! حاضرین به غایبین اطلاع دهند، همانا خدای تبارک و تعالی به واسطه اسلام نخوت جاهلیت و تفاخر به پدران و عشیره‌ها را از بین برده است. ای مردم! همه شما از آدم آفریده شده و آدم از گل خلق شده است. آگاه باشید که بهترین شما نزد خدا و کریم‌ترین شما بر خدا، امروز، باتقواترین و مطیع‌ترین شما نسبت به دستورات اوست...». ۸ - و نیز از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «اصل المرء دینه و

حسبه خلقه، و کرمه تقواه، و انّ الناس من آدم شرع سواء؛» (۳۴) «اصل انسان به دین اوست و حسب او اخلاقش و کرم او تقوایش می‌باشد. و همه مردم از آدم به طور مساوی آفریده شده‌اند».

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد اتحاد ملی

از سیره عملی رسول خدا صلی الله علیه و آله استفاده می‌شود که هرگز برای قومیت‌ها و ملیت‌ها ارزش خاصی قرار نداده بلکه در صدد الغای این ارزش‌های خیالی و اصالت دادن به ارزش‌های اسلامی بوده است. اینک به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم؛ ۱ - مسلمانان بر قبیله بنی المصطلق پیروز شدند و عده‌ای از آن قبیله کشته و اسیر شد. پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که بر سر چشمه آن‌ها ایستاده بود ناگهان بین دو نفر از انصار و مهاجران اختلاف و نزاع شد، انصاری صدا زد: ای جماعت انصار! و مرد دیگر گفت: ای جماعت مهاجران. چون پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه سخنان را شنید فرمود: «این گونه کلمات را رها کنید... یعنی این گونه سخنان خبیث بوده و از ادعاهای جاهلیت است، در حالی که خداوند مؤمنان را دارای یک حزب قرار داده و همه را برادر خطاب کرده است، و لذا باید همه صداها در هر مکان و زمان به جهت مصالح عمومی اسلام و مسلمین باشد نه مصالح اقوامی خاص...» (۳۵) ۲ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت نمود و در آن دیار بین دو قبیله اوس و خزرج که از دیرباز با یکدیگر نزاع و جنگ داشتند الفت ایجاد کرد و همه را به دور خود جمع نمود، تا این که یکی از یهودیان معاند به نام شاس بن قیس بر عده‌ای از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله از این دو قبیله گذر کرد و دید که آنان دور هم جمع شده و با هم سخن می‌گویند. او از این الفت و یگانگی به خشم آمد و لذا جوانی از یهود که همراه با او بود را دستور داد تا با آن‌ها مجالست کند و از جنگ‌هایی که بینشان بوده سخن بگوید... او چندان گفت که عقده‌ها و کینه‌ها را از هر دو طرف برانگیخت و افرادی از دو قبیله شروع به پرخاش به یکدیگر کردند. خبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، آن حضرت صلی الله علیه و آله با جماعتی از اصحاب خود به نزد آنان آمد و فرمود: «یا معشر المسلمین! الله، الله، ابدعوی الجاهلیة و انا بین أظهرکم بعد ان هداکم الله بالاسلام و اکرمکم به و قطع به عنکم امر الجاهلیة و استنقذکم من الکفر و الف بین قلوبکم؟!؛» «ای جماعت مسلمین! خدا را، خدا را در نظر بگیرید، آیا دعوای جاهلیت می‌کنید در حالی که من در میان شما هستم بعد از آن که خداوند شما را به اسلام هدایت و تکریم نمود و به واسطه آن امر، جاهلیت را از شما قطع کرد و از کفر نجاتتان داد و بین قلب‌های شما الفت داد؟!». این سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله همانند آبی بود که بر روی آتش ریخته باشند؛ زیرا آنان فهمیدند که نزاعشان شیطانی بوده و کیدی از ناحیه دشمنانشان بوده است. و لذا مردان قبیله اوس و خزرج برخاسته و با یکدیگر معانقه نمودند... (۳۶) ۳ - مشاهده می‌کنیم در تاریخ که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابولهب و ابوجهل را با آن همه خویشاوندی نزدیک که با حضرت دارند، به جهت عدم پذیرش اسلام، آنان را از خود طرد نموده و در عوض سلمان فارسی با آن همه اختلافی که با او در زبان و قومیت دارد او را به خود نزدیک کرده تا به جایی که او را از اهل بیت خود به حساب آورده است. ۴ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی که به مدینه آمد بین مسلمانان عقد اخوت بست، بین بردگان و موالی اخوت ایجاد نمود، لذا مشاهده می‌کنیم که بین بلال حبشی که برده‌ای سیاه پوست بود با خالد خثعمی که از بزرگان صحابه به حساب می‌آمد و نیز بین زید با عمویش حمزه و بین عمار و حذیفه عقد برادری بست، تا از این طریق نظام طبقاتی و قوم‌گرایی و افکار ناسیونالیستی را از بین بردارد و به جای آن امتیاز اسلام و تقوا را جایگزین سازد. و از اینجا بود که بسیاری از برده‌ها به مناصب عالی دست یافتند. ۵ - هنگامی که قریش کعبه را تجدید بنا کردند در این که حجر الأسود را چه کسی و از چه قبیله‌ای نصب کنند اختلاف شد و هر کسی می‌خواست این امتیاز را از آن خود و قبیله‌اش گرداند، این نزاع چنان بالا گرفت که نزدیک بود به خونریزی و جنگ منجر شود ولی تدبیر صحیح پیامبر صلی الله علیه و آله بود که آنان را از یک جنگ حتمی نجات داد و آن این که دستور داد تا پارچه‌ای ضخیم آوردند و حجر الأسود را در میان آن گذاشتند آن‌گاه

فرمود: از هر قومی نماینده‌ای بیاید و با هم آن سنگ را برداشته و نصب نمایند. ۶ - امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «... دفن الله به الضغائن و اطفأ به النوائر، ألف به اخواناً و فرق به أقراناً، اعزّ به الذلّة و اذلّ به العزّة...» (۳۷) «خداوند به واسطه او کینه‌ها را دفن کرد و آتش‌ها را خاموش نمود، بیگانگی را پیوند برادری داد و خویشاوندی را گستراند، و عزّت‌های ناروا را به ذلّت و ذلّت‌های نابجا را به عزت تبدیل کرد». ۷ - و نیز درباره عملکرد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «فصدع بما أمر به و بلّغ رسالات ربّه فلم الله به الصدع و رتق به الفتق و ألّف به الشّمل بین ذوی الأرحام بعد العداوة الواغرة فی الصدور و الضغائن القادحة فی القلوب» (۳۸) «پیامبر صلی الله علیه و آله آنچه را که مأموریت داشت با صدای بلند گفت و رسالت‌های پروردگارش را ابلاغ نمود، و لذا خداوند به وسیله او شکاف‌های ناشی از اختلاف را پر کرد و میان خویشاوندان همبستگی و الفت به وجود آورد آن هم در پی شعله‌های عداوتی که در سینه‌ها افروخته شده بود و کینه‌های نهفته‌ای که هر آن در دل جرقه‌ای می‌زد».

اتحاد ملی در صدر اسلام از دیدگاه مستشرقان

توفیق پیامبر صلی الله علیه و آله در جهت ایجاد وحدت سیاسی در محدوده داخلی و تشکیل یک ملت واحد امری است که از نظر پاره‌ای نویسندگان اروپایی دور نمانده است؛ ۱ - گوستاو لوبون فرانسوی در این باره می‌نویسد: «معجزه بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که توانست پیش از مرگ خود قافله پراکنده عرب را گرد هم آورد و از این کاروان سرگردان و پریشان، ملت واحدی تشکیل دهد بدان سان که همه را در برابر یک دین خاضع کرده، فرمانبر و مطیع یک پیشوا گرداند». (۳۹) او در جای دیگر می‌گوید: «هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در سال ۶۳۲ میلادی از دنیا رفت هنوز کاری را که دست بدان زده بود پابرجا نشده و انواع و اقسام خطرها دین او را برای همیشه تهدید به زوال می‌کرد، و آن وحدت سیاسی سرزمین‌های عربی که به دست او انجام شد نتیجه مساواتی که دین او در برداشت و این وحدت سیاسی زاینده آن وحدت دینی بود...». (۴۰) ۲ - همیلتون گیب می‌نویسد: «حرکت اسلامی شکل جدیدی را به وجود آورد و از اجتماع پراکنده، جامعه واحدی را همراه با خط مشی سیاسی ایجاد کرد... محمّد پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از بزرگان تاریخ و قهرمان با اراده‌ای است که جامعه بزرگی را به وجود آورده است و جمعیت پراکنده‌ای را انسجام بخشیده و تحول عظیمی ایجاد کرده است...». (۴۱) ۳ - ویل دورانت می‌گوید: «بزرگ‌ترین مشکلی که در راه مصلحان است یکی این است که بتوانند همبستگی میان مردم را به حالت مطبوع و جالب درآورند و دیگر این که حدود جامعه وحدت یافته را به دقت تعیین کنند... اخلاقی که محمّد صلی الله علیه و آله عرضه کرد از مرزهای قبیله‌ای که وی در آن زاده بود گذشت، اما در میان جمعیت، دینی که پدید آورد باقی ماند... امتیازات نژادی و طبقاتی را که در میان قبایل عربستان، بنیادی استوار داشتند در پرتو اعتقاد دینی مشابه‌شان محدود کرد...». (۴۲) ۴ - جان دیون پورت می‌نویسد: «... محمّد - صلی الله علیه و آله - یک نفر از عرب و مردی ساده زیست، توانست قبایل پراکنده و کوچک و برهنه و گرسنه کشور خود را به یک جامعه متحد و مطیع و فرمانبردار مبدّل سازد و در میان ملت‌های روی زمین آن‌ها را با صفات و اخلاق تازه‌ای معرفی نماید، او توانست در کمتر از سی سال، این طرز و روش، امپراطور قسطنطنیه را مغلوب کرده و سلاطین ایران را از بین بردارد...». (۴۳) ۵ - گورگیو می‌نویسد: «انقلابی که محمّد صلی الله علیه و آله می‌خواست در آن موقع در عربستان به وجود آورد با توجه به رسوم و شعائر عرب و نفوذ فوق العاده رؤسای قبایل و این که هر قبیله و طایفه یک واحد اجتماعی بزرگ را تشکیل می‌داد، از انقلاب فرانسه بزرگ‌تر بود، انقلاب فرانسه نتوانست میان فرانسوی‌ها مساوات به وجود آورد ولی انقلاب محمّد صلی الله علیه و آله میان مسلمانان مساوات به وجود آورد و هر نوع مزیت خانوادگی و طبقاتی و مادی را از بین برد». (۴۴)

راه کارهای اتحاد ملی

توضیح

بعد از بیان مطلوبیت بلکه ضرورت اتحاد ملی از دیدگاه قرآن و روایات اینک به راه کارهایی در این رابطه می‌پردازیم؛

۱ - مخالفت با شعارهای قومی

بخاری در باب غزوه بنی المصطلق نقل کرده: «تنازع مهاجری مع انصاری، فصرخ الانصاری: (یا معشر الأنصار) و صرخ الآخر: (یا معشر المهاجرین)، و لما سمع النبی هذه الکلمات قال: (دعوها فانها دعوی میتة)»؛ (۴۵) «یکی از مهاجرین با فردی از انصار نزاع کردند، مرد انصاری صدا زد: ای جماعت انصار! و شخص دیگر صدا داد: ای جماعت مهاجران! چون پیامبر صلی الله علیه و آله این سخنان را شنید فرمود: این‌ها را رها کنید؛ زیرا که ادعاهای جاهلیت است». و هنگامی که بین اوس و خزرج نزاع شد حضرت فرمود: «یا معشر المسلمین! الله الله، ابدعوی الجاهلیة و انا بین اظهرکم بعد ان هداکم الله للاسلام و اکرمکم به و قطع به عنکم امر الجاهلیة و استنذکم به من الکفر»؛ (۴۶) «ای جماعت مسلمین! خدا را خدا را [در نظر بگیرید] آیا ادعاهای جاهلیت را می‌کنید در حالی که من در میان شما هستم بعد از آن که خداوند شما را به اسلام دعوت کرده و به آن تکریم نمود، و به واسطه آن از شما امر جاهلیت را قطع کرد و شما را از کفر نجات بخشید».

۲ - ایجاد اخوت بین اقوام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جهت اتحاد ملی، دو بار بین افراد مختلف از اقوام گوناگون عقد اخوت بست تا از این طریق تعصبات قومی و عشیره‌ای را از آنان بزدايد. و لذا بین عمر و ابوبکر که از دو قبیله بودند عقد برادری بست و همچنین افراد بسیاری را از قبیله‌ها و اقوام مختلف، بیانشان عقد برادری و اخوت بست. و حتی بین بردگان با اشراف مدینه نیز چنین نمود تا روح تعصب و فخرفروشی از میان آنان رخت بر بسته و به جای آن معیارهای اصیل اسلامی که همان تقواست جایگزین شود.

۳ - دادن پست‌ها به اقوام مختلف

کسانی که از معیارهای اصیل اسلامی دورند هنگامی که به پست و مقامی می‌رسند از قوم و عشیره خود افرادی را بدون آن که شرایط لازم برای احراز آن منصب و پست را داشته باشند، به سمت‌های مهم و کلیدی می‌رسانند، کاری که - مع الأسف - در برخی موارد متداول شده و اسلام شدیداً با آن مخالفت کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جهت مخالفت با تعصبات قوم گرایی، منصب‌ها و پست‌ها را بین افراد لایق از هر قوم و قبیله‌ای تقسیم می‌کرد و تنها در این راه شایسته سالاری را در نظر می‌گرفت تا از این طریق روح اتحاد ملی را در میان مردم تقویت نماید.

۴ - تقویت ارزش‌های دینی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سرزمینی دعوت خود را شروع کرد که مردم آن به قومیت و حسب و نسب خود افتخار می‌کردند، و لذا حضرت برای این که این ارزش موهوم و خیالی را از بین ببرد سعی نمود تا جایگزینی اصیل و عقلایی برای آن معرفی کند آن‌گاه بر ارزش موهوم و خیالی ضربه وارد کند. و لذا مشاهده می‌کنیم که حضرت در صدد تقویت ارزش‌های دینی در میان جامعه بوده است. و لذا تقوا را بهترین میزان برای برتری افراد معرفی کرده است. و بدین جهت می‌بینیم که سلمان فارسی را با وجود آن که از عجم است او را از جمله اهل بیت خود به حساب آورده و جمله «سلمان منّا اهل البیت» را درباره او فرموده است.

۵ - پیوندهای خانوادگی بین اقوام

یکی دیگر از راه کارهای اتحاد ملی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن استفاده می کرد پیوندهای خانوادگی بین اقوام مختلف بود و این کار را نه تنها خودشان انجام می دادند بلکه دستور می فرمود تا دیگران نیز این کار را انجام دهند تا از این طریق سد قومیت و قبیله گری شکسته شود، به حدی این کار نزد ایشان مهم بود که دو بار عقد برادری بین اصحاب بسته شد؛ یک بار در مکه بین مهاجرین و بار دوم در مدینه بین مهاجرین و انصار. حاکم نیشابوری به سندش از عبدالله بن عمر نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله عقد اخوت بین اصحابش بست؛ بین ابوبکر و عمر، و طلحه و زبیر، و بین عثمان و عبدالرحمان بن عوف. علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا! بین اصحابت عقد اخوت بستی پس برادر من کیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا راضی نمی شوی ای علی که من برادر تو باشم؟ علی علیه السلام عرض کرد: آری ای رسول خدا؛ آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: تو برادر منی در دنیا و آخرت». (۴۷) متقی هندی از امام علی علیه السلام نقل کرده که فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله بین عمر و ابوبکر، حمزه بن عبدالمطلب و زید بن حارثه، عبدالله بن مسعود و سعد بن مالک و بین من و خودش عقد اخوت بست». (۴۸) شیخ منصور علی ناصف می گوید: «هذه المؤاخاة وقعت بعد الهجرة، فقد آخى النبي صلى الله عليه وآله بين المهاجرين والأنصار لزيادة الرابطة و المودة بينهما، و بهذا الحديث امتاز علی عن بقية الأصحاب»؛ (۴۹) «این عقد اخوت بعد از هجرت واقع شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت ارتباط بیشتر و دوستی بین مهاجرین و انصار، چنین عقدی بین آنان بست. و به این حدیث، علی علیه السلام از بقیه اصحاب امتیاز نمود».

۶ - نفی ارزش های خیالی

یکی از راه کارهای اتحاد ملی نفی هرگونه ارزش های خیالی است که در جامعه وجود دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «... لیس لعربی علی اعجمی و لا- اعجمی علی عربی و لا- أحمر علی ایض و لا- لأبيض علی احمر فضل الا بالتقوی»؛ (۵۰) «... هرگز عرب بر عجم و عجم بر عرب و سرخ پوست بر سفید پوست و سفید پوست بر سرخ پوست برتری به جز در تقوا ندارد».

۷ - طرد اقوام نااهل از خود

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اصرار و پافشاری بر موضوع خود در حذف قومیت گرایی و تعصبات بی مورد، برخی از اقوام خود را که ایمان نیاوردند از خود طرد کرد و برخی از آنها تا به حدی با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مخالفت پرداختند که ایشان سوره ای در مذمت او از جانب خداوند متعال آورد. و لذا مشاهده می کنیم که برخی از عموهای پیامبر صلی الله علیه و آله از آن جهت که دعوت او را نپذیرفتند مورد بی اعتنایی و مخالفت صریح پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفتند.

تعصب مذموم

زهری می گوید: از امام سجاده علیه السلام درباره تعصب سؤال شد حضرت فرمود: «العصیة التي یأثم علیها صاحبها ان یری الرجل شرار قومه خیراً من خیار قوم آخرین، و لیس من العصیة ان یحب الرجل قومه، ولكن من العصیة ان یعین قومه علی الظلم»؛ (۵۱) «تعصبی که برای صاحبش گناه نوشته می شود آن است که کسی اشرار قومش را از بهترین های قوم دیگر بهتر ببیند، و از تعصب نیست این که شخصی قومش را دوست بدارد، ولی تعصب آن است که کسی قومش را بر ظلم کمک کند». علامه مجلسی رحمه الله

می گوید: «التعصب المذموم فی الأخبار هو ان یحیی قومه او عشیرته او اصحابه فی الظلم و الباطل، او یلج فی مذهب باطل او مله باطله؛ لکونه دینه او دین آبائه او عشیرته، و لا یكون طالباً للحق بل ینصر مالا یعلم انه حق او باطل؛ للغلبه علی الخصوم، او لإظهار تدرّبه فی العلوم، او اختار مذهباً ثم ظهر له خطاؤه فلا یرجع عنه لثلاً ینسب الی الجهل او الضلال»؛ (۵۲) «تعصب ناپسند در روایات آن است که شخصی قوم یا عشیره یا اصحاب خود را در ظلم یا باطل حمایت کند، یا در مذهب یا ملت باطلی وارد گردد از آن جهت که دین او و دین پدران یا عشیره اوست، در حالی که طالب حق نباشد بلکه در صدد یاری چیزی باشد که نمی داند حق است یا باطل؛ به جهت غلبه بر دشمنان، یا به جهت اظهار مطلبی در علوم، یا مذهبی را اختیار کند آن گاه پی به اشتباهش ببرد ولی از آن بازنگردد تا او را به جهل و گمراهی نسبت ندهند».

انسجام اسلامی

مفهوم انسجام اسلامی

«انسجام اسلامی»؛ یعنی هر کس که مسلمان است از هر مذهب و آیینی که هست به لحاظ مشترکات دینی که دارد دشمن مشترک نیز دارد، لذا باید صفوف خود را مقابل دشمن مشترک فشرده کرده و در برابر او بایستند. و کاری نکنند که دشمن از وضعیت آنها سوء استفاده کرده و در رسیدن به اهداف شوم او کمک کار باشند. دشمن که چشم طمع به منافع کشورهای اسلامی دوخته و دشمن سرسخت مسلمانان است از آنجا که نمی تواند با همه آنان مقابله کند لذا ابتدا آنان را از هم جدا کرده و به جان هم می اندازد تا نیروهایشان مستهلک شود آن گاه به سراغ تک تک آنها می رود و در این صورت می تواند به پیروزی برسد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب انسجام اسلامی یعنی افراد هر مذهبی از مذاهب اسلامی کاری نکنند که احساسات افراد مذهب دیگر را بر ضد خود برانگیزاند.

اقسام انسجام اسلامی

اشاره

اسلام برای نجات مسلمین از ضلالت و گمراهی و تشّت دو نوع دستورالعمل صادر کرده و طرح آن را داده است؛

۱ - انسجام سیاسی

این طرح که کوتاه مدت و مقطعی و اورژانسی است به جهت یکپارچگی مسلمانان داده شده است؛ زیرا آنان نقاط مشترکی داشته و در نتیجه دشمن مشترکی هم دارند.

۲ - انسجام حقیقی

اسلام طرح درازمدت و اساسی دیگری نیز داده است که بر اساس آن، امت اسلامی با عمل کردن به آن می توانند به سعادت دنیا و آخرت برسند که همان یکی شدن بر اساس محور امام به حق و شخص معصوم است.

دعوت قرآن به انسجام سیاسی

خداوند متعال می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...»؛ (۵۳) «محمد صلی الله علیه و آله فرستاده

خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند». و نیز می‌فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»؛ (۵۴) «و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود!»

روایات و دعوت به انسجام سیاسی

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «ذمة المسلمین واحده یسعی بها ادناهم و هم ید علی من سواهم، فمن اخفر مسلماً فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعین لایقبل منه یوم القیمة صرف و لاعدل»؛ (۵۵) «ذمه مسلمین یکسان است و به آن کس می‌تواند حق خود را طلب کند و همه در مقابل دشمن ید واحده‌اند، پس هر کس با مؤمنی عهد شکنی کند لعنت خدا و ملائکه و همه مردم بر او باد و خداوند در روز قیامت از او هیچ چیزی را قبول نمی‌کند». از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «الحج تقویة للدين»؛ (۵۶) «حج موجب تقویت دین است». آیت الله شهید مطهری قدس سره در مورد انسجام سیاسی می‌فرماید: «مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود؟ یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود و افتراقات همه آن‌ها کنار گذاشته شود و مذهب جدیدی به این نحو اختراع شود که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا این که وحدت اسلامی به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از مسلمین، اتحاد پیروان مذاهب مختلف در عین اختلافات مذهبی در برابر بیگانگان است؟ مخالفین اتحاد مسلمین برای این که از وحدت اسلامی مفهومی غیر منطقی و غیر عملی بسازند آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می‌کنند تا در قدم اول با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد افتراقات آن‌ها - که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی - نیست، منظور این دانشمندان متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمن مشترکشان. این دانشمندان می‌گویند: مسلمین مایه وفاق‌های بسیاری دارند که می‌تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد...» (۵۷).

برخی از مشترکات امت اسلامی

۱ - ایمان به قرآن کریم بدون هیچ گونه تحریف در آن. ۲ - ایمان به سنت نبوی و رسالت او. ۳ - عمل به روایات مسند از اهل بیت علیهم السلام؛ مثل حدیث جابر از امام صادق علیه السلام در باب حج در مورد سؤال زن خثعمیه. ۴ - محبت اهل بیت علیهم السلام. ۵ - ایمان به خروج حضرت مهدی علیه السلام. ۶ - التزام به ارکان عملی از قبیل: نماز، زکات، روزه و حج... ۷ - توجه به کعبه هنگام نماز. و ...

راهکارهای انسجام سیاسی

توضیح

برای رسیدن به انسجام سیاسی راه کارهایی پیشنهاد می‌شود؛

۱ - شناخت هر مذهب از منابع آن

تصور فرع تصدیق است، و خوب تصور کردن و فهمیدن تنها با مراجعه به مصادر طرف مقابل یا علمای معروف و مورد اعتماد حاصل می‌شود. از باب مثال: مسأله تحریف قرآن، سجده بر تربت و اعتقاد به بداء در این موضوعاتی که شیعه مورد هجوم قرار

گرفته اگر به مصادر و منابع یا علمای شیعه مراجعه شود می‌توان با به دست آوردن آرای آنان به نظر صحیح رسیده و نزاع و خصومت را برطرف نمود. عادل غضبان، مدیر مجله مصری «الکتاب» در مقدمه جلد سوم «الغدیر» می‌نویسد: «این کتاب، منطق شیعه را روشن می‌کند و اهل سنت می‌توانند به وسیله این کتاب، شیعه را به طور صحیح بشناسند. شناسایی صحیح شیعه سبب می‌شود که آراء شیعه و سنی به یکدیگر نزدیک شود و مجموعاً صف واحدی تشکیل دهند.» (۵۸)

۲ - حسن ظن به دیگری

خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»؛ (۵۹) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است». از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «ایاکم و الظن؛ فان الظن اکذب الحدیث، ولا تحسسوا و لاتجسسوا و لاتناجشوا و لاتحاسدوا و لاتدابروا و لاتباغضوا، و کونوا عباد الله اخواناً، و لایحل لمسلم ان یهجر اخاه فوق ثلاثه ایام»؛ (۶۰) «از گمان بد به دیگری پرهیزید؛ زیرا گمان بد بدترین گفتار است، و احساس بد به کسی نداشته باشید و تجسس نکنید، و جستجو نکنید و به یکدیگر حسد نورزید و به همدیگر پشت ننمایید، و بغض همدیگر را در دل نداشته باشید، بنده خدا و برادران یکدیگر باشید، و جایز نیست بر مسلمان که با برادرش بیش از سه روز قهر نماید». از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «المسلم اخوالمسلم و هو عینه و مرآته و دلیله، لایخونه و لایخدعه و لایظلمه و لایکذبه و لایغتابه»؛ (۶۱) «مسلمان برادر مسلمان است، مسلمان چشم مسلمان و آینه و مرآه و دلیله، لایخونه و لایخدعه و لایظلمه و لایکذبه و لایغتابه»؛ (۶۲) «معنای اسلام بخاری به سندش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «من شهد ان لا اله الا الله و استقبل قبلتنا و صلی صلاتنا و اکل ذبیحتنا فذلک المسلم، له ما للمسلم و علیه ما علی المسلم»؛ (۶۳) «هر کس به وحدانیت خدا شهادت دهد و به طرف قبله ما ایستاده و نماز ما را به جای آورد و از ذبیحه ما بخورد او مسلمان است و هر آنچه به نفع یا ضرر مسلمانی جعل شده برای او نیز می‌باشد».

۳ - عدم حکم به لوازم اعتقادات

یکی از راه کارهای انسجام سیاسی حکم نکردن به لوازم اعتقادات افراد است. از باب مثال: اشاعره معتقد به جبرند، مخالفان آن‌ها نباید بگویند که اشاعره اعتقادی بر خلاف قرآن دارند و هر کس که بر خلاف قرآن اعتقاد دارد مخالف قرآن است و مخالف قرآن مخالف خدا و رسول بوده و مخالف آن دو کافر است و کافر باید کشته شود. این لوازم را اشعری قبول ندارد و لذا نمی‌توان او را ملترم به آن نموده و حکم را بر او مترتب کرد. همچنین است در مورد اعتقاد معتزله به تفویض و اعتقاد امامیه به نظریه «امر بین الامرین»، یا مسأله توجه به وسائط هنگام دعا و صدا زدن اموات و غیره. ابن تیمیه می‌گوید: «...فلازم المذهب لیس بمذهب الا ان یستلزمه صاحب المذهب...»؛ (۶۴) «...لازمه مذهب جزء عقائد مذهب به حساب نمی‌آید مگر آنکه صاحب آن مذهب ملترم به آن باشد...». او نیز می‌گوید: «فالصواب ان مذهب الانسان لیس بمذهب له اذا لم یلتزمه، فانه اذا کان قد انکره و نفاه کانت اضافته الیه کذباً علیه...»؛ (۶۵) «صحیح آن است که مذهب انسان آن وقتی مذهب اوست که ملترم به آن باشد ولی اگر آن را انکار کرده و نفی کند انتساب آن به او دروغ بر اوست...». محمد خلیل هراس در شرح نونیه ابن قیم جوزیه می‌گوید: «والذی یتظهر من کلام الأئمة انهم لا یفرقون فی الحکم بین اللوازم البینه الظاهره و اللوازم الخفیه؛ فان الانسان قد یدهل عن اللوازم القریب، بل غالب کلامهم عن

اللوازم البینه التي ثبت لزومها؛ فاذا ثبت عدم المؤاخذه بها و عدم لزومها فالخفيه من باب اولی؛ (۶۶) «آنچه از کلام امامان به دست می‌آید این که آنان بین لوازم آشکار و ظاهر و لوازم مخفی - در عدم جواز انتساب به افراد - فرق نمی‌گذارند؛ زیرا انسان گاهی از لوازم قریب غافل است، بلکه غالب کلام انسان از لوازم آشکار است که لزومش ثابت می‌باشد. حال اگر نمی‌توان کسی را به لوازم آشکار مؤاخذه کرد پس در لوازم مخفی به طریق اولی نمی‌توان انسان را مؤاخذه نمود».

۴ - حکم به ظاهر افراد

اشاره

از مصادیق رحمت الهی آن است که احکامش را بر یقین مترتب کرده نه بر گمان و وهم؛ یعنی تا یقین بر خلاف نداری حکم به براءت باید کرد؛

قرآن و حکم به ظاهر افراد

خداوند متعال می‌فرماید: «يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»؛ (۶۷) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در راه خدا گام می‌زنید (و به سفری برای جهاد می‌روید)، تحقیق کنید! و بخاطر این که سرمایه ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگوئید: مسلمان نیستی».

روایات اهل بیت‌علیهم السلام و حکم به ظاهر افراد

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «الاسلام هو الظاهر الذي عليه الناس؛ شهادة ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله صلى الله عليه وآله و اقامة الصلاة و ايتاء الزكاة و حج البيت و صيام شهر رمضان»؛ (۶۸) «اسلام همان ظاهری است که مردم بر آنند، یعنی گواهی به وحدانیت خدا و این که محمّد رسول خداست، و نیز برپا نمودن نماز و پرداخت زکات و قصد خانه خدا و روزه ماه رمضان». و نیز نقل شده که فرمود: «الاسلام شهادة ان لا اله الا الله و التصديق برسول الله صلى الله عليه وآله و به حققت الدماء و عليه جرت المناكح و المواريث و على ظاهره جماعة الناس»؛ (۶۹) «اسلام عبارت است از گواهی به وحدانیت خدا و تصدیق رسول خداصلی الله علیه وآله که به توسط آن خون‌ها محفوظ مانده و بر آن نکاح‌ها و ارث‌ها جاری می‌گردد، و اجتماع مردم بر ظاهر آن است». و نیز از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «و الاسلام ما ظهر من قول أو فعل، و هو الذي عليه جماعة من الناس من الفرق كلها، و به حققت الدماء، و عليه جرت المواريث، و جاز النكاح، و اجتمعوا على الصلاة و الزكاة و الصوم و الحج، فخرجوا بذلك عن الكفر و اضيفوا الى الايمان»؛ (۷۰) «اسلام همان ظاهر گفتار و کردار فرد است، و آن چیزی است که اجتماع مردم از تمام فرقه‌ها بر آن می‌باشد، و به توسط آن است که خون‌ها حفظ شده و بر آن ارث‌ها جاری گشته و نکاح جایز می‌شود، و بر نماز و زکات و روزه و حج اجتماع می‌نمایند و به آن از کفر خارج شده و به سوی اسلام منتسب می‌گردند».

روایات اهل سنت و حکم به ظاهر افراد

الف) بخاری به سندش از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «امرت ان اقاتل الناس حتى يشهدوا ان لا اله الا الله و ان

محمداً رسول الله و یقیموا الصلاة و یؤتوا الزکاة، فاذا فعلوا ذلك عصموا منی دماءهم و اموالهم الا بحق الاسلام و حسابهم علی الله؛ (۷۱) «من مأمور شده‌ام که با مردم بجنگم تا شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمد داده و نماز به پا داشته و زکات دهند، و چون چنین کردند خون و اموالشان از ناحیه من - به جز به حق اسلام - محفوظ می‌ماند ولی حساب آنان بر خداوند است». ابن حجر عسقلانی در شرح این حدیث می‌گوید: «و فيه دلیل علی قبول الأعمال الظاهرة و الحكم بما یقتضیه الظاهر»؛ (۷۲) «این حدیث دلیل بر قبول اعمال ظاهر و حکم بر طبق مقتضای ظاهر است». بغوی در شرح این حدیث می‌گوید: «و فی الحدیث دلیل علی ان امور الناس فی معامله بعضهم بعضاً انما تجری علی الظاهر من احوالهم دون باطنها»؛ (۷۳) «این حدیث دلیل بر آن است که مردم در زندگی و معامله با یکدیگر باید بر ظاهر احوالشان حکم جاری کنند نه باطن آن‌ها». ب) اسامه می‌گوید: «بعثنا رسول الله صلی الله علیه و آله فی سریه فصبحنا الحرقات من جهنیة، فادرکت رجلاً فقال: لا اله الا الله، فطعنته فوقع فی نفسی من ذلك، فذکرته للنبی صلی الله علیه و آله فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: أقال لا اله الا الله و قتله؟! قال: قلت: یا رسول الله! انما قالها خوفاً من السلاح. قال: أفلا شققت عن قلبه حتی تعلم أقالها أم لا، فما زال یکررها علیّ حتی تمنیت انی اسلمت یومئذ»؛ (۷۴) «رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را به جنگی فرستاد و صبح هنگام به منطقه حرقات از قبیله جهنیه وارد شدیم. مردی را دیدم که لا اله الا الله گفت، ولی من نیزه‌ام را بر او فرو بردم. این کار در دلم شک و تردید ایجاد کرد لذا به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم، حضرت فرمود: آیا او لا اله الا الله گفت و تو او را کشتی؟ عرض کردم: ای رسول خدا! او به جهت ترس از اسلحه کلمه توحید را بر زبان جاری ساخت. حضرت فرمود: آیا قلبش را نشکافتی تا علم پیدا کنی که این کلمه را گفته است یا خیر؟ حضرت این کلمه را چندان تکرار کرد که من آرزو کردم که در آن روز از نو اسلام آورم». نووی در شرح این حدیث می‌گوید: «و معناه انک انما کلفت بالعمل بالظاهر و ما ینتق به اللسان، و امیا القلب فلیس لک طریق الی معرفه مافیه، فانکر علیه امتناعه من العمل بما ظهر باللسان...»؛ (۷۵) «معنای حدیث آن است که انسان مکلف به عمل ظاهر و آنچه از زبان فرد خارج می‌شود، می‌باشد و کسی آگاه از آنچه در قلب انسان است نیست، و لذا پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت امتناع او از عمل به ظاهر کلام انسان، او را انکار کرده است». و نیز می‌گوید: «و فيه دلیل علی القاعدة المعروفة فی الفقه و الاصول ان الأحكام فیها بالظاهر و الله یتولّى السرائر»؛ (۷۶) «این حدیث دلیل بر قاعده‌ای معروف در فقه و اصول است که باید حکم به ظاهر افراد گردد و خداست که متولّی افراد است». ج) معاویه بن حکم سلمی نقل کرده که درباره کنیز خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردم که آیا می‌توان او را در راه خدا آزاد کرد؟ حضرت فرمود: «انتنی بها، فأتیته بها فقال لها: این الله؟ قالت: فی السماء، قال: من أنا؟ قالت: انت رسول الله، قال: اعتقها فانها مؤمنه»؛ (۷۷) «او را نزد من آور، من او را به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردم، حضرت به او فرمود: خدا کجاست؟ او گفت: در آسمان. فرمود: من کیستم؟ عرض کرد: شما فرستاده خدایی. حضرت فرمود: او را آزاد کن که مؤمنه است». د) مقداد می‌گوید: «قلت یا رسول الله! ارایت ان اختلفت انا و رجل من المشرکین ضربتین فقطع یدی، فلما هویت الیه لأضربه قال: لا اله الا الله، أنقتله ام أدعه؟ قال: بل، دعه»؛ (۷۸) «عرض کردم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! اگر من با یکی از مشرکین زد و خورد کردیم و او دست مرا قطع نماید، و چون به طرف او می‌روم تا قصاص نمایم او کلمه توحید را بر زبان جاری سازد، آیا می‌توانم او را به قتل رسانم یا باید رهاش کنم؟ حضرت فرمود: بلکه باید او را رها کنی». ه) در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام کرده و می‌فرماید: «...قاتلهم حتی یشهدوا ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله، فاذا فعلوا ذلك فقد منعوا منک دماءهم»؛ (۷۹) «... با آنان بجنگ تا شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمد دهند، و چون چنین گفتند از ناحیه تو خونشان محفوظ است». و بخاری نقل کرده: «ان رجلاً قام فقال: یا رسول الله! اتق الله. فقال: و یلک ألسن أحق أهل الأرض أن یتقی الله؟! فقال خالد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله! ألا أضرب عنقه؟ قال: لا، لعلّه أن یكون یصلی»؛ (۸۰) «شخصی بلند شد و عرض کرد: ای رسول خدا! تقوا پیشه کن. حضرت فرمود: وای بر تو! آیا من در بین اهل زمین سزاوارترین افراد به ترس از خدا نیستم؟ خالد گفت: آیا اجازه

می‌دهید که گردنش را بزَنَم؟ حضرت فرمود: هرگز، شاید او نماز می‌خواند». از این حدیث استفاده می‌شود که مجرد نماز خواندن باعث می‌شود که خون کسی محفوظ بماند. (ز) و نیز به سندش نقل کرده: «انّ اعرابياً اتى النبی صلی الله علیه وآله فقال: دلّنی علی عمل اذا عملته دخلت الجنة. فقال صلی الله علیه وآله: تعبد الله ولا تشرك به شیئاً، و تقيم الصلاة المكتوبة و تؤدی الزکاة المفروضة، و تصوم رمضان. قال: والذی نفسى بيده لا ازيد علی هذا. فلما ولی قال النبی صلی الله علیه وآله: من سرّه ان ينظر الى رجل من اهل الجنة فلينظر الى هذا»؛ (۸۱) «شخصی اعرابی خدمت پیامبر صلی الله علیه وآله رسید و عرض کرد: مرا راهنمایی کن بر عملی که هرگاه آن را انجام دادم وارد بهشت شوم. حضرت فرمود: این که خدا را عبادت کنی و هرگز به او شرک نورزی و نمازی را که نوشته شده به پا داری و زکات واجب را بپردازی و ماه رمضان را روزه بگیری. آنگاه فرمود: قسم به کسی که جانم به دست اوست زیادتر از این نمی‌گویم. و چون برگشت حضرت فرمود: هر کس دوست دارد که به فردی از اهل بهشت نظر کند این شخص را نظاره نماید». (ک) و نیز به سندش از عبادۀ نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «من شهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و انّ محمداً عبده و رسوله، و انّ عیسی عبدالله و رسوله و کلمته القاها الی مریم و روح منه، و الجنة حقّ و النار حقّ، أدخله الله الجنة علی ما کان من العمل»؛ (۸۲) «هر کس به وحدانیت خداوند گواهی دهد و این که محمد بنده و رسول اوست و این که عیسی بنده خدا و فرستاده و کلمه اوست که به مریم القا نموده و روح از جانب اوست، و این که بهشت و دوزخ حقّ است، خداوند او را با هر آنچه از عمل انجام داده وارد بهشت خواهد نمود».

علمای اهل سنت و حکم به ظاهر

الف) ابن تیمیه می‌گوید

«... فانّ الايمان الذى علقته به احكام الدنيا هو الايمان الظاهر و هو الاسلام...»؛ (۸۳) «...همانا ایمانی که احکام دنیا بر آن معلق شده ایمان ظاهری می‌باشد که همان اسلام است».

ب) ابن حجر عسقلانی می‌گوید

«... و فی حدیث ابن عباس من الفوائد؛ منها الاقتصار فی الحكم باسلام الکافر اذا اقر بالشهادتين»؛ (۸۴) «... در حدیث ابن عباس فوائدی است از آن جمله این که باید در حکم به اسلام کافر اکتفا بر اقرار به شهادتین نمود».

د) شاطبی می‌گوید

«انّ اصل الحكم بالظاهر مقطوع به فی الأحكام خصوصاً و بالنسبة الی الاعتقاد فی الغير عموماً؛ فانّ سیّد البشر مع اعلامه بالوحي یجری الأمور علی ظواهرها فی المنافقین و غیرهم، و ان علم بواطن احوالهم، و لم یکن ذلك بمخرجه عن جریان الظواهر علی ماجرت علیه...»؛ (۸۵) «همان اصل حکم به ظاهر افراد امری قطعی در احکام به طور خصوص و نسبت به اعتقاد غیر به طور عموم است؛ زیرا سیّد بشر - حضرت محمد صلی الله علیه وآله - همراه با اعلام به وحی، امور را بر ظواهر آن نسبت به منافقان و دیگران جاری می‌کرد، گرچه از باطن آن‌ها آگاهی داشت، ولی این آگاهی او را از جریان حکم بر ظواهر افراد باز نمی‌داشت».

ه) ذهبی می گوید

«و رأیت للأشعری کلمه أعجبتنی و هی ثابتة رواها البیهقی، سمعت اباحزم العبدری، سمعت زاهر بن احمد السرخسی یقول: لَمَّا قَرِبَ حُضُورُ أَجْلِ أَبِي الْحَسَنِ الْأَشعری فی داری ببغداد دعانی فأتیته فقال: أشهد علیّ أنّی لا اکفر احداً من اهل القبلة؛ لأنّ الكلّ یشیرون الی معبود واحد؛ و أنّما هذا کله اختلاف العبارات. قلت: و بنحو هذا أَدین، و کذا کان شیخنا ابن تیمیة فی اواخر ایامه یقول: انا لا اکفر احداً من الأمة و یقول: قال النبی صلی الله علیه و آله: لا یحافظ علی الوضوء الا مؤمن، فمن لازم الصلوات بوضوء فهو مسلم»؛ (۸۶) از ابوالحسن - علی بن اسماعیل - اشعری کلمه‌ای شنیدم که مرا به تعجب واداشته است، و آن کلمه‌ای است که بیهقی آن را نقل کرده است. از ابوحزم عبدری شنیدم که زاهر بن احمد سرخسی می گفت: چون هنگام مرگ ابوالحسن اشعری در خانه‌اش در بغداد فرا رسید نزد او رفتم او گفت: گواهی بده بر من که هرگز کسی از اهل قبله را تکفیر نخواهم کرد؛ زیرا همه به یک معبود اشاره دارند، و اینها همه اختلاف عبارت است. می گویم: من نیز ملتزم به این مطلب می باشم، و نیز استاد ما ابن تیمیة در اواخر عمرش می گفت: من هیچ فردی از امت اسلامی را تکفیر نمی کنم. و می گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بر وضو به جز مؤمن محافظت نمی کند. پس هر کس مواظب نماز همراه با وضویش باشد مسلمان است».

و) رشید رضا در تفسیر «المنار» می گوید

«انّ من اعظم ما بلیت به الفرق الاسلامیة رمی بعضهم بعضاً بالفسق و الکفر مع انّ قصد کلّ الوصول الی الحق بما بذلوا جهدهم لتأییدة و اعتقاده و الدعوة الیه، فالمجتهد و ان اخطأ معذور...»؛ (۸۷) «همانا از مهم ترین چیزهایی که فرقه‌های اسلامی به آن مبتلا هستند این که برخی از آن‌ها بعضی دیگر را نسبت به فسق و کفر می دهند، با آنکه هدف هر کدام از آن‌ها رسیدن به حق است با آنچه که از کوشش برای تأیید و اعتقاد به حق و دعوت به آن بذل کرده است. پس مجتهد گرچه خطا کرده معذور است...».

ز) ابن حزم می گوید

«و ذهب طائفة الی أنّه لا یکفر و لا یفسق مسلم بقول قاله فی اعتقاد او فتیا، و انّ کل من اجتهد فی شیء من ذلك فدان بما رأى أنّه الحقّ فأنّه مأجور علی کلّ حال، ان اصاب فأجران و ان اخطأ فأجر واحد. قال: و هذا قول ابن ابی لیلی، و ابی حنیفة و الشافعی و سفیان الثوری و داود بن علی، و هو قول کل من عرفنا له قولاً فی هذه المسألة من الصحابة لانعلم منهم خلافاً فی ذلك اصلاً»؛ (۸۸) «طائفه‌ای معتقدند که نباید مسلمانی را نسبت به کفر و یا فسق داد به جهت گفتاری که در باب اعتقاد یا فتوا داده است، و این که هر مجتهدی در این مسائل به آنچه اعتقاد پیدا کرده که حق است به هر حال مأجور می باشد، اگر به واقع رسیده دو اجر دارد و اگر به خطا رفته یک ثواب دارد. آن گاه می گوید: این قول ابن ابی لیلی و ابوحنیفه و شافعی و سفیان ثوری و داود بن علی است، و نیز قول هر صحابی که گفتار او را در این مسأله شناخته‌ایم و از آن‌ها خلافتی در این مسأله هرگز سراغ نداریم».

ک) محمد ناصر البانی می گوید

«فانّ مسألة التکفیر عموماً - لا للحکام فقط بل و للمحکومین ایضاً - هی فتنة عظيمة قديمة تبنتها فرقة من الفرق الاسلامیة القديمة و

هی المعروفة بالخوارج»؛ (۸۹) «همانا مسأله تکفیر به طور عموم - نه تنها برای حاکمان فقط بلکه برای محکومان نیز - فتنه‌ای بزرگ و قدیمی است که فرقه‌ای قدیمی از فرقه‌های اسلامی آن را پذیرفته است، فرقه‌ای معروف به خوارج».

۵ - گفت و گو در مسائل اختلافی

عبدالحکیم محمد ابوشقّه می گوید: «نتعاون فیما اتفقنا علیه و نتحاور فیما اختلفنا فيه»؛ (۹۰) «در مسائل اتفاقی همدیگر را کمک کرده و در مسائل اختلافی گفت و گو خواهیم کرد».

۶ - دوری از خط غلو

شکی نیست که در هر دین و مذهبی افراد غالی وجود داشته است و بر ماست که از آن‌ها دوری کنیم، ولی لازم است که قبل از هر چیز مفهوم غلو و مصادیق آن را به نحو احسن از قرآن و سنت و عقل فراگیریم تا بی جهت کسی را به این عنوان متهم نسازیم. حسن بن فرحان مالکی از علمای اهل سنت در مقاله‌ای تحت عنوان: «قراءة فی التحولات السنیة للشیعة» می گوید: «فعد ما یأتی الدکتور التیجانی الی الشیعة الذین ینشر غلاة السنة بأنهم - ای الشیعة - انما یعدون علیاً و یزعمون ان جبرئیل اخطأ، و أنهم یریدون الکید للاسلام من باب التشیع، و انهم یمتلكون مصاحف اخرى غیر مصاحفنا، و أنهم حاقدون علی الاسلام، و یتزاونون سفاحاً و غیر ذلك من التشویهات بل الافتراءات التي تزيد شباب السنة شکوگاً اذا اکتشفوا الحقیقة و اذا فقدوا الثقة فی علمائهم و باحثیهم، فلا یتتظر منهم العلماء الا هذا التحول الحاد و الشک بالمنظومة السنیة کلها... الجانب السنّی المتأخر بعد القرون الثلاثة الأولى الی الیوم اصابته ردّة فعل من غلوّ الشیعة فی ذم الصحابة، فقام اهل السنة و غلوا فی جانب الصحابة و نقلوا الایات و الأحادیث التي تحمل الثناء و لم ینقلوا الایات و الأحادیث التي تنقل العتب بل و الذم فی بعض المواقف... و سببقی الغلو السلفی من اکبر الأمور المساعدة علی الانتقال الحاد الی الشیعة مالم یسارع عقلاء السلفية بنقد الغلو داخل التیار السلفی نفسه، ذلك الغلو المتمثل فی كثرة الاحادیث الضعیفة و الموضوعة التي نشدّ بها المذهب و كثرة التکفیرات المخالفة للمنهج النظری، کتکفیر ابی حنیفة و الاحناف و تکفیر الشیعة و الجهمیة و المعتزلة... مسأله الغلو فی دعوی الاجتهاد من اسباب نفرة التیجانی عن المذهب السنّی؛ اذ لحظت ان التیجانی اخذ یسخر من زعمنا بان معاویة اجتهد و هو مأجور علی قتال علی و قتل حجر بن عدی و سب علی علی المنابر و استلحاق زیاد و مخالفة الاحادیث... و انّ یزید مأجور علی قتل الحسین و استباحة الحرّة... و حقیقة انّ هذا لیس رأی اهل السنة المتقدمین، انما رأی من تلبس باسم السنة من النواصب او ممن اخذته ردود الأفعال...»؛ (۹۱) «هنگامی که دکتر تیجانی به سراغ شیعه می رود، همان غالیان سنّی می گویند: شیعه علی را عبادت می کند و گمان می کند که جبرئیل خطا کرده است، و شیعه در صدد ضربه زدن به اسلام از راه تشیع است، و آنان قرآن‌های دیگری غیر از قرآن ما دارند، و آنان نسبت به اسلام کینه دارند، و ازدواجشان زناست، و دیگر شبهات بلکه تهمت‌هایی که گاهی شک‌های جوانان اهل سنت را نسبت به صداقت ما بیشتر می کند هنگامی که حقیقت را کشف کرده و اعتماد خود را نسبت به محققان و علمای خود سلب نمودند. و لذا علما نمی‌توانند از این جوانان انتظاری جز این تحول طبیعی و شک به تمام حوزه‌های علمی سنّی داشته باشند... اهل سنت متأخر بعد از سه قرن اول تا به امروز در مقابل غلوّ شیعه در مذمت صحابه، در صدد برآمدند تا درباره صحابه غلو نموده و آیات و احادیثی را نقل کنند که تنها در صدد ثناگویی صحابه است و هرگز آیات و احادیثی که متضمن عتاب و سرزنش و بلکه مذمت در برخی از موارد است را نقل نکردند... غلوی که سلفی‌ها دارند می‌تواند از بزرگ‌ترین اموری باشد که زمینه ساز انتقال اهل سنت به شیعه باشد و تا مادامی که عقلای سلفیه هر چه زودتر به فکر چاره نیفتند و در صدد نقد غلوی که داخل افراد خودشان است نباشند؛ همان غلوی که در بسیاری از احادیث ضعیف و جعلی در تأیید مذهب آن‌ها نمودار گشته و روش‌های مخالف خود همچون ابوحنیفه و احناف و شیعه و جهمیه و معتزله را تکفیر نموده‌اند،

وضع به همین منوال بوده و فوج فوج جوانان از تسنن به تشیع می‌گروند... مسأله غلو در ادعای اجتهاد از اسباب نفرت دکتر تیجانی از مذهب سنی بوده است؛ زیرا ملاحظه می‌کنیم که او چگونه مسخره می‌کند گمان ما را که معاویه اجتهاد کرده و در جنگ با علی و کشتن صحابه و حجر بن عدی و سب علی بر منابر و ملحق کردن زیاد به خود و مخالفت با احادیث و... مأجور بوده است، و این که یزید در کشتن حسین و واقعه حرّه مأجور بوده است... حقیقت مطلب این است که این حرفها رأی پیشینیان از اهل سنت نبوده است؛ بلکه تنها رأی نواصب بوده که اسم اهل سنت را بر خود نهاده‌اند و یا کسانی که در مقابل غالیان شیعه چنین عکس‌العملی از خود نشان داده‌اند...». شیخ صدوق از امام علی بن موسی الرضاعلیه السلام در ضمن دعایی چنین نقل می‌کند: «اللهم انی بریء - ابرأ الیک - من الحول والقوة و لا - حول و لا قوة الا بک. اللهم انی اعوذ بک و ابرأ الیک من الذین ادعوا لنا ما لیس لنا بحق. اللهم انی ابرأ الیک من الذین قالوا فینا ما لم نقله فی انفسنا. اللهم لک الخلق و منک الرزق و ایاک نعبد و ایاک نستعین. اللهم انت خالقنا و خالق آباءنا الأولین و آباءنا آخرین. اللهم لا تلیق الربوبیة الا بک و لا تصلح الالهیة الا لک، فالعن النصارى الذین صغروا عظمتک و العن المضاهین لقولهم من بریتک. اللهم انا عبیدک و ابناء عبیدک، لانملک لأنفسنا نفعاً و لاضرراً و لا موتاً و لا حیاة و لا نشوراً. اللهم من زعم انا ارباب فنحن منه برآء، و من زعم ان الینا الخلق و علینا - الینا - الرزق فنحن برآء منه کبرائه عیسی بن مریم من النصارى. اللهم انا لم ندعهم الی ما یزعمون فلا تؤاخذنا بما یقولون، و اغفر لنا ما یدعون و لا تدع علی الارض منهم دیاراً انک ان تذرهم یضلوا عبادک و لا یلدوا الا فاجراً کفّاراً»؛ (۹۲) «حاصل کلام امام رضاعلیه السلام این است که خدایا من از اسناد حول و قوت به غیر تو، براءت می‌جویم. هیچ حول و قوتی نیست مگر به تو. به تو پناه می‌برم، و از کسانی که آنچه حق و سهم ما نیست، درباره ما ادعا دارند، به سوی تو براءت می‌جویم. خدایا، من از کسانی که چیزهایی درباره ما گفتند که ما به آن معتقد نبوده و چیزی از آن را درباره خود قائل نیستیم، به سوی تو براءت می‌جویم. خدایا آفرینش همگان از آن تو و روزی هر کسی از جانب توست و ما بنده تو هستیم و تنها از تو کمک می‌جویم. خدایا تو آفریدگار ما و همه پدران ما هستی. ربوبیت تنها سزاوار توست و الوهیت جز برای تو صلاحیت ندارد. پس ترسایانی که از عظمت تو کاستند و کسانی را که عقاید و گفتارشان شبیه آنان است، از رحمت خاص خود دور کن. خدایا ما بندگان مالک هیچ چیز خود نیستیم، سود و زیان، مرگ و حیات پس از آن در اختیار ما نیست. از هر کس که پندارد ما ربوبیت داریم، بیزاریم، و هر کس گمان برد آفرینش و روزی به دست ماست، همان‌گونه که عیسی بن مریم از نصاری تبری جست، از او تبری می‌جویم. هرگز اینان را به چنین پندارهایی فرا نخواندیم، پس ما را به گفتار آنان مؤاخذه مکن و ما را بر ادعاهایشان ببخشا، و هیچ یک از آنان را بر روی زمین باقی مگذار که اگر باقی گذاری، بندگان تو را گمراه کنند و جز فاجر و کافر نزنند».

۷ - پرهیز از کید دشمنان اسلامی

خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»؛ (۹۳) «و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود!» از سیاست‌های قدیمی دشمنان «تفرقه بینداز و حکومت کن» است.

۸ - ضرورت یک صدایی به هنگام شاداید

خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُيُوتًا مَرْصُوصًا»؛ (۹۴) «خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند گوئی بنایی آهنین‌اند!» و نیز می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ (۹۵) «محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند».

۹ - پرهیز از کلمات حساسیت‌زا و نفرت‌انگیز به یکدیگر

هنگامی که با طرف مخالف روبرو می‌شویم یا کتاب می‌نویسیم باید از کلمات تنفرآمیز و حساسیت‌زا از طرف مقابل پرهیزیم؛ امثال: اطلاق کلمه رافضی به شیعه و ناصبی به سنی. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَتَّبِعُوا بِاللَّعَابِ»؛ (۹۶) «نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند» محمّد بن سنان می‌گوید: مفضل بن عمر بعد از آن که از ابن ابی العوجاء، کلامی را در ردّ خالق و صانع شنید به او گفت: «یا عدوّ الله! ألحدت فی دین الله و انکرت الباری... فقال ابن ابی العوجاء للمفضل: یا هذا! ان کنت من اهل الکلام کلّمناک، فان ثبت لک حجة تبعناک و ان لم تکن منهم فلا کلام لک، و ان کنت من اصحاب جعفر بن محمّد الصادق فما هکذا یخاطبنا ولا بمثل دلیلک یجادلنا، و لقد سمع من کلامنا اکثر ممّا سمعت، فما افحش فی خطابنا ولا تعدی فی جوابنا! و أنّه للحکیم الرزین، العاقل الرصین، لایعتریه خرق و لاطیش و لانتزق، یسمع کلامنا و یصغی الینا و یتعرف حجّتنا بکلام یتسیر و خطاب قصیر، یلزمنا به الحجّة و یقطع العذر و لانتطیع لجوابه ردّا، فان کنت من اصحابه فخاطبنا بمثل خطابه»؛ (۹۷) «ای دشمن خدا! در دین خدا الحاد می‌ورزی و منکر خدا می‌شوی؟... ابن ابی العوجاء به مفضل گفت: ای مرد! اگر اهل گفت و گویی با هم سخن خواهیم گفت، اگر دلیل به نفع تو بود از تو پیروی می‌کنم و اگر اهل گفت و گو نیستی حرفی با تو نیست. اگر تو از یاران جعفر بن محمّد صادق هستی بدان که وی با ما چنین سخن نمی‌گوید و با چنین دلیل‌هایی گفت و گو نمی‌کند و از زبان ما بیشتر از آنچه شنیده‌ای، شنیده است و هیچ‌گاه در گفت و گو با ما ناسزا نمی‌گوید و در پاسخ ما حق‌کشی نمی‌کند. وی فردی حلیم، باوقار، خردمند و استوار است؛ هیچ‌گاه نادانی، شتابزدگی و بی‌باکی بر وی عارض نمی‌شود. سخن ما را می‌شنود و به ما توجه می‌کند و از دلیل‌های ما هرچه که داریم آگاه می‌شود، به گونه‌ای که فکر می‌کنیم راه را بر وی بسته‌ایم، آن‌گاه با سخنی ساده و کلامی کوتاه، استدلال ما را از بین می‌برد و دلیل خود را اثبات می‌کند و عذر ما را قطع می‌کند و نمی‌توانیم در جوابش پاسخی بدهیم. اگر تو از یاران وی هستی مثل وی با ما گفت و گو کن».

۱۰ - پرهیز از ناسزا گفتن به مقدسات طرف مقابل

از راه کارهای تقریب بین ادیان و مذاهب پرهیز از ناسزا گفتن و دشنام دادن به مقدسات طرف مقابل است؛ زیرا او نیز تحریک شده و به مقدسات ما اهانت می‌کند؛ خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»؛ (۹۸) «(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آن‌ها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند!»

۱۱ - رعایت اخلاق اسلامی نسبت به یکدیگر

معاویة بن وهب می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «کیف ینبغی لنا ان نصنع فیما بیننا و بین قومنا و بین خلطائنا من الناس ممّن لیسوا علی امرنا؟ قال: تنظرون الی ائمتکم الذین تقفون بهم فتصنعون ما یصنعون، فوالله انهم لیعودون مرضاهم و یشهدون جنازتهم و یقیمون الشهادة لهم و علیهم و یؤدون الأمانة الیهم»؛ (۹۹) «چگونه بر ما سزاوار است تا بین خود و قوم خود و کسانی که از اهل سنت با آن‌ها معاشرت داریم از کسانی که بر ولایت شما همانند ما نیستند رفتار نماییم؟ حضرت فرمود: نظر به امامان خود کنید، کسانی که به آن‌ها اقتدا می‌نمایید، هرکاری که آنان کردند شما نیز چنین کنید، به خدا سوگند که امامان شما مریضان آن‌ها را عیادت کرده و در تشییع جنازه‌شان حاضر می‌شوند و به نفع و ضرر آن‌ها گواهی داده و امانت را به آن‌ها باز می‌گردانند».

۱۲ - ملاقات و گفت و گو

در حاشیه «الدرالکامنه» ابن حجر عسقلانی آمده است: «انّ ابن المطهر حج فی اواخر عمره... لَمَّا حَجَّ اجتمع هو و ابن تیمیة و تذاکرا فاعجب ابن تیمیة کلامه فقال له: من تكون یا هذا؟ فقال: الذی تسمیه ابن المنجس. فحصل بینهما انس و مباسطه»؛ (۱۰۰) «همانا ابن مطهر - علامه حلّی قدس سره - در اواخر عمرش حج به جای آورد... بعد از اتمام حج او و ابن تیمیه با یکدیگر اجتماع کرده و با هم مذاکره نمودند. ابن تیمیه از کلام او به تعجب آمد و به او گفت: تو کیستی ای مرد؟ او گفت: من همان کسی هستم که او را ابن المنجس نامیده‌ای در آن هنگام بود که بین آن دو انس و گشاده رویی حاصل شد».

۱۳ - علم نسبت به اصطلاحات یکدیگر

هر طایفه و مذهبی اصطلاح مخصوص به خود در باب عقیده و شریعت دارد که باید قبل از قضاوت کردن درباره آن مذهب از آن اصطلاحات اطلاع کافی و لازم حاصل نمود و گرنه منجر به تکفیر و تفسیق بدون دلیل یک‌دیگر خواهیم شد. از باب مثال شیعه معتقد به «بداء» است که اگر معنای صحیح آن - که در جای خود بحث شده - را در نظر بگیریم نه تنها هیچ گونه ضدیتی با عقاید مسلم اسلامی ندارد بلکه از اصول مسلم اسلامی است. ولی از آنجا که اهل سنت با این اصطلاح آشنا نیستند و ظاهر آن را در نظر گرفته‌اند که نسبت جهل به خداست و لذا به جهت این عقیده شیعه را تکفیر می‌نمایند. همچنین در مسأله «تقیه» می‌گویند: این عقیده از شیعه در حقیقت همان کذب و نفاق است در حالی که شیعه معنای خاصی از آن قصد نموده است که کتمان عقیده در باطن و اظهار خلاف آن به جهت حفظ جان است، و این از مسائل مسلم اسلامی است که ربطی به نفاق و کذب ندارد.

۱۴ - یکی شدن اصطلاحات

راه دیگر در انسجام سیاسی و تقریب بین مذاهب اسلامی، یکی کردن اصطلاحات نزد مذاهب مختلف اسلامی است؛ زیرا اصطلاحات مختلف و برداشت‌های گوناگون می‌تواند در سوء برداشت و اتهامات به یک‌دیگر تأثیر به‌سزایی داشته باشد. محمد مختار از اساتید «دار الحدیث الحسینیة» رباط در این باره می‌گوید: «تساعد عملیة توحید معانی المصطلحات الشرعیة علی التقرب بین المذاهب الاسلامیة؛ نظراً لأنّ العدید من تلك المصطلحات يستعمل للدلالة علی معان تختلف من مذهب الی آخر، و هذا الاتجاه یحتاج الی جهد مشترك بین علماء المذاهب الاسلامیة فی سبیل اخراج معجم موحد لمصطلحات اصول الفقه»؛ (۱۰۱) «یکی نمودن معانی اصطلاحات شرعی می‌تواند به تقریب بین مذاهب اسلامی کمک نماید؛ زیرا بسیاری از آن اصطلاحات استعمال می‌شود برای دلالت بر معانی مختلف از یک‌دیگر، ولی این عمل احتیاج به کوششی مشترک بین علمای مذاهب اسلامی دارد تا یک معجم واحدی برای اصطلاحات اصول فقه پدید آورند».

۱۵ - بازنگری تدوین تاریخ اسلامی

شکی نیست که تاریخ می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد و در ساختن جامعه تأثیرگذار گردد، و از آنجا که تاریخ در عصر و زمانی تدوین شد که هواهای نفسانی در آن دخیل بوده لذا ضروری به نظر می‌رسد که برای رسیدن به انسجام و وحدت سیاسی بلکه حقیقی در تدوین تاریخ بازنگری شود، و این مطلبی است که منصفان اهل سنت نیز بر آن تأکید دارند. شیخ احمد بن سعود سیابی، مدیر عام شؤون اسلامی وزارت دادگستری و اوقاف مسقط و سلطان نشین عمان می‌گوید: «عرفنا ممّا ذکرنا سابقاً أهمية التاريخ بین العلوم الانسانیة و أنّه معین علی الإقتداء بالصالحین و علی تجنّب احوال و سلوک المنحرفین، و رأینا أنّ التاريخ الاسلامی کتب للحاکم و لیس للمحکوم. كما عرفنا أنّ الأحداث التي عصفت بالأمة الاسلامیة فی بداية عهدنا و مزقتها و جعلت منها شیعاً و احزاباً، تلك الأحداث تغلغت فیها الأهواء و وجهتها و جهات مختلفة. لذلك نرى أنّ من الأهمية بمكان إعادة كتابة التاريخ الاسلامی، و أنّ

ذکر ضرورت اسلامیة للوحدة بين الامة الاسلامیة و التقارب فيما بينها و التفاهم الذی يؤدي الى احترام كل طرف للآخر. و لابد من الاستعانة بالقرائن و الأحوال المحیطة بالحدث التاريخي من النواحي الاجتماعية و السلوكیة و العادات و التقالید، كما يتحتم ان يكون التعامل مع تاريخ الأحداث و الفتن، و لا سيما تلك التي حدثت بين الصحابة بكل دقة و موضوعیة و تجرد عن الهوى و الحواجز العاطفیة و النفسیة...» (۱۰۲) «از آنچه سابقاً ذکر کردیم اهمیت تاریخ در بین علوم اسلامی دانسته شد و این که تاریخ می تواند کمک کار انسان در پیروی از صالحان و دوری از احوال و روش منحرفان باشد، و ما دیدیم که تاریخ اسلامی برای حاکمان نوشته شده نه مردمی که حاکمان بر آنان حکمرانی می کنند، همان گونه که فهمیدیم حوادثی که در بین امت اسلامی از ابتدای شروع آن پدید آمد و آن امت را متفرق ساخت، در آن حوادث چگونه هواهای نفسانی تأثیر گذاشته است. و لذا ملاحظه می کنیم که تاریخ اسلامی احتیاج مبرمی به بازنگری دارد، و این مطلب از ضرورت های اسلامی به جهت وحدت بین امت اسلامی و تقریب بین آن و تفاهمی است که منجر به احترام متقابل گردد. و باید از قراین و حالاتی که محیط به حوادث تاریخی بوده از نواحی اجتماعی و رفتاری و عادات و تقالید، به طور حتم مورد نظر گرفته شده و از آن ها کمک گرفت، همان گونه ضرورت دارد تا با تاریخ حوادث و فتنه ها خصوصاً حوادثی که بین صحابه اتفاق افتاد یک نوع تعامل خاصی داشته و با دقت تمام و بدون تعصب و پرهیز از هر گونه هواپرستی و جنبه های عاطفی و نفسانی به آن ها توجه شود...».

۱۶ - پرداختن به مسائل مهم

یکی از راه های انسجام سیاسی پرداختن به مسائل مهم اسلامی و رها کردن موضوعات جزئی است. دکتر یوسف قرضاوی در این باره می گوید: «من اکثر ما یوقع الناس فی حفرة الاختلاف و ینأی بهم عن الاجتماع و الائتلاف: فراغ نفوسهم من الهموم الکبیرة و الآمال العظیمة و الاحلام الواسعة. و اذا فرغت الأنفس من الهموم الکبیرة اعترکت علی المسائل الصغیرة و اقتتلت - احياناً - فیما بینها علی غیر شیء. و ان من الخیانة لأمتنا الیوم ان تغرقها فی بحر الجدل حول مسائل فی فروع الفقه او علی هامش العقیدة، اختلف فیها السابقون و تنازع فیها اللاحقون، و لا أمل فی ان يتفق علیها المعاصرون، فی حین تنسی مشکلات الأمة و مآسئها و مصائبها التي ربما کنا سبباً او جزءاً من السبب فی وقوعها... لهذا کان من الواجب علی الدعاة و المفکرین الاسلامیین ان يشغلوا جماهير المسلمین بهموم امتهم الکبری و یلفتوا انظارهم و عقولهم و قلوبهم الی ضرورة التركيز علیها و التنبيه لها و السعی الحاد لیحمل کل فرد جزءاً منها، و بذلك يتوزع العبء الثقیل علی العدد الکبیر، فیسهل القيام به. ان العالم يتقارب بعضه من بعض علی کل صعيد، علی رغم الاختلاف الدینی و الاختلاف الایدیولوجی و الاختلاف القومی و اللغوی و الوطنی و السیاسی. لقد رأينا المذاهب المسيحية - و هی اشبه بأديان متباينة - یقترب بعضها عن بعض و يتعاون بعضها مع بعض. بل رأينا اليهودیة و النصرانیة - علی ما کان بینهما من عداة تاریخی - تتقاربان و تتعاونان فی مجالات شتی، حتی اصدر الفاتیکان منذ سنوات وثيقة الشهيرة بتبرئة اليهود من دم المسيح... ان مشكلتنا الیوم لیست مع من یقول بان القرآن کلام الله مخلوق، بل مع الذین یقولون: القرآن لیس من عند الله، بل هو من عند محمد صلی الله علیه و آله، ای الذین یقولون ببشریة القرآن ثم مشكلتنا كذلك مع الذین یؤمنون بالهیة القرآن و یرتضون بمرجعیتة فی العقیدة و العبادة، ولكنهم لا یرتضونه منهاجاً للحیة و دستوراً للدولة و المجتمع، و هم جماعة (العلمانیین) الذین یؤمنون ببعض الکتاب و یكفرون ببعض» (۱۰۳) «از بیشترین چیزهایی که مردم را در چاله اختلاف می اندازد و از اجتماع و الفت دور می کند، فارغ کردن نفس هاست از مسائل مهم بزرگ و آرزوهای بلند. و هرگاه انسان از مسائل مهم باز بماند به مسائل کوچک رو می آورد و احياناً بر سر هیج و پوچ جنگ و نزاع می نماید. امروز از خیانت های به امت اسلامی، فرو بردن آن در دریایی از جدل درباره مسائل فروع فقهی یا مسائل حاشیه ای در عقیده است. مسائلی که سابقی ها در آن اختلاف کرده و علمای امروز در آن نزاع دارند، و امید ندارم که معاصران بر آن اتفاق کنند، و این در حالی است که ما مشکلات امت و گرفتاری ها و مصایب آن را به فراموشی سپرده ایم،

مشکلاتی که چه بسا خود ما سبب یا جزء سبب در وقوع آن بوده‌ایم... و لذا بر داعیان و متفکران اسلامی است که جمعیت مسلمان را به مسائل مهم امت بزرگ اسلامی مشغول کرده و دیده‌ها و عقول و قلب‌های آنان را به ضرورت توجه بر آن ملتفت سازند، و کوشش فراوان نمایند تا هر فرد از جامعه جزئی از آن را متحمل شده تا از این طریق بار سنگین آن بر دوش افراد بسیاری قرار گیرد تا تحمل آن آسان گردد. جهان در هرزمینه در حال نزدیک شدن است، به رغم اختلاف دینی، ایدئولوژی، قومی، زبانی، ملی و سیاسی که دارد. ما مشاهده کردیم مذاهب مسیحیت را که شبیه به ادیان متعارض و متباین بودند، چگونه با یک‌دیگر نزدیک شدند و با همدیگر هماهنگ گشتند، بلکه یهودیت و نصرانیت را دیدیم که با آن همه دشمنی دیرینه که با یک‌دیگر داشتند، چگونه به هم نزدیک شده و در موضوعات مختلف با هم همکاری کردند، تا جایی که مدتی قبل واتیکان بیانیه‌ای مشهور صادر کرد و در آن یهود را از خون مسیح تبرئه نمود... مشکل ما امروز با کسی نیست که می‌گوید: قرآن، کلام خدا مخلوق است، بلکه مشکل ما با کسانی است که می‌گویند: قرآن از جانب خدا نیست بلکه از جانب خود محمدصلی الله علیه و آله است؛ یعنی کسانی که قائل به بشری بودن قرآن دارند. همچنین مشکل ما با کسانی است که به الهی بودن قرآن ایمان دارند و به مرجعیت آن در عقیده و عبادت ایمان دارند ولی آن را روش نوینی در زندگی و قانونی برای دولت و جامعه نمی‌دانند، یعنی همان جماعت لائیک‌ها که به برخی آیات قرآن ایمان آورده و به بعضی دیگر کفر می‌ورزند».

۱۷ - همکاری در مسائل اتقاقی

دکتر یوسف قرضاوی می‌گوید: «واعتقد انّ ما تتفق علیه لیس بالشیء الهین و لا القلیل، انه یحتاج منّا الی جهود لا تتوقف... ألسنا متفقین علی انّ القرآن کلام الله و انّ محمّداً رسول الله؟ ألسنا متفقین علی الایمان بالله الواحد الأحد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد؟ ألسنا متفقین علی انه تعالی متصف بکل کمال، منزّه عن کل نقص؟ ... فلنتعاون علی غرس معانی الایمان الجُملی فی انفس الناشئه و الشباب... ألسنا متفقین علی انّ الالحاد اعظم خطر یهدّد البشریه فی اعزّ مقدّساتها؟ فلنتعاون علی تحصین الشباب من وباء الالحاد و مقدماته من الشکوک و الشبهات الّتی تززع العقیده و تلوث الکفر... ألسنا متفقین علی انّ الایمان بالدار الآخرة و عدالة الجزاء فیها... فلنتعاون اذن علی تقویة الایمان بالآخرة... ألسنا متفقین علی ارکان الاسلام العملیه الخمسه، فلماذا لا نتعاون علی ألسنا متفقین علی مجموعه طیبه من الاحکام الشرعیة القطعیة الثابته بحکم الكتاب و السنه و الّتی اجمعت علیها الأمة... فلنتعاون علی رعایتها و العمل علی حسن تطبیقها... ألسنا متفقین علی انّ الصهیونیة الیوم خطر داهم: خطر دینی و خطر عسکری و خطر اقتصادی و خطر سیاسی و خطر اجتماعی و خطر اخلاقی و ثقافی... و أنّها تطمع فی المدینه و خیبر... فلماذا لا نتعاون علی ان نحارب بهم بمثل ما یحاربوننا به: نحارب یهود یتهم المنسوخة بإسلامنا الخالد، و نحارب توراتهم المحرّفة بقرآنا المحفوظ، و نحارب تلمودهم المحشو بالأباطیل بموارثنا من السنه، الحافله بالحقائق؟... ألسنا متفقین علی انّ الغرب لم یتحرّر حتی الیوم من روح الصلیبیه و انّ هذه الروح لا زالت تحکم کثیراً من تصرفاته... فلنتعاون اذن علی التصدی لهذه الحروب الصلیبیه الجدیده باسلحتها الجدیده و امکاناتها الهائله. ألسنا متفقین علی انّ التنصیر یغزو و عالمنا الاسلامی بما یملک من وسائل منظوره... فلنتعاون کلنا علی الوقوف فی وجه هذا الغزو الدینی الموجه الی دین هذه الأمة و حمیم عقیدتها... ألسنا متفقین علی انّ الاستعمار الثقافی مع رحیل الاستعمار العسکری لم یزل یعمل عمله فی عقول اجدالنا الصاعده من ابائنا و بناتنا... فلنتعاون جمیعاً علی ان نقاوم هذا الاستعمار و هذا الغزو المدمر... ألسنا متفقین علی انّ مئات الملايين من المسلمين فی انحاء العالم یجهلون اولیات الاسلام المتفق علی فرضیتها و ضرورتها، و لا یکادون یعرفون من الاسلام الّا اسمه و لا من القرآن الّا رسمه، و هذا الجهل او الفراغ هو الذی اطمع الغزو التنصیری و الغزو الفکری کلّیهما ان ینشرا ضالیهما بین هذه الشعوب المحسوبة علی امه الاسلام؟ فلنتعاون علی تعلیم هذه الشعوب ألف باء الاسلام و الارکان الاساسیه لهذا الدین من العائد و العبادات و الاخلاق و الآداب الّتی لا تختلف فیها المذاهب و لا تتعدد الأقوال... انّ النصاری نشروا الانجیل بمئات

اللغات و آلاف اللهجات و نحن عجزنا ان نهیء بعض ترجمات صحیحہ مؤتمنہ و موثقہ لمعانی القرآن الکریم بأشهر لغات العالم فکیف بغیرها؟!...» (۱۰۴) «من معتقدم اموری که ما بر آن اتفاق داریم نه سست و نه کم است، ولی از طرف ما احتیاج به کوششی پیاپی است... آیا ما اتفاق نداریم بر این که قرآن کریم کلام خدا و محمد رسول خداست؟ آیا ما اتفاق نداریم بر ایمان به خدای واحد احد که نه زاده و نه زاییده شده و برای او همتایی نیست؟ آیا ما اتفاق نداریم که خدای متعال متصف به هر کمالی و منزّه از هر نقصی است؟... پس بیاییم به جهت کاشتن معانی ایمان فی الجمله در نفوس نونهالان و جوانان با یکدیگر همکاری کنیم... آیا ما اتفاق نداریم بر این که کفر و الحاد بزرگ‌ترین خطری است که بشریت را در عزیزترین مقدساتش تهدید می‌کند؟ پس بیاییم با یکدیگر در حفظ جوانان از وبای الحاد و مقدمات آن از شک‌ها و شبهاتی که عقیده را متزلزل کرده و فکر را ملوث نموده، همکاری کنیم... آیا ما اتفاق نداریم بر ایمان به آخرت و عدالت جزا در آن... پس چرا با یکدیگر بر تقویت ایمان به آخرت همکاری نمی‌کنیم؟!... آیا ما مجموعه‌ای زیبا از احکام شرعی قطعی ثابت به حکم کتاب و سنت و اجماع امت، اتفاق نداریم... پس چرا در رعایت و درست تطبیق کردن آن‌ها با هم همکاری نمی‌کنیم؟!... آیا ما اتفاق نداریم بر این که صهیونیست امروز خطر بزرگی است؛ خطری دینی، نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی... و این که او در طمع مدینه و خبیر است... پس چرا با هم در جنگ کردن با او همکاری نمی‌کنیم؟! مقابله‌ای با یهودیت منسوخ آن‌ها به وسیله اسلام خالد خود، و مقابله‌ای با تورات تحریف شده آن‌ها، به وسیله قرآن محفوظ مانده خود، و مقابله‌ای با تلمود مملوّ از مطالب باطل آن، به وسیله سنتی که برای ما به ارث گذاشته شده و مملوّ از حقایق است؟!... آیا ما اتفاق نظر نداریم که غرب تا به امروز از روحیه صلیبیت آزاد نشده و هنوز این روحیه در بسیاری از کارها و افعال آنان حاکم است... پس چرا به جهت مقابله با این جنگ‌های صلیبی جدید با اسلحه جدید و امکانات فراوان، با یکدیگر همکاری نمی‌کنیم؟! آیا همه ما نمی‌دانیم که گروه‌ها تبشیری مسیحیت، عالم اسلام را با وسایل پیشرفته درنوردیده است... پس چرا همگی در مقابل این تهاجم دینی که رو در روی دین این امت قرار گرفته و عقیده او را هدف قرار داده نمی‌ایستیم... آیا همگی نمی‌دانیم که استعمار فرهنگی با از بین رفتن استعمار نظامی هنوز باقی مانده و مشغول فتح عقل‌های جوان‌ها و فرزندان ما می‌باشد؟... پس چرا همدیگر را به جهت مقابله با این استعمار و حمله ویرانگر یاری نمی‌دهیم... آیا نمی‌دانیم که صدها میلیون مسلمان در اطراف عالم از اولیات و بدیهیات اسلام که مورد اتفاق بر وجوب و ضرورت آن است، جاهل می‌باشند، و تنها از اسلام اسم آن و از قرآن رسم آن را می‌دانند؟! آن نادانی و خلأیی که حمله‌های تبشیری مسیحیان و تهاجم فکری آن‌ها را به طمع انداخته تا گمراهی و ضلالت خود را بین این جوانانی که به حساب امت اسلامی هستند، منتشر سازند!! آیا نباید این جوان‌ها را بر تعلیم الف بای اسلام و ارکان اساسی این دین؛ از عقاید و عبادات و اخلاق و آدابی که هیچ مذهب و قولی در آن اختلاف ندارد... آری، مسیحیان انجیل‌های خود را به صدها لغت و هزاران لهجه منتشر ساختند ولی ما عاجزیم از این که برخی از ترجمه‌های صحیح و مورد اطمینان و وثوق را برای معانی قرآن کریم به مشهورترین زبان‌های عالم آماده کنیم تا چه رسد به غیر آن‌ها...».

دین، در راستای انسجام اسلامی

توضیح

با مراجعه به مسائل اعتقادات و احکام و اخلاق اسلامی پی می‌بریم که بسیاری از آن‌ها در راستای وحدت اسلامی بوده و تأمین کننده انسجام اسلامی است. اینک به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم؛

یکی از اعتقاداتی که حقیقت و شالوده آن بر وحدت و یگانگی است مسأله توحید و اعتقاد به یگانگی خداوند متعال است. بنابراین، یکتاپرستی که از آثار این عقیده است تمام موحدان را در یک راستا متحد می‌گرداند.

۲ - ابعاد جهانی اسلام

اسلام دین جهانی است و کتاب آن، قرآن می‌باشد که برای همه مردم فرستاده شده است و لذا تمام انسان‌ها را دعوت به اتحاد و یگانگی بر پیروی از این دین کرده است، امری که می‌تواند در راستای انسجام امت اسلامی باشد. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»؛ (۱۰۵) «این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف)؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس مرا پرستش کنید!»

۳ - گسترش روحیه برادری

اسلام درصدد گسترش روحیه برادری در بین عموم مردم خصوصاً مسلمانان است و لذا خداوند متعال تمام مؤمنان را برادر یک‌دیگر خطاب کرده و می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»؛ (۱۰۶) «مؤمنان برادر یک‌دیگرند».

۴ - همکاری اجتماعی

هر یک از مسلمانان در جامعه اسلامی همچون اعضای یک خانواده هستند و اینچنین نیست که فردیت مطلق داشته باشند. وظیفه‌اش این است که عدالت را وجهه همت خویش قرار دهد و مصالح عمومی و شؤون دیگران را هم مراعات نماید. در آیات و روایات فراوانی به این مطلب اشاره شده است؛ خداوند متعال می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ»؛ (۱۰۷) «و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید». و نیز می‌فرماید: «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمِإِنَّهُمْ لَفُؤْلِكُمْ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ (۱۰۸) «و آن‌ها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش، باز داشته شده‌اند رستگاراند». و می‌فرماید: «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ (۱۰۹) «و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند». از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «كَلِّمُوا رَاعٍ وَكَلِّمُوا مَسْئُولَ عَن رَعِيَّتِهِ»؛ (۱۱۰) «همه شما سرپرست هستید و همه شما نسبت به کسانی که تحت سرپرستی شما هستند، مسؤولید». و نیز می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ (۱۱۱) «هر کس صبح کند و نسبت به امور مسلمین اهتمام نرزد مسلمان نیست».

۵ - مسجد و اقامه جمعه و جماعت

حاضر شدن مسلمانان در مسجد و برپایی نماز جمعه و جماعت، یکی دیگر از عوامل وحدت‌زا در جامعه اسلامی است. شیخ طوسی به سندش از بعض اصحاب ابن ابی عمیر نقل کرده که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «أَنْتِي لِأَكْرَهِ الصَّلَاةِ فِي مَسَاجِدِهِمْ؟» فقال: لا-تكره الى ان قال: فاذا فيها الفريضة والنوافل واقتض ما فاتك؛ (۱۱۲) «همانا من از نماز به جای آوردن در مساجد عامه کراهت دارم؟! حضرت فرمود: کراهت نداشته باش... تا این که فرمود: در آن مساجد نمازهای واجب و نافله را به جای آور و آنچه را نیز از تو فوت شده قضا کن».

۶ - حج، کنکرة عظیم جهان اسلام

حج عبادتی است که وسیله ارتباط ملل اسلامی می‌باشد و یک کنگره عظیم جهانی الهی است که نقش مهمی در عظمت مسلمین و حفظ حیثیت و کیان بین‌المللی ایفا می‌کند. همه می‌دانند که جمعیت مسلمانان جهان یک جمعیت انبوه و قابل اهمیت است که می‌تواند در اوضاع سیاسی جهان و سرکوب کردن جهان‌خواران و متجاوزان و برقراری عدالت نقش مهمی داشته باشد. و کامل‌ترین عبادت اجتماعی - سیاسی که نسبت به نماز جمعه و جماعات و عیدین شعاع وسیع‌تری دارد، فریضه حج است. نظر به همین اهمیت است که در مورد آن تأکید فراوان شده است، و می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ»؛ (۱۱۳) «خداوند، کعبه - بیت الحرام - را وسیله‌ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده».

۷ - به کار گرفتن زبان عربی در عبادات

علما و فقهای اسلامی عموماً از آیات و روایات استفاده کرده‌اند که بهتر است قرآن با همان لغت عربی خوانده شود، و نیز فتوا داده‌اند که نماز را همه افراد با لغت عربی بخوانند و شعارهای دینی از قبیل اذان و تلبیه در حج و دیگر شعائر را به زبان عربی بگویند، این‌ها همه از جمله اموری است که می‌تواند در راستای اتحاد ملی و انسجام اسلامی باشد.

از آثار وحدت سیاسی

از آثار وحدت سیاسی پی بردن به مواضع یکدیگر و در نتیجه دوری از تعصبات بی‌مورد است، اینک به نمونه‌هایی از این اثر اشاره می‌کنیم؛ ۱ - شیخ محمود شلتوت، رئیس دانشگاه الأزهر مصر در عصر خود، بعد از مطالعه فراوان در فقه شیعه و مرجعیت اهل بیت علیهم السلام پی به اعتبار شیعه جعفری برده و فتوای معروف خود را در جواز تعبد به مذهب جعفری صادر می‌کند و می‌گوید: «مذهب جعفری، معروف به مذهب شیعه امامی اثنا عشری، مذهبی است که تعبد به آن شرعاً جایز است، همانند سایر مذاهب اهل سنت، لذا سزاوار است بر مسلمانان که آن را شناخته و از تعصب به ناحق نسبت به مذاهب معین خلاصی یابند». (۱۱۴) ۲ - شیخ زهر، دکتر محمد محمد فحام نیز در تقریظی که بر فتوای شلتوت نوشت نظر او را تأیید کرده، می‌گوید: «الشیخ محمود شلتوت: انا كنت من المعجبين به و بخلقهو يعلمه و بسعة اطلاعه و تمسكه من اللغة العربية و تفسير القرآن و من دراسة لأصول الفقه و قد افتى بذلك. فلا اشك أنه افتى فتوى مبنية على اساس من اعتقادي»؛ (۱۱۵) «من از شیخ محمود شلتوت نسبت به اخلاق، علم، گستردگی اطلاع، بهره‌مندی از لغت عرب، تفسیر قرآن و اصول فقه او در عجبم. او فتوا به جواز تعبد به مذهب شیعه امامیه را صادر کرده است. شك ندارم که فتوای او اساس محکمی دارد، که اعتقاد من نیز همان است». و نیز می‌گوید: «رحم الله الشيخ شلتوت الذي التفت الى هذا المعنى الكريم، فخلو في فتواه الصريحة الشجاعة حيث قال ما مضمونه: بجواز العمل بمذهب الشيعة الامامية باعتباره مذاهباً فقهياً اسلامياً يقوم على الكتاب والسنة والدليل الاسد...»؛ (۱۱۶) «خدا رحمت کند شیخ شلتوت را که به این معنای کریم التفات نمود و با آن فتوای صریح و شجاعانه‌ای که صادر کرد خودش را جاودانه ساخت، او فتوا به جواز عمل به مذهب شیعه امامیه داد، از آن جهت که مذهبی است فقهی و اسلامی، و اعتماد آن بر کتاب و سنت و دلیل محکم است...». ۳ - شیخ محمد غزالی می‌گوید: «واعتقد ان فتوى الاستاذ الأكبر الشيخ محمود شلتوت شوط واسع في هذه السبيل، وهي استئناف لجهد المخلصين من اهل اسلطة واهل العلم جميعاً و تكذيب لما يتوقعه السمشرقون من ان الأحقاد سوف تأكل هذه الامة قبل ان تلتقى صفوفها تحت راية واحدة... و هذه الفتوى في نظري بواية الطريق و أول العمل»؛ (۱۱۷) «من معتقدم که فتوای استاد اکبر؛ شیخ محمود شلتوت، راه طولانی را در تقریب بین مسلمان پیموده است... عمل او در حقیقت تکذیب خیالاتی است که مستشرقین در سر می‌پروراندند، آنان در این خیال بودند که کینه‌ها و اختلافاتی که بین مسلمانان است بالاخره روزی امت اسلامی را قبل از آن که به وحدت برسند و تحت لوای واحد در آیند، از هم پاشیده و نابود خواهد کرد. ولی این فتوا در نظر من شروع راه و اولین کار است». ۴ - عبدالرحمن

نجار، مدیر مساجد قاهره می‌گوید: «فتوی‌ الشلتوت نفتی بها الآن حینما نسأل بال تفتید بالمذاهب الاربعه، و الشیخ شلتوت امام مجتهد و رأیه صادف عین الحق. لماذا نقتصر فی تفکیر ناوفتا و انا علی مذاهب معینه و کلهم مجتهدون»؛ (۱۱۸) «ما نیز فتوای شیخ شلتوت را محترم شمرده و به آن فتوا می‌دهیم و مردم را از انحصار در مذاهب چهار گانه بر حذر می‌داریم. شیخ شلتوت، امامی است مجتهد، رأی او صحیح و عین حق است، چرا باید در اندیشه و فتاویمان، اکتفا بر مذاهب معینی نماییم، در حالی که همه آنان مجتهد بودند؟» ۵ - استاد احمد بک، استاد شیخ شلتوت و ابوزهره می‌گوید: «شیعه امامیه همگی مسلمان‌اند و به خدا و رسول و قرآن و هر چه پیامبر صلی الله علیه و آله آورده، ایمان دارند. در میان آنان از قدیم و جدید فقیهانی بزرگ و علمایی در هر علم و فن دیده می‌شود. آنان تفکری عمیق داشته و اطلاعاتی وسیع دارند. تألیفات آنان به صدها هزار می‌رسد و من بر مقدار زیادی از آنها اطلاع پیدا نمودم.» (۱۱۹) ۶ - شیخ محمد ابوزهره نیز می‌نویسد: «شکی نیست که شیعه، فرقه‌ای است اسلامی،... هر چه می‌گویند به خصوص قرآن یا احادیث منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله تمسک می‌کنند. آنان با همسایگان خود از سنی‌ها دوست بوده و از یکدیگر نفرت ندارند.» (۱۲۰) ۷ - استاد محمود سرطاوی، یکی از مفتیان اردن می‌گوید: «من همان مطلبی را که سلف صالحان گفته‌اند می‌گویم و آن این که شیعه امامیه برادران دینی ما هستند، بر ما حق اخوت و برادری دارند و ما نیز بر آنان حق برادری داریم.» (۱۲۱) ۸ - استاد عبدالفتاح عبدالقصد نیز می‌گوید: «به عقیده من شیعه تنها مذهبی است که آینه تمام نما و روشن اسلام است و هر کسی که بخواهد بر اسلام نظر کند باید از خلال عقائد و اعمال شیعه نظر نماید. تاریخ بهترین شاهد است بر خدمات فراوانی که شیعه در میدان‌های دفاع از عقیده اسلامی داشته است.» (۱۲۲) ۹ - دکتر حامد حنفی داود، استاد ادبیات عرب در دانشکده زبان قاهره می‌گوید: «از این جا می‌توانم برای خواننده متدبر آشکار سازم که تشیع آن گونه که منحرفان و سفیانی‌ها گمان می‌کنند که مذهبی است نقلی محض، یا قائم بر آثاری مملو از خرافات و اوهام و اسرائیلیات، یا منسوب به عبد الله بن سبأ و دیگر شخصیت‌های خیالی در تاریخ نیست، بلکه تشیع در روش علمی جدید ما به عکس آن چیزی است که آنان گمان می‌کنند. تشیع اولین مذهب اسلامی است که عنایت خاصی به منقول و معقول داشته است و در میان مذاهب اسلامی توانسته است راهی را انتخاب کند که دارای افق گسترده‌ای است. و اگر نبود امتیازی که شیعه در جمع بین معقول و منقول پیدا کرده هرگز نمی‌توانست به روح تجدد در اجتهاد رسیده و خود را با شرایط زمان و مکان وفق دهد به حدی که با روح شریعت اسلامی منافات نداشته باشد.» (۱۲۳) او همچنین در تقریظی که بر کتاب عبدالله بن سبأ نوشته است می‌گوید: «مضى ثلاثة عشر قرناً من حياة التاريخ الاسلامی كان انصاف العلماء خلالها يصدر عن احكامهم علی الشیعة مشبوهة بعواطفهم و احوالهم و كان هذا النهج السقیم سبباً فی احداث هذه الفجوة الواسعة خسر العلم الشیعی الكثير من معارف اعلام هذه الفرق كما خسر الكثير من فرائد آرائهم و ثمار قرائهم و كانت خسارة العلم اعظم فيما یمس الشیعة بمغصوم من نحل و ترهات و خرافات هم فی الحقیقة براء منها... ناهیک ان الامام جعفر الصادق المتوفی نة ۱۴۸ ه و هو رافع لواء الفقه الشیعی كان استاذاً للامامین السنین: ابی حنیفة النعمان بن الثابت المتوفی سنة ۱۵۰ ه و ابی عبدالله مالک بن انس المتوفی سنة ۱۷۹ ه و فی ذلك یوقل ابوحنیفة مقرأ له بالاستاذیة و فضل السبق: (لولا السنن لهلك النعمان) یقصد بهما السنن اللتین اغترف فیهما من علم جعفر بن محمد و یقول مالک بن انس: (ما رأیت افقه من جعفر بن محمد)؛ (۱۲۴) «سیزده قرن است که بر تاریخ اسلام می‌گذرد و ما شاهد صدور فتوایی از جانب علما بر ضد شیعه هستیم، فتاوی‌ای مزوج با عواطف و هواهای نفسانی. این روش بد سبب شکاف عظیم بین فرقه‌های اسلامی شده است. و از این رهگذر نیز علم و علمای اسلامی از معارف بزرگان این فرقه محروم گشته‌اند، همان گونه که از آرای نمونه و ثمرات ذوق‌های آنان محروم بوده‌اند. و در حقیقت خساراتی که از این رهگذر بر عالم علم و دانش رسیده، بیشتر است از خساراتی که توسط این خرافات به شیعه و تشیع وارد شده است، خرافاتی که در حقیقت، ساحت شیعه از آن مبرا است. و تو را بس، این که امام جعفر صادق (ت ۱۴۸ ه). پرچم دار فقه شیعی - استاد دو امام سنی است: ابوحنیفة نعمان بن ثابت (ت ۱۵۰ ه). و ابو عبدالله مالک بن انس (ت ۱۷۹ ه). و در همین جهت

است که ابو حنیفه می‌گوید: اگر آن دو سال نبود، نعمان هلاک می‌شد. مقصود او همان دو سالی است که از علم فراوان جعفر بن محمد بهره‌ها برده بود. و مالک بن انس می‌گوید: من کسی را فقیه‌تر از جعفر بن محمد ندیدم». ۱۰ - دکتر عبد الرحمن کیالی یکی از شخصیت‌های حلب در نامه خود به علامه امینی رحمه الله می‌نویسد: «ان العالم الاسلامی الذی لایزال فی حاجه ماشه الی مثل هذه الدراسات... لماذا بدأ الاختلاف بعد وفات الرسول الاعظم و أبعد بنو هاشم عن حقهم؟ و یهمه ان یعلم ما هی بواعث الانحطاط و الانحلال فی المسلمین حتی اصبحوا علی ما هم علیه؟... و هل یمکن تدارک مافات بالرجوع الی ما کتبه التواریخ القدیمة والاعتماد علیها؟...»؛ «عالم اسلامی همیشه نیاز شدید به مثل این تحقیقات دارد... چرا که بعد از وفات رسول اعظم، بین مسلمین اختلاف شد و در نتیجه بنی هاشم از حق خود محروم شدند؟ و نیز سزاوار است که از عوامل انحطاط و انحلال مسلمانان سخن به میان آید، چه شد که مسلمانان به این وضع امروز مبتلا شده‌اند؟ آیا ممکن است آن چه از دست مسلمانان رفته با رجوع به تاریخ اصیل و اعتماد بر آن، باز گرداند؟». (۱۲۵) ۱۱ - استاد ابوالوفاء غنیمی تفتازانی، مدرس فلسفه اسلامی در دانشگاه الأزهر می‌گوید: «وقع کثیر من الباحثین سواء فی الشرق او الغرب، قدیماً و حدیثاً فی احکام کثیره خاطئه عن الشیعۀ لاتستند الی ادله او شواهد نقلیه جدیره بالثقه و تداول بعض الناس هذه الأحکام فیما بینهم دون أن یسألوا أنفسهم عن صحتها أو خطئها. وکان من بین العوامل الّتی أدت إلی عدم انصاف الشیعۀ من جانب اولئک الباحثین الجهل الناشئ عن عدم الإطلاع علی المصادر الشیعیه، والإکتفاء بالإطلاع علی مصادر خصومهم»؛ (۱۲۶) «بسیاری از بحث کنندگان در شرق و غرب عالم، از قدیم و جدید، دچار احکام نادرست زیادی بر ضد شیعه شده‌اند که با هیچ دلیل یا شواهد نقلی سازگار نیست. مردم نیز این احکام را دست به دست کرده و بدون آن که از صحت و فساد آن سؤال کنند، شیعه را به آنها متهم می‌نمایند. از جمله عواملی که منجر به بی انصافی آنان نسبت به شیعه شد، جهلی است که ناشی از بی اطلاعی آنان نسبت به مصادر شیعه است و در آن اتهامات تنها به کتاب‌های دشمنان شیعه مراجعه نموده‌اند».

سیاست‌گذاری اهل بیت علیهم السلام درباره شیعه

اشاره

از مجموعه عملکرد و روایات اهل بیت علیهم السلام، سیاست‌گذاری خاصی درباره شیعیان‌شان استفاده می‌شود که بر اساس آن انسجام سیاسی و وحدت اسلامی استوار شده است؛

۱ - حفظ جان شیعیان

از مجموعه سیره اهل بیت علیهم السلام و دستورات آنان استفاده می‌شود که آنان تأکید فراوان بر حفظ جان شیعیان‌شان داشتند و هرگز نمی‌خواستند جان آن‌ها بی‌جهت به خطر بیفتد، و لذا سفارشی اکید به تقیه در عمل و رفتار در مقابل مخالفان می‌نمودند تا مبادا کاری انجام دهند که آنان را تحریک کرده و بر ضد شیعیان دست به اقدامی بزنند که بر جان و مال و آبرو و ناموس آن‌ها ضرر داشته باشد.

۲ - وجود شیعه در بین جامعه

از مجموعه ادله استفاده می‌شود که اهل بیت علیهم السلام می‌خواستند شیعیان‌شان در وسط جامعه باشند تا برای دیگران الگو گردند. عبدالله بن زیاد می‌گوید: «سَلَّمْنَا عَلٰی اَبِي عَبْدِاللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَمَنْىِ ثَم قَلْتُ: يَا بَنَ رَسُولَ اللهِ! اَنَا قَوْمٌ مَجْتَازُونَ لِسَنَا نَطِيقُ هَذَا الْمَجْلِسِ مِنْكَ كَلَّمَا اَرْدَنَاهُ، فَاَوْصِنَا؟ قَالَ: عَلَيكُمْ بِتَقْوَى اللهِ وَصَدَقَ الْحَدِيثَ و اداء الأمانة و حسن الصحبة لمن صحبكم، و افشاء السلام و

اطعام الطعام، صلوا فی مساجدهم و عودوا مرضاهم، واتبعوا جنازتهم؛ فانّ ابی حدّثنی: انّ شیعتنا اهل البیت كانوا خیار من كانوا منهم؛ ان كان فقیه كان منهم و ان كان امام كان منهم، و كذلك (كونوا) احبونا الی الناس ولا تبغضونا الیهم؛ (۱۲۷) «ما در سرزمین منی بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم. به حضرت عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! ما قومی هستیم که از شما دوریم و نمی‌توانیم هر گاه که خواستیم خدمت شما برسیم، لذا جا دارد که بر ما سفارشی نمایم. حضرت فرمود: بر شما باد به تقوای الهی، و راستگویی و ادای امامت و مصاحبت نیکو با کسی که همدم با شماست، و سلام کردن بلند، و اطعام دادن. در مساجد آنان - اهل سنت - نماز گزارید و از میزبانان عیادت کرده و در تشییع جنازه آنان شرکت نمایید؛ زیرا پدرم مرا حدیث کرد که شیعیان ما اهل بیت بهترین آن‌هایند؛ اگر فقیهی وجود دارد از میان آن‌هاست و اگر امامی وجود دارد از بین آن‌هاست. این چنین باشید، کاری کنید که مردم به ما محبت نمایند نه این که دشمنی ما را در دل‌هایشان ایجاد کنید». از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «لیس من شیعتنا من یكون فی مصر یكون فیه آلاف و یكون فی المصر أروع منه؛» (۱۲۸) «از شیعیان و پیروان ما نیست کسی که اگر در شهری هزار نفر وجود دارد کسی باورع تر از او باشد».

۳ - اتمام حجت بر تمام مردم

خداوند متعال اراده کرده که همیشه حق و حقیقت در بین مردم زنده بماند و هرگز پیروان آن نابود نگردند بلکه با وجود آنان در بین مردم، حجت بر مردم تمام گردد، و لذا در غیر موارد ضرورت نباید کاری کرد که یا خود را به کشتن داده و یا مجبور به ترک جامعه و انزواطلبی گردیم.

عواقب عدم انسجام سیاسی

توضیح

از آیات قرآن استفاده می‌شود که نبودن انسجام سیاسی در بین مسلمین، عواقب خطرناکی دارد؛ از قبیل:

۱ - بی‌آبرویی

خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَنَارَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»؛ (۱۲۹) «و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود!»

۲ - به استضعاف کشیدن گروهی از مردم

خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ مِنْهُ جَفْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ»؛ (۱۳۰) «فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند».

۳ - کشتار و اسارت

خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ... يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ»؛ (۱۳۱) «فرعون در زمین برتری جویی کرد... و پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت». و نیز می‌فرماید: «أَوْ يَلْبَسُهُمْ شِيَعًا وَيُذِيقُ بَعْضُكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ»؛ (۱۳۲) «یا بصورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد؛ و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما بوسيله

دیگری بچشاند».

موانع انسجام اسلامی

اشاره

انسجام اسلامی موانعی نیز دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم؛

۱ - اتهام به یکدیگر

یکی از موانع انسجام اسلامی اتهام و نسبت‌های ناروا به یکدیگر است، امری که متهمین به آن نسبت‌ها از آن تبرّی می‌جویند. گاهی نسبت غلو به افرادی داده می‌شود و گاهی برخی از عقائد به افرادی نسبت داده می‌شود که هرگز صحیح نیست مثل این که می‌گویند شیعه معتقد به قرآنی دیگر است و می‌گویند: جبرئیل در نزول وحی خیانت کرده و به جای علی علیه السلام بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وحی نازل کرده است و ... در حالی که شیعه خود را از این اتهامات مبرا می‌داند. و در مقابل ممکن است برخی از افراد نسبت‌های ناشایست همچون ناصبی بودن تمام آن‌ها و ... به اهل سنت دهند. نویسنده مصری انور جندی می‌نویسد: «و من الحق ان يكون الباحث يقطعاً في التفرقة بين الشيعة (الاثنى عشرية) و الغلاة، هؤلاء الذين هاجمهم أئمة الشيعة انفسهم و حذروا مما يدسونه»؛ (۱۳۳) «سزاوار است که بحث‌کننده بیدار بوده و بین شیعه دوازده امامی و غلات فرق بگذارد، همان کسانی که خود امامان شیعه بر آن‌ها تهاجم داشته و از دسیسه آنان، شیعیان خود را بر حذر داشتند». و نیز نویسنده مصری علی عبدالواحد وافی می‌گوید: «انّ كثيراً من مؤلفينا قد خلط بين الشيعة الجعفرية و غيرها من فرق الشيعة»؛ (۱۳۴) «همانا بسیاری از نویسندگان ما، بین شیعه جعفری و دیگر فرقه‌ها خلط کرده‌اند». شیخ محمد غزالی می‌گوید: «و من هؤلاء الأفاكين من روج انّ الشيعة اتباع علي و انّ السنيين اتباع محمّد، و انّ الشيعة يرون علياً حقّاً بالرسالة او أنّها أخطأته الى غيره، و هذا لغو قبيح و تزوير شائن»؛ (۱۳۵) «از جمله تهمت‌زنندگان کسانی هستند که رواج داده‌اند شیعه پیروان علی و اهل تسنن پیروان محمدند، و این که شیعه معتقد است که علی سزاوارتر به رسالت است و این که از روی اشتباه، رسالت به غیر از او واگذار شده است، و این حرفی لغو و قبیح و خدعه‌ای پست است». و نیز می‌گوید: «نسب الی الامامیه - افتراء و تنکیلاً نقصان آیات من القرآن»؛ (۱۳۶) «به امامیه از روی تهمت و بی‌جهت نسبت داده شده که معتقد به نقصان آیات قرآن‌اند». نویسنده سنی مذهب عبدالحلیم جندی می‌نویسد: «... نسبو عمل الغلاة الی الشيعة... فأحدثوا بذلك اثراً كاذباً في فهم الآخريين بدعاوى هم منها براء؛ مثل انّ الامام هو الله ظهوراً و اتحاداً و هو غلو يبلغ الكفر»؛ (۱۳۷) «... عمل غالیان را به شیعه نسبت دادند... و با این کار خود اثری دروغین در فهم مطالب دیگران ایجاد نمودند همراه با ادعاهایی که شیعه از آن‌ها بری است؛ مثل این که امام همان خداست در مقام ظهور و با خدا اتحاد دارد، در حالی که این حرف غلوی است که به حدّ کفر می‌رسد». نویسنده مصری محمد بهی در اعتراض خود از عملکرد وهابیان می‌نویسد: «وسعت (الوهابية) شقة الخلاف بين السنة و الشيعة منذ القرن الثامن عشر الميلادي؛ بل اصبحت اشدّ من ذي قبل، و كان لزيادة الفجوة على هذا النحو اثر سلبي للدعوة الوهابية»؛ (۱۳۸) «وهابیان شکاف بین شیعه و سنی را بیشتر کرده‌اند و این شکاف در نزاع مذهبی بین سنی و شیعه از قرن هجدهم میلادی بزرگ شد، بلکه از قبل از آن هم بزرگ‌تر گشت، و این زیادی شکاف بین این دو مذهب به این نحو اثری سلبی برای دعوت وهابیان داشته است». دکتر طه حسین مصری می‌نویسد: «انّ خصوم الشيعة نسبو اليهم ما يعلمون و ما لا يعلمون... لا يكتفي خصوم الشيعة من الشيعة بما يسمعون عنهم او بما يرون من سيرتهم، و أنّما يضيفون اليهم اكثر ممّا قالوا و اكثر ممّا سمعوا، ثم لا يكتفون بذلك... بل يحملون ذلك كلّه على اصحاب اهل البيت... و خصومهم وافقون لهم بالمرصاد يحصون عليهم كلّ ما يقولون و يفعلون

و یضیفون الیهم اکثر ممّا قالوا و ممّا فعلوا و یحملون علیهم الاعاجیب من الأقوال و الأفعال... ثم یتقدم الزمان فیزداد الأمر تعقیداً و اشکالاً ثم تختلط الامور بعد ان یبعد عهد الناس بالأحادیث...»؛ (۱۳۹) «همانا دشمنان شیعه به شیعه هر آنچه را دانسته و ندانسته نسبت داده‌اند... دشمنان شیعه در نسبت دادن به شیعه تنها دیده‌ها و شنیده‌ها را به شیعه نسبت نمی‌دهند بلکه بیش از آنکه شنیده و گفته‌اند به آن اضافه می‌کنند، به این هم اکتفا نکرده تمام آن‌ها را به اصحاب اهل بیت نسبت می‌دهند... دشمنان شیعه در کمین آن‌ها نشسته و هر آنچه را که می‌گویند و انجام می‌دهند را گرفته و بیشتر از آن را اضافه کرده و گفتار و کردار عجیب را به شیعه نسبت می‌دهند... و با گذشت زمان، مسأله پیچیده‌تر و مشکل‌تر می‌شود و بعد از آن که مردم از عصر حدیث دور شدند امور بر آنان مشتبه می‌گردد...». نویسنده مشهور مصری انیس منصور می‌گوید: من از عباس محمود عقاد، نویسنده بزرگ مصری شنیدم که می‌گفت: «آنچه یزید ان یؤلف در اسسه موضوعیه عن المذهب الشیعی، فقد ادخلت علیه اکاذیب افسدت صورته عند کثیر من الناس»؛ (۱۴۰) «او می‌خواست بحثی بدون تعصب درباره مذهب شیعه ارائه دهد؛ زیرا دروغ‌هایی به شیعه نسبت داده‌اند که چهره آن را نزد بسیاری از مردم فاسد کرده است» ولی عمرش اجازه چنین کاری را به او نداد. نویسنده سنی مذهب محمد کردعلی می‌نویسد: «اما ما ذهب الیه بعض الکتاب من ان مذهب التشیع من بدعه عبداللّه بن سبأ المعروف بابن السوءاء، فهو وهم و قله علم بتحقیق مذهبهم. و من علم منزله هذا الرجل عند الشیعه و برائتهم منه و من اقواله و اعماله و کلام علمائهم فی الطعن فیہ بلاخلاف بینهم فی ذلک، علم مبلغ هذا القول من الصواب»؛ (۱۴۱) «اما آنچه برخی از نویسندگان به آن رسیده‌اند که مذهب تشیع از بدعت‌های عبداللّه بن سبأ معروف به ابن السوءاء است، این حرف، وهم و کم‌خردی در تحقیق مذهب شیعه است، و هر کس منزلت این مرد را نزد شیعه و تبری آنان از او و گفتار و اعمالش را بداند و کلمات علمای شیعه در تبری از او را به طور اتفاق ببیند مقدار درست بودن این قول را خواهد فهمید». استاد محمد ابوزهره در ردّ اتهام و هابیان به شیعه می‌گوید: «ان الامامیه لایصلون بالامام الی مرتبه النبی صلی الله علیه و آله»؛ (۱۴۲) «امامیه امام را به مرتبه پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌رسانند».

۲ - عدم تعقل

یکی از موانع انسجام اسلامی و تقریب، عدم تعقل و فکر و جمود بر ظواهر نصوص است، امری که در طول تاریخ اسلام در میان مسلمانان و برخی از مذاهب اسلامی همچون اهل حدیث و سلفی‌ها و وهابیان یافت می‌شود، کسانی که برای عقل و تعقل ارزش چندانی قائل نیستند، آنان فکر نمی‌کنند که عملکرد و اعتقادشان چه تبعاتی در پیش دارد.

۳ - نداشتن بینش سیاسی واقع بینانه

یکی دیگر از موانع انسجام اسلامی و تقریب، نداشتن بینش سیاسی عمیق و ژرف اندیشی است. برخی از کوته فکران و تنگ نظران بدون توجه به جوانب حرف‌هایشان هر چه می‌توانند بر زبان جاری می‌سازند و فکر نمی‌کنند که دشمنان چگونه از این حرف‌ها سوء استفاده می‌کنند. آیا اتهام به شیعه با آن ابوه جمعیت و خارج کردن آنان از صفوف و خطّ مقدم جبهه بر ضدّ کفر و الحاد به نفع اسلام و مسلمین است؟ آیا این کار همان نقشه دشمنان اسلام برای ضربه زدن بر پیکره اسلام و مسلمین نیست؟ ولی چه باید کرد که عده‌ای این حقایق را درک نکرده و نمی‌فهمند یا خود را به تجاهل می‌زنند.

۴ - شناخت هر مذهب از زبان مخالفان

یکی از موانع انسجام اسلامی و تقریب، شناخت هر مذهب از طریق دشمنان آن است. معلوم است که افراد بی انصاف چهره واقعی مذهب مخالف خود را درست معرفی نمی‌کنند بلکه در جهت مشوه جلوه دادن آن هستند. و لذا وظیفه هر عالم و محقق منصف این

است که به منابع اصلی هر مذهب به جهت شناخت آن رجوع کند تا قضاوتی صحیح درباره آن داشته باشد.

۵ - عدم توجه به دشمن مشترک

یکی دیگر از موانع اتحاد، بی‌توجهی به دشمن مشترک بین مذاهب اسلامی است. برخی فکر نمی‌کنند که کافران هیچ یک از مسلمانان را قبول ندارند و آنان درصدد ضربه زدن به کیان اسلامی هستند، و لذا نباید به این فکر باشند که زیر چتر کفر و الحاد درصدد ضربه زدن به مذاهب دیگر اسلامی برآیند، و به طور حتم، مسلمان مخالف از کافر معاند، برتر و بهتر است؛ زیرا ما با او مشترکات فراوانی داریم.

۶ - حکم به لوازم اعتقاد

همان‌گونه که قبلاً اشاره کردیم یکی از راه کارهای وحدت سیاسی و انسجام اسلامی عدم حکم به لوازم اعتقاد مخالفان است، مگر آنکه صاحبان آن عقیده ملتزم به آن باشند، و این از مسائل بسیار خطرناکی است که اگر هر مذهبی دست به این کار بزند تمام امت اسلامی نابود خواهند شد.

۷ - سوء ظن به دیگری

سوء ظن به دیگری در اعمال و کردار و اقوال، یکی دیگر از موانع انسجام اسلامی است. اگر پیرو هر مذهبی با بدبینی به دیگری نگاه کند و او را به بیگانگان نسبت دهد و او را از دشمنان دیرینه خود بداند هرگز نمی‌توان با این دیدگاه به نقطه مشترک رسید. و اگر کسی از دیگر مذاهب اسلامی درصدد انتقاد سازنده برآمد نباید بر سر او فریاد زده و با نظر بد و سوءظن به او نگاه کرده و با او به مخالفت برخواید. مثلاً اگر کسی بر اهل سنت به جهت وجود برخی از روایات در مصادر حدیثی آن‌ها که با قداست پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سازگاری ندارد ایراد گرفت و غرض و هدفش، دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله بود نباید آقایان اهل سنت بر او حمله کرده که چرا به کتاب‌های ما توهین کرده‌اید، هدف او اصلاح امور و از بین بردن زمینه‌های حمله به مکتب اسلام است. باید انتقاد سازنده را پذیرفت گرچه به ضرر ایده و روش من باشد؛ زیرا انتقاد کننده درصدد دفاع از اصل مشترک بین عموم مسلمین است.

(ب) انسجام حقیقی (طرح درازمدت)

انسجام تکوینی در صدر اسلام

از آیات قرآن استفاده می‌شود که به جهت مصالحی خاص در صدر اسلام، نسبت به انسجام اسلامی عنایتی خاص از جانب خداوند متعال بوده است؛ خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (۱۴۳) «و دل‌های آن‌ها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می‌کردی که میان دل‌های آنان الفت دهی، نمی‌توانستی! ولی خداوند در میان آن‌ها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است!» و نیز می‌فرماید: «وَأذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» (۱۴۴) «به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد». و این به جهت آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صدر شروع کار است و اگر عده‌ای که دعوت او را پذیرفته‌اند وحدت و یکپارچگی نداشته باشند هرگز پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌تواند به اهداف عالی خود در جهاد و مقابله با

مشركان و گسترش اسلام برسد. و لذا خداوند متعال می‌فرماید: «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍ...»؛ (۱۴۵) «و آنچه در دلها از کینه و حسد دارند، برمی‌کنیم (تا در صفا و صمیمیت با هم زندگی کنند)».

وصیت پیامبران به پیروی از جانشین به حق

خداوند متعال در آیه‌ای می‌فرماید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا»؛ (۱۴۶) «آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید». و در آیه‌ای دیگر عدم تفرقه و وحدت را بر محور راه مستقیم قرار داده که همان کتاب و امام معصوم است. آنجا که می‌فرماید: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّيَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ (۱۴۷) «این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!» و در جای دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ (۱۴۸) «و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست، هدایت شده است». و نیز می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ (۱۴۹) «و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت، چنگ زنید، و پراکنده نشوید!»

وحدت حقیقی بر محور امام معصوم علیهم السلام

خداوند متعال در آیه‌ای می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ (۱۵۰) «و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت، چنگ زنید، و پراکنده نشوید!» مقصود به حبل الهی، ریسمانی است که به طور حتم ما را به خدا می‌رساند که همان امام معصوم از اشتباه است. و لذا در جای دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ (۱۵۱) «و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست، هدایت شده است». در این آیه به جای حبل الله تعبیر به الله کرده و حبل را حذف نموده و از اینجا استفاده می‌شود که حبل الله باید کسی باشد که مظهر خدا و کلمه قولی و فعلی اتم خداوند باشد. در آیه‌ای دیگر دعوت به پیروی از صراط مستقیم نموده و از راه‌های دیگر نهی کرده است آنجا که می‌فرماید: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ»؛ (۱۵۲) «این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد!» پس در حقیقت امر به پیروی و تمسک و چنگ زدن به حبل الله کرده که همان قرآن و عترت است همان گونه که در حدیث ثقلین آمده است. از اینجا معنا و مفهوم احادیثی که «اهدنا الصراط المستقیم»؛ (۱۵۳) «ما را به راه راست هدایت کن» را به صراط و راه امام علی علیه السلام معنا کرده‌اند روشن می‌شود. و نیز معنای آیه شریفه «وَأَنَّ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛ (۱۵۴) «و این که مرا بپرستید که راه مستقیم این است؟!» روشن می‌شود که در چنگ زدن به خدا که همان چنگ زدن به حبل الله و کتاب و عترت است عبودیت خداوند است؛ زیرا عبودیت در اطاعت دستورات خدا بدون چون و چراست. از آیات قرآن کریم نیز عصمت کتاب خدا و عترت استفاده می‌شود؛ خداوند متعال در مورد قرآن می‌فرماید: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ»؛ (۱۵۵) «که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید». و درباره اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛ (۱۵۶) «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد». از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «ترکتکم علی المحجة البيضاء التي ليلها كنهارها...»؛ (۱۵۷) «من شما را بر راه روشنی رها کردم که شبش همانند روز روشن است، پس راه واضح است به حدی که سیرکننده در آن گمراه نمی‌گردد». با مراجعه به حدیث «ثقلین» و حدیث «امان» و حدیث «سفینه» پی به مصداق

صراط مستقیم و جبل الله واقعی خواهیم برد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «انّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ما ان تمسکتُم بهما لن تضلّوا بعدی ابداً»؛ (۱۵۸) «همانا در میان شما دو شیء گرانبها می‌گذارم؛ یکی کتاب خدا و دیگری عترتم، که اگر به آن دو تمسک کنید هرگز بعد از من گمراه نمی‌شوید». و نیز فرمود: «النجوم امان لأهل السماء و اهل بیتی امان لأمتی من الاختلاف فاذا خالفتها قبیلۀ من العرب اختلفوا فصاروا حزب ابلیس»؛ (۱۵۹) «ستارگان مأمن برای اهل آسمان‌اند و اهل بیتم نیز مأمن برای امتم از اختلاف؛ هرگاه با آنان گروهی از عرب مخالفت نمایند بینشان اختلاف افتاده و جزء حزب شیطان می‌شوند». و نیز فرمود: «مثل اهل بیتی کسفیئۀ نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها هلک»؛ (۱۶۰) «مثل اهل بیتم همانند کشتی نوح است؛ که هر کس بر آن سوار شود نجات یافته و هر کس از آن تخلف کند هلاک شود». دکتر تیجانی درباره حدیث ثقلین می‌گوید: «و اذا کان هذا الحدیث صحیحاً عند الطرفين بل عند کلّ المسلمین علی اختلاف مذاهبهم، فما بال قسم من المسلمین لا یعمل به؟ ولو عمل المسلمون کافۀ بهذا الحدیث لنشأت بینهم وحدۀ اسلامیة قویۀ لاتزعزعها الریاح ولا تهدّها العواصف و لا یطلبها الاعلام و لا یفشلها اعداء الاسلام. و حسب اعتقادی انّ هذا هو الحلّ الوحید لخلاص المسلمین و نجاتهم و ماسواہ باطل و زخرف من القول. و المتبع للقرآن و السنۀ النبویۀ و المطّلع علی التاریخ و المتدبر فیہ بعقله یوافقنی بلاشک علی هذا...»؛ (۱۶۱) «اگر این حدیث نزد شیعه و سنی بلکه تمام مسلمانان با اختلاف در مذهبشان، صحیح است، پس چرا برخی از مسلمانان به آن عمل نمی‌کنند؟ و اگر تمام مسلمانان به این حدیث عمل کرده بودند می‌توانست وحدت اسلامی قوی بین آنها ایجاد گردد به حدی که بادها نتواند آنها را به حرکت درآورده و طوفان‌ها آن را از جا برکند و کسی معترض آن نشده و دشمنان اسلام آن را سست نگردانند. آری به حسب اعتقاد من، این تنها راه خلاصی مسلمانان و نجات آنهاست، و ماسوای آن باطل و گفتاری بی‌معناست، و کسی که در قرآن و سنت نبوی تتبع کرده و بر تاریخ مطلع بوده و در آن با عقلش تدبّر کرده، مرا در این امر بدون شک موافقت خواهد کرد...». او نیز می‌گوید: «انّ هذه الوحده قادمه لامحاله أحبوا ام اکرهوا؛ لانّ الله سبحانه رصد لها اماماً من ذریۀ المصطفی سیملؤها قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً، و هذا الامام هو من العترۀ الطاهره...»؛ (۱۶۲) «این وحدت به طور حتم خواهد آمد، بخواهند یا نخواهند؛ زیرا خداوند سبحان برای آن پیشوایی از ذریه مصطفی قرار داده که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد، و این امام همانا از عترت طاهره است...». اشکال: اگر کسی بگوید: حکم هدایت به راه مستقیم برای اعتصام به خدا آمده ولی برای اعتصام به «جبل الله» چنین حکمی نیامده است و این مؤید آن است که ریسمان خدا که همان راه‌های به سوی خداست گرچه ظنی است ولی همه باید به آن تمسک کرده و تفرقه نداشته باشند. پاسخ اولاً: این دو آیه نزدیک به هم و در یک سوره آمده و لذا می‌تواند شارح همدیگر باشند به همان نحوی که گفته شد. ثانیاً: از آنجا که اعتصام به خدا بدون واسطه برای هیچ کس به جز اولیای الهی ممکن نیست لذا به طور حتم مقصود به آن همان اعتصام به جبل الله و واسطه فیض خداست. ثالثاً: در آیه ۱۰۳ از سوره آل عمران کلمه «جبل» به صورت مفرد آورده شده نه به جمع و این خود دلالت بر وحدت واسطه و وسیله رسیدن به خدا دارد.

سنت الهی در امتحان امتهما

اشاره

سنت الهی در امتحان امت‌ها خداوند متعال می‌فرماید: «الم * أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ»؛ (۱۶۳) «الم آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟! ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و این‌ها را نیز امتحان می‌کنیم)؛ باید علم خدا درباره کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد!» خداوند متعال با در میان قرار دادن محور حقّ که

همان امام معصوم است افراد را امتحان می‌نماید؛ همان گونه که شیطان را با حضرت آدم علیه السلام و امت اسلام را با معرفی حضرت علی علیه السلام به خلافت و امامت امتحان نمود. خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ»؛ (۱۶۴) «بگو: او قادر است که از بالا- یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد؛ یا بصورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد؛ و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما بوسیله دیگری بچشاند». اینک به نمونه‌هایی از این گونه امتحانات اشاره می‌کنیم؛

۱ - امتحان ملائکه و شیطان با خلقت حضرت آدم علیه السلام

خداوند متعال درباره حضرت آدم علیه السلام و شیطان و ملائکه می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»؛ (۱۶۵) «(یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد». قبل از خلقت حضرت آدم علیه السلام هم نیز ملائکه امتحان شده بودند آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ (۱۶۶) «(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی [= نماینده‌ای] اقرار خواهم داد.» فرشتگان گفتند: «پروردگارا!» آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! (زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند. اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است)، ما تسبیح و حمد تو را بجا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم.» پروردگار فرمود: من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. و از آنجا که شیطان در امتحان خود با تسلیم نسبت به امام به حق رفوزه شد لذا خداوند متعال مؤمنان را به تسلیم در برابر دستورات خود دعوت کرده و از پیروی شیطان در این زمینه نهی کرده است آن جا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»؛ (۱۶۷) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآیید! و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست».

۲ - امتحان امت اسلامی در وحدت بر مسئله امامت

خداوند متعال این امت را بعد از وفات پیامبرش بر مسئله امامت به حق، امتحان کرده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ (۱۶۸) «و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نیز از آیه‌ای دیگر استفاده می‌شود که وصیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همانند وصیت دیگر انبیاء عدم تفرقه و اتحاد بر محور حق و حقیقت است. خداوند متعال می‌فرماید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا»؛ (۱۶۹) «آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید». و نیز می‌فرماید: «وَلَمَّا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ»؛ (۱۷۰) «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید!» مسلم نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سَأَلْتُ رَبِّي ثَلَاثًا فَاعْطَانِي اثْنَتَيْنِ وَ مَنَعَنِي وَاحِدَةً؛ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَهْلِكَ أُمَّتِي بِالسَّنَةِ فَاعْطَانِيهَا، وَ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَهْلِكَ أُمَّتِي بِالْغَرَقِ فَاعْطَانِيهَا، وَ سَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَجْعَلَ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ فَمَنَعَنِيهَا»؛ (۱۷۱) «از پروردگار سه چیز درخواست کردم، دوتای آن را به من عطا نمود و مرا از یکی از آن‌ها منع کرد؛ از او درخواست کردم که ائمتم را با قحطی هلاک نگرداند، پذیرفت. و نیز درخواست نمودم که با غرق ائمتم را هلاک

نکند، پذیرفت. ولی خواستم که بینشان نزاع نباشد، آن را نپذیرفت». اولین کسی که بر مسأله امامت در امت اسلامی امتحان شد و رفوزه بیرون آمد نعمان بن حارث فهری بود؛ او هنگامی که شنید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را به خلافت و جانشینی خود منصوب کرده، آمد و به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای محمد! ما را از جانب خداوند امر کردی تا شهادت به وحدانیت خداوند دهیم و این که تو رسول خدایی، ما هم قبول کردیم، و امر نمودی تا پنج نوبت نماز بخوانیم آن را نیز از تو پذیرفتیم، و ما را به زکات و روزه ماه رمضان و حج امر نمودی آن را نیز قبول کردیم، به این رازی نشدی تا آنکه بازوان پسرعمویت را بالا برده و او را بر ما برتری دادی و گفتی: «هر کس که من مولای اویم این علی نیز مولای اوست»، آیا این مطلبی بود که از جانب خود گفتی یا از جانب خدای عزوجل؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قسم به کسی که جز او خدایی نیست، همانا این مطلب از جانب خداوند بوده است. در این هنگام حارث بن نعمان به پیامبر صلی الله علیه و آله پشت کرده و به سوی راحله خود حرکت کرد و می گفت: بار خدایا! اگر آنچه محمّد می گوید حقّ است بر من سنگی از آسمان بیار یا عذابی دردناک بر من بفرست. او به شترش نرسیده بود که سنگی از آسمان فرستاد که بر سر او خورده و از پشت او بیرون آمد و به این طریق کشته شد. در این هنگام بود که خداوند عزوجل این آیه را نازل فرمود: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ»؛ (۱۷۲) «تقاضاکننده‌ای تقاضای عذابی کرد که واقع شد! این عذاب مخصوص کافران است، و هیچ کس نمی تواند آن را دفع کند».

ایمان همراه با ولایت

گرچه حکم به برادری با اهل سنت در آیات قرآن بر ایمان به طور مطلق آمده است آنجا که می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»؛ «مؤمنان برادر یکدیگرند»، ولی مطابق آیات دیگر و نیز برخی از روایات، ایمان مشروط به اعتقاد به ولایت اهل بیت علیهم السلام و اخذ دین از طریق آنان است. خداوند متعال می فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ (۱۷۳) «و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت، چنگ زیند، و پراکنده نشوید! و در آیه‌ای دیگر نتیجه اعتصام به حبل الله که همان اعتصام به خداست را هدایت به صراط مستقیم که همان ایمان است می داند آنجا که می فرماید: «وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ (۱۷۴) «(بنابر این، به خدا تمسک جوید!) و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست، هدایت شده است». و این صراط مستقیم همان صراطی است که دستور به پیروی از آن داده شده و وصیت و سفارش خداوند به انبیا است آنجا که می فرماید: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ (۱۷۵) «این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!» و «حبل الله» مطابق حدیث ثقلین، کتاب و عترت معصوم است، همان گونه که قبلاً به آن اشاره کردیم. در مناظره‌ای که بین امام صادق علیه السلام و برخی از اصحاب او از آن جمله هشام بن حکم، با مرد شامی اتفاق افتاد، بعد از آنکه مرد شامی مغلوب شد و پی به عظمت و امامت حضرت برد عرض کرد: «اسلمت لله الساعة؛ من الآن اسلام آوردم؟»، حضرت به او فرمود: «بل آمنت بالله الساعة؛ انّ الاسلام قبل الایمان و علیه یتوارثون و یتناکحون و علی الایمان یتابون»؛ (۱۷۶) «بلکه تو الآن به خدا ایمان آوردی؛ زیرا اسلام قبل از ایمان است و بر آن مردم ارث برده و نکاح می کنند و بر ایمان است که مردم صواب می برند».

احتیاج به امام ناطق

از آیات قرآن استفاده می شود، همان گونه که احتیاج به امام صامت است که قرآن باشد، به امام ناطق نیز احتیاج است؛ زیرا خداوند متعال از طرفی می فرماید: «وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً»؛ (۱۷۷) «و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (گواهی

بر آن می‌دهد». و درباره کتاب حضرت موسی و ابراهیم علیهما السلام می‌فرماید: «صُحِفَ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى» (۱۷۸) «در کتب ابراهیم و موسی». ولی در عین حال می‌فرماید: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...» (۱۷۹) «(به خاطر آورد) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» و نیز با وجود آنکه درباره قرآن می‌فرماید: «تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ» (۱۸۰) «بیانگر همه چیز». ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان مبین و سخنگوی آن معرفی کرده و می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (۱۸۱) «(از آن‌ها پیرسید که) از دلایل روشن و کتب (پیامبران پیشین آگاهند!) و ما این ذکر [= قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آن‌ها روشن سازی».

وظیفه ما در بیان حقایق

از آیات قرآن که درباره ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر ائمه آمده و نیز از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و امام حسین علیه السلام استفاده می‌شود که هرگاه بین بیان حق مهم و وحدت تعارض شد بیان حق مقدم بوده و وحدت است که باید فدای حق مهم شود بلکه گاهی باید به جهت بیان حق مهم وحدت جامعه را بر هم زد و آن موقعی است که جامعه بر باطل وحدت کرده است. امام خمینی قدس سره در این باره می‌فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در عینی که برایش مشکل بود که حضرت امیر را معرفی کند و راه هدایت را به مردم بگوید، برای این که می‌دید ممکن است یک وقت اختلاف بشود، مع ذلک خدا الزامش کرد که باید بگویی، اگر نگویی کاری نکردی» (۱۸۲) اینک به نمونه‌هایی از موارد تقدیم حق بر وحدت در سیره معصومین علیهم السلام اشاره می‌کنیم؛ ۱ - سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله در ابلاغ ولایت حضرت علی علیه السلام در روز غدیر؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دانست که مسلمانان با طرح این مسأله اختلاف کرده و به دو دسته شیعه علی علیه السلام و سنی تقسیم می‌شوند ولی در عین حال از بیان حق کوتاه نیامد. ۲ - سیره حضرت علی علیه السلام در حکومت داری؛ زیرا حضرت می‌دانست که با طرد معاویه و طلحه و زبیر حکومتش بر هم خورده و وحدت اسلامی متلاشی خواهد شد ولی در عین حال دست به این کار اسلامی و انقلابی زد. ۳ - حضرت زهرا علیها السلام با آنکه می‌دانستند که امت اسلامی بعد از وفات پدرش از هر طرف مورد تعرض است، از طرفی روم شرقی که تا پشت مرزهای اسلامی پیش آمده بود و از طرفی دیگر مردم کشور پهناور ایران آن زمان هنوز اسلام نیاورده و پادشاه آن، نامه رسول خدا صلی الله علیه و آله را پاره نموده است. و نیز یهود و ستون پنجم دشمن یعنی منافقان داخلی در صدد ضربه زدن به اسلام بودند و مردم نیز تازه مسلمان شده‌اند ولی در عین حال فاطمه زهرا علیها السلام با این که بهترین حالت را برای زن مواجه نشدن با مرد نامحرم می‌داند چنان مطلب را مهم دیده که از خانه به سوی مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌آید و با ابوبکر محاجه می‌کند و به دفاع از حق شوهر برمی‌خیزد. ۴ - کاری که امام حسین علیه السلام کرد و بعد از واقعه عاشورا چه نهضت‌ها و قیام‌هایی را در جامعه به راه انداخت همگی توجیه‌گر این نکته است که هنگام تعارض بین بیان و مسأله وحدت اسلامی، بیان حق مهم مقدم است.

علم پیامبر صلی الله علیه و آله به اختلاف امت اسلامی

از ظاهر آیات و روایات استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله از اختلاف امت اسلامی بعد از وفات خود اطلاع داشته است؛ ۱ - خداوند متعال در باره پیامبر خود می‌فرماید: «عَلِمَ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا» (۱۸۳) «دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی‌سازد»، پس به طور حتم، پیامبر صلی الله علیه و آله از اتفاقی که بعد از او بر سر مسأله خلافت افتاد اطلاع داشته است. ۲ - ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «افترقت اليهود علی احدی - او اثنین - و سبعین فرقه، و

تفرقت النصارى على احدى - او اثنین - و سبعین فرقه، و تفرقت امتی علی ثلاث و سبعین فرقه؛ (۱۸۴) «یهود بر هفتاد و یک یا هفتاد و دو فرقه متفرق شدند، و نصارا بر هفتاد و یک و یا هفتاد و دو فرقه تقسیم شدند، و امت من بر هفتاد و سه دسته متفرق می‌گردند».

توجیه کلام حضرت هارون علیه السلام

برخی می‌گویند: حضرت موسی علیه السلام بعد از بازگشت از کوه طور چون مشاهده کرد که عده‌ای از قومش گوساله پرست شده‌اند به برادرش هارون فرمود: «یا هارونُ ما منعکَ إذِ رأیتَهُمْ ضَلُّوا أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي؟» (۱۸۵) «ای هارون! چرا هنگامی که دیدی آن‌ها گمراه شدند... از من پیروی نکردی؟! آیا فرمان مرا عصیان نمودی؟!» هارون در جواب حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: «يَبْنَؤُمْ لَّا تَأْخُذُ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» (۱۸۶) «ای فرزند مادرم! [= ای برادر!] ریش و سر مرا مگیر! من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا به کار نبستی!» و این در حالی است که خداوند متعال خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «يَأَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (۱۸۷) «ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند». سؤال این است که چگونه خداوند متعال به پیامبرش تأکید می‌کند هر طور که شده ولو در امت اختلاف می‌افتد تو باید امر ولایت حضرت علی علیه السلام را ابلاغ کنی ولی وقتی حضرت هارون علیه السلام از حضرت موسی علیه السلام عذر می‌خواهد و می‌گوید: «إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» حضرت موسی علیه السلام سکوت می‌کند و چیزی نمی‌گوید؟! پاسخ: در جمع بین این دو آیه می‌گوییم: به طور حتم حضرت هارون علیه السلام به وظیفه نهی از منکر قولی نسبت به پرستش گوساله سامری اقدام کرده است ولی حضرت موسی علیه السلام از او شدت عمل خواسته بود، که هارون در جواب او این عبارت را گفته است: «إِنِّي خَشِيتُ...»، و خداوند متعال از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز همین مرتبه یعنی مرتبه گفتن حق را خواسته است نه اقدام عملی. لذا امام خمینی قدس سره فرموده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در عینی که برایش مشکل بود که حضرت علی علیه السلام را معرفی کند و راه هدایت را به مردم بگوید، برای این که می‌دید ممکن است یک وقت اختلاف بشود، مع ذلک خدا الزامش کرد که باید بگویی و اگر نگویی کاری نکردی». (۱۸۸)

رجوع به خدا و رسول هنگام اختلاف در جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله

خداوند متعال می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (۱۸۹) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر [= اوصیای پیامبر] را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آن‌ها داوری بطلبید)». و نیز می‌فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَمَّا تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَادْعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (۱۹۰) «و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است!» از این آیات استفاده می‌شود که مرجع هنگام اختلاف در مسائل و موضوعات خارجی که از آن جمله تعیین امام و جانشین بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد رجوع به خدا و رسول است که از این طریق، اختلاف از بین مردم برطرف خواهد شد.

ضرورت بیان حقایق

خداوند متعال می‌فرماید: «فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ»؛ (۱۹۱) «با این حال، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟! و از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «عَلَىٰ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ»؛ (۱۹۲) «علی با حق، و حق با علی است». از آنجا که مخالف ممکن است بگوید ما منکر فضائل امام علی علیه السلام نیستیم ولی بزرگان ما نیز دارای فضائل بوده‌اند و اثبات شیئی نفی ماعدا نمی‌کند؟ لذا باید هم اشاره به مقام و فضایل به حق امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام نماییم و هم اشاره به مطاعن دشمنان آن حضرت علیه السلام از کتاب‌های اهل سنت کنیم. و لذا حضرت هود علیه السلام در بحث با قوم خود می‌فرماید: «وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ»؛ (۱۹۳) «(ما) به سوی (قوم) عاد، برادرشان «هود» را فرستادیم؛ (به آن‌ها) گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! شما فقط تهمت می‌زنید (و بتها را شریک او می‌خوانید)!» رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مثل اهل بیتی کسفینة نوح من رکبها نجی و من تخلف عنها غرق»؛ (۱۹۴) «مثل اهل بیتم همانند کشتی نوح است؛ هر کس سوار بر آن شد نجات یافت و هر کس از آن تخلف نمود غرق شد». و نیز می‌فرماید: «أَنْتِ تَارِكٌ فِیْکُمُ الثَّقَلِیْنِ کِتَابَ اللَّهِ وَ عِترتی ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا بعدی ابداً»؛ (۱۹۵) «همانا در میان شما دو چیز گرانبها گذاشتم یکی کتاب خدا و دیگری عترتم که اگر به آن دو تمسک کنید هرگز بعد از من گمراه نمی‌شوید». و از امام علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «حَقٌّ وَ باطل و لکلّ اهل»؛ (۱۹۶) «حقی است و باطلی و برای آن دو اهلی است».

حرمت کتمان حقایق

شکی نیست که در قرآن کریم در مورد ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام علی‌الخصوص علی علیه السلام، آیات فراوانی آمده است. این آیات گرچه به طور صراحت نامی در آن‌ها از اهل بیت علیهم السلام نیامده ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این آیات را بر ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام تطبیق کرده است، و می‌دانیم که وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله بیان احکام است آنجا که خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»؛ (۱۹۷) «و ما این ذکر [= قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آن‌ها روشن سازی». پس وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله تبیین آیات است و اگر در قرآن سخن از آیات بینات است از آن جهت می‌باشد که توسط آن حضرت تبیین شده است. و می‌دانیم هر کس که آیات بیان شده از ناحیه پیامبر صلی الله علیه و آله را کتمان کند مشمول لعنت خواهد بود. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ»؛ (۱۹۸) «کسانی که دلایل روشن، و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آن‌ها را لعنت می‌کند؛ و همه لعن کنندگان نیز، آن‌ها را لعن می‌کنند». و این که در این آیات، بیان به صورت متکلم مع الغیر آمده شاید به این جهت باشد که خداوند با همکاری پیامبر صلی الله علیه و آله هدایت را برای مردم به عهده گرفته است. و بدین جهت است که پیامبر صلی الله علیه و آله مطابق نصّ صحیح به اعتراف اهل سنت همچون البانی در «سلسله الاحادیث الصحیحة» بعد از آنکه ولایت حضرت علی علیه السلام را ابلاغ کرد فرمود: «اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَالَاهِ وَ عَادَ مِنْ عَادَاهِ وَ انصُرْ مِنْ نصره و اخذلْ مِنْ خذلْ»؛ «بارخدا یا! هر کس که ولایت او را پذیرفت او را دوست بدار و هر کس که چنین نکرد او را دشمن بدار، و هر کس که او را یاری کرد، نصرت کن، و هر کس که او را خوار نمود، ذلیل فرما». پس هر کس که ولایت علی علیه السلام را کتمان کرده و آن را ابلاغ نکند از جانب خداوند خوار خواهد شد. این مطلب قابل توجه است که نصرت حضرت علی علیه السلام مخصوص به زمان حیات آن حضرت نیست بلکه همه ما می‌توانیم به نوعی یاری کننده او باشیم به این نحو که مردم را به ولایت و امامت و رهبری و مرجعیت دینی او دعوت کنیم خصوصاً کسانی که از آن اطلاعی ندارند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ (۱۹۹) «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آنکه

نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آن‌ها عذاب عظیمی دارند».

امام علی علیه السلام و دعوت به اهل بیت علیهم السلام

از ظاهر روایات استفاده می‌شود که اهل بیت علیهم السلام خصوصاً امام علی علیه السلام دعوت به خود که محور حق بوده‌اند نموده است؛ ۱- امام علی علیه السلام در توصیف عترت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «فاین تذهبون و انی توفکون و الأعلام قائمه و الآیات واضحه و المنار منصوبه فاین یتاه بکم و کیف تعمهون و بینکم عتره نبیکم و هم ازمه الحق و اعلام الدین و ألسنه الصدق»؛ (۲۰۰) «مردم کجا می‌روید؟ چرا از حق منحرف می‌شوید؟ پرچم‌های حق بر پاست، و نشانه‌های آن آشکار است، با این که چراغ‌های هدایت روشن‌گر راه‌اند، چون گمراهان به کجا می‌روید؟ چرا سرگردان هستید؟ در حالی که عترت پیامبر صلی الله علیه و آله شما در میان شماست. آنان زمام‌داران حق‌ند، پیشوایان دین، و زبان‌های راستی و راست گویانند». ۲- و نیز می‌فرماید: «انظروا اهل بیت نبیکم فالزموا سمعتم و اتبعوا اثرهم فلن یخرجوکم من هدی و لن یعیدوکم فی ردی، فان لبدوا فالبدوا و ان نهضوا فانهضوا و لاتسبقوهم فتضلوا و لاتأخروا عنهم فتهلکوا»؛ (۲۰۱) «مردم! به اهل بیت پیامبرتان بنگرید از آن سو که گام برمی‌دارند گام را به جای گام آنان بگذارید، آنان شما را از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید و اگر قیام کردند، بپا خیزید. از آنان پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب نمانید که نابود می‌گردید». ۳- و نیز می‌فرماید: «نحن الشعار و الأصحاب و الخزنة و الابواب و لاتوتی البیوت الا من ابوابها فمن أتاها من غیر ابوابها سمی سارقاً»؛ (۲۰۲) «مردم! ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله چونان پیراهن تن او و یاران راستین او خزانه داران علوم و معارف وحی و درهای ورود به آن معارف، می‌باشیم، که جز از در، هیچ کس به خانه‌ها وارد نخواهد شد. و هر کس از در به خانه وارد نشود دزد نامیده می‌شود». ۴- و نیز می‌فرماید: «این الذین زعموا أنهم الراسخون فی العلم دوننا کذباً و بغیاً علینا ان رفعنا الله و وضعهم و اعطانا و حرهم و ادخلنا و اخرجهم، بنا یستعطی الهدی و یستجلی العمی»؛ (۲۰۳) «کجایند کسانی که پنداشتند دانایان علم قرآن آنان می‌باشند نه ما؟ که این ادعا را بر اساس دروغ و ستمکاری بر ضد ما روا داشتند. خدا ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را بالا آورد و آنان را پست و خوار کرد، به ما عطا فرمود و آنها را محروم ساخت، ما را در حریم نعمت‌های خویش داخل و آنان را خارج کرد، که راه هدایت را با راهنمایی ما می‌پویند و روشنی دل‌های کور از ما می‌جویند».

غدیر، محور انسجام حقیقی

در دهمین سال هجرت، رسول خدا صلی الله علیه و آله قصد زیارت خانه خدا را نمودند، فرمان حضرت مبنی بر اجتماع مسلمانان، در میان قبایل مختلف و طوایف اطراف، اعلان شد، گروه عظیمی برای انجام تکلیف الهی (ادای مناسک حج) و پیروی از تعلیمات آن حضرت، به مدینه آمدند. این تنها حجی بود که پیامبر بعد از مهاجرت به مدینه، انجام می‌داد، که با نام‌های متعدد، در تاریخ ثبت شده است؛ از قبیل: حجّه الوداع، حجّه الاسلام، حجّه البلاغ، حجّه الکمال و حجّه التمام. رسول خدا صلی الله علیه و آله غسل کردند، دو جامه ساده احرام، با خود برداشتند: یکی را به کمر بسته و دیگری را به دوش مبارک انداختند، و روز شنبه، ۲۴ یا ۲۵ ذی‌قعدة، به قصد حج، پیاده از مدینه خارج شدند. تمامی زنان و اهل حرم خود را نیز، در هودج‌ها قرار دادند. با همه اهل بیت خود و به اتفاق تمام مهاجران و انصار و قبایل عرب و گروه بزرگی از مردم، حرکت کردند. (۲۰۴) بسیاری از مردم به علت شیوع بیماری آبله از عزیمت و شرکت در این سفر باز ماندند با وجود این، گروه بی‌شماری با آن حضرت، همراه شدند. تعداد شرکت‌کننده‌ها را، ۱۱۴ هزار، ۱۲۰ تا ۱۲۴ هزار و بیشتر، ثبت کرده‌اند؛ البته تعداد کسانی که در مکه بوده، و گروهی هم که با علی علیه السلام و ابوموسی اشعری از یمن آمدند، به این تعداد افزوده می‌شود. بعد از انجام مراسم حج، پیامبر صلی الله علیه و آله با آن جمعیت کثیر، آهنگ

بازگشت به مدینه کردند. هنگامی که به غدیر خم رسیدند، جبرئیل امین، فرود آمد و از جانب خدای متعال، این آیه را آورد: «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...» (۲۰۵) «ای رسول ما! آنچه از جانب پروردگارت به تو نازل شده به مردم ابلاغ کن.» جحفه، منزلگاهی است که راه‌های متعدد، از آنجا منشعب می‌شود. ورود پیامبر و یارانش به آنجا، در روز پنج‌شنبه، هجده ذی‌الحجه صورت گرفت. امین وحی، از طرف خداوند به پیامبر امر کرد تا علی علیه السلام را ولی و امام معرفی کرده و وجوب پیروی و اطاعت از او را به خلق ابلاغ کند. آنان که در دنبال قافله بودند، رسیدند، و کسانی که از آن مکان عبور کرده بودند، باز گشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود خار و خاشاک آنجا را برطرف کنند. هوا به شدت گرم بود، مردم قسمتی از ردای خود را بر سر و قسمتی را زیر پا افکندند و برای آسایش پیامبر، چادری تهیه کردند. اذان ظهر گفته شد و پیامبر، نماز ظهر را با همراهان، ادا کردند. بعد از پایان نماز، از جهاز شتر، محل مرتفعی ترتیب دادند. پیامبر با صدای بلند، همگان را متوجه ساخت و خطبه را این‌گونه آغاز فرمود: «حمد، مخصوص خداست، یاری از او می‌خواهیم، به او ایمان داریم، و توکل ما بر اوست. از بدی‌های خود و اعمال نادرست به او پناه می‌بریم. گمراهان را جز او، پناهی نیست. آن کس را که او راهنمایی فرموده گمراه کننده‌ای نخواهد بود. گواهی می‌دهم معبودی جز او نیست و محمد بنده و فرستاده اوست. پس از ستایش خداوند و گواهی به یگانگی او فرمود: ای گروه مردم! خداوند مهربان و دانا مرا آگاهی داده که دوران عمرم به سر آمده است. هر چه زودتر دعوت خدا را اجابت و به سرای باقی خواهم شتافت. من و شما هر کدام برحسب آنچه بر عهده داریم، مسئولیم. اینک اندیشه و گفتار شما چیست؟ مردم گفتند: «ما گواهی می‌دهیم که تو پیام خدا را ابلاغ کردی و از بند دادن ما و کوشش در راه وظیفه، دریغ نمودی، خدای به تو پاداش نیک عطا فرماید!» سپس فرمود: «آیا به یگانگی خداوند و این که محمد بنده و فرستاده اوست، گواهی می‌دهید؟ و این که بهشت و دوزخ و مرگ و قیامت تردید ناپذیر است و این که مردگان را خدا بر می‌انگیزد، و این‌ها همه راست و مورد اعتقاد شما است؟» همگان گفتند: «آری! به این حقایق، گواهی می‌دهیم.» پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «خداوند! گواه باش.» پس، با تأکید فرمود: «همانا من در انتقال به سرای دیگر و رسیدن به کنار حوض، بر شما سبقت خواهم گرفت و شما در کنار حوض بر من وارد می‌شوید؛ پهنای حوض من به مانند مسافت بین «صنعا» و «بصری» است، در آنجا به شماره ستارگان، قدح‌ها و جام‌های سیمین، وجود دارد. بیندیشید و مواظب باشید، که من پس از خودم دو چیز گران‌بها و ارجمند در میان شما می‌گذارم، چگونه رفتار می‌کنید؟» در این موقع، مردم بانگ برآوردند: یا رسول الله! آن دو چیز گران‌بها چیست؟ فرمود: «آنچه بزرگ‌تر است کتاب خداست، که یک طرف آن در دست خدا و طرف دیگر آن، در دست شماست. بنابراین آن را محکم بگیرید و از دست ندهید تا گمراه نشوید. آنچه کوچک‌تر است، عترت من می‌باشد. همانا، خدای دانا و مهربان، مرا آگاه ساخت، که این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد، تا در کنار حوض بر من وارد شوند؛ من این امر را از خدای خود، درخواست نموده‌ام، بنابراین بر آن دو پیشی نگیرید و از پیروی آن دو باز نایستید و کوتاهی نکنید، که هلاک خواهید شد.» سپس دست علی علیه السلام را گرفت و او را بلند نمود، به حدی که سفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد. مردم او را دیدند و شناختند. رسول الله صلی الله علیه و آله این‌گونه ادامه داد: «ای مردم! کیست که بر اهل ایمان از خود آن‌ها سزاوارتر باشد؟» مردم گفتند: «خدای و رسولش داناترند.» فرمود: «همانا خدا مولای من است و من مولای مؤمنین هستم و بر آن‌ها از خودشان اولی و سزاوارترم. پس هر کس که من مولای اویم، علی مولای او خواهد بود.» و بنا به گفته احمد بن حنبل (پیشوای حنبلی‌ها)، پیامبر این جمله را چهار بار تکرار نمود. سپس دست به دعا گشود و گفت: «بارخدا! دوست بدار، آن که او را دوست دارد و دشمن بدار آن که او را دشمن دارد. یاری فرما یاران او را و خوارکنندگان او را خوارگردان. او را معیار، میزان و محور حق و راستی قرار ده.» آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «باید آنان که حاضرند، این امر را به غایبان برسانند و ابلاغ کنند.» قبل از پراکنده شدن جمعیت، امین وحی، این آیه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل نمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۲۰۶) «امروز دین شما را کامل

نمودم و نعمت را بر شما تمام کردم و دین اسلام را برای شما پسندیدم». در این موقع پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اللّه اکبر، بر اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی خدا به رسالت من و ولایت علی علیه السلام بعد از من.» جمعیت حاضر، از جمله بعضی از بزرگان حاضر که بعداً خلافت را از آن خود دانسته به امیرالمؤمنین، این گونه تهنیت گفتند: «مبارک باد! مبارک باد! بر تو ای پسر ابی طالب که مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمن گشتی.» (۲۰۷) ابن عباس گفت: «به خدا سوگند، ولایت علی علیه السلام بر همه واجب گشت.» حسّان بن ثابت گفت: «یا رسول الله! اجازه فرما تا درباره علی علیه السلام اشعاری بسرایم» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بگو با میمنت و برکت الهی.» در این هنگام، حسّان برخاست و چنین گفت: «ای گروه بزرگان قریش! در محضر پیامبر اسلام، اشعار و گفتار خود را درباره ولایت، که مسلم گشت بیان می‌نمایم.» و این گونه اشعار خود را سرود: ینادیهیم یوم الغدیر نییهیم بخم فاسمع بالرسول منادیا (۲۰۸) «ندا داد در روز غدیر خم پیامبرشان، پس به ندای رسول گوش فرا دهید.» تا آخر اشعار. اجمالی از واقعه غدیر را که همه امت اسلامی، بر وقوع آن اتفاق دارند، بیان نمودیم. شایان ذکر است که در هیچ جای جهان، واقعه و داستانی به این نام و نشان و خصوصیات، ذکر نشده است.

طرح غدیر، در راستای انسجام اسلامی

برخی می‌گویند بحث از خلافت و امامت امام علی علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت و سخن از غدیر خم بی فایده است و لذا نباید این گونه مسائل در این عصر و زمان مطرح شود. آنان می‌گویند: «بسیاری از اختلافات در عصر ما بی مورد و سالبه به انتفای موضوع است و باید بسیاری از مسائل را به دست فراموشی سپرد و در روش بحث و مناظره و طرح مسائل مورد اختلاف، تجدید نظر کرد.» (۲۰۹) آنان می‌گویند: «ما نباید در این زمان نبش قبر کنیم و مسائل اختلافی مرده را زنده کنیم و آن را مطرح سازیم.» (۲۱۰) و نیز می‌گویند: «... مسلمین نباید از اختلاف سران خود در چهارده قرن پیش سخن به میان آورند تا چه رسد به اختلافی که بعداً در میان آن‌ها پیدا شده است.» (۲۱۱) در پاسخ آنها می‌گوییم: یکی از امتیازات ادیان این است که اگر هدفی عالی را برای انسان مشخص کرده، راه رسیدن به آن را نیز ترسیم می‌کنند و الگو و نمونه‌ای را نیز برای آن مشخص می‌نمایند تا با در نظر گرفتن سیره عملی او، و اقتدا و پیروی از او، انسان‌ها بهتر بتوانند به سر منزل مقصود برسند؛ زیرا طبق نظر روان‌شناسان و روان‌کاوان، با الگوی کامل، بهتر می‌توان انسان‌ها را به حق و حقیقت و هدف راهنمایی کرد. خداوند متعال، پیامبر اسلام را الگوی خوبی برای مسلمین معرفی کرده، می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ (۲۱۲) «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست.» باید دانست که موقعیت‌ها و مواقفی بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پدید آمد که هرگز در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله پدید نیامده بود، تا آن حضرت صلی الله علیه و آله را در آن مواقف الگو قرار دهیم، از آن جمله اتفاقی بود که در عصر امام حسین علیه السلام پدید آمد، که شخصی به اسم اسلام ولی بر ضد اسلام به نام یزید، حاکم بر کشورهای اسلام شد، در این هنگامه چه کسی شایستگی الگو شدن را دارد؟ در آن وقت تنها کسی که بهترین الگو را تا روز قیامت به جامعه انسانی عرضه کرد امام حسین علیه السلام بود. این الگو برای جامعه شیعه و پیروان اهل بیت علیهم السلام است، که اهل سنت چنین الگویی ندارند. بحث از غدیر و خلافت بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اگر چه از جهتی تاریخی است، ولی همین تاریخ صدر اسلام است که انسان ساز است. بحث از غدیر بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در حقیقت بحث از این موضوع است که امام باید قابلیت امامت داشته باشد و از جانب خداوند منصوب گردد. بحث از این که امام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسی بوده، در حقیقت بحث از این است که چه کسی باید تا روز قیامت برای جامعه اسلامی، بلکه جامعه بشریت الگو باشد؛ آیا مثل علی علیه السلام الگو باشد که جامع همه صفات کمال است؛ در شجاعت، عدالت، سخاوت، عبادت، زهد، تقوا، فروتنی، و دیگر صفات که نظیر نداشت، یا اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله الگو باشد که به قول عبدالکریم خطیب، نویسنده مصری؛ هیچ موقفی در هیچ جنگی

نداشته است؟ امت اسلامی احتیاج به الگوهایی جامع در بین بزرگان صدر اسلام دارد، که بتوانند محرک آنان تا روز قیامت باشند. و مردم با خواندن مواقف و فضایل و کمالاتشان در راه آنان قرار گرفته، به حق و حقیقت نزدیک شوند. مگر نه این است که ماهاتما گاندی به عنوان الگو و نمونه ضد استعمار در شبه قاره هند مطرح است؟ مگر نه این است که دهقان فداکار به عنوان الگوی فداکاری و از خود گذشتگی در کتاب‌های کودکان مطرح می‌شود، تا از ابتدا کودکان با ترسیم موقعیت او در روح و روان و ذهنشان فداکار بار آیند. چرا امت اسلامی در خواب است در حالی که دشمنان اسلام و مسلمانان بر بلاد آنان غلبه و سیطره پیدا کرده و دین و منابع مادی آنان را به غارت می‌برد؟ مگر خداوند متعال در قرآن کریم نمی‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ (۲۱۳) «و خداوند هرگز بر مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] اقرار نداده است.» مگر پیامبر صلی الله علیه و آله نفرموده است: «الإسلام يَغْلُو ولا يُعْلَى عليه»؛ (۲۱۴) «اسلام بر هر دینی برتری دارد و هیچ دینی بر او علو و برتری ندارد.» چرا مسلمانان باید در خدمت به استعمار، حتی بر ضد بلاد دیگر اسلامی سبقت گرفته و مسابقه دهند؟ چرا باید یک کشور اسلامی به خاطر خوش خدمتی به استعمار؛ به خاطر اشغال یکی از بلاد اسلامی به اشغالگر مدال افتخار عطا کند؟ چرا در خوابیم؟ چرا غافلیم؟ کدام کشوری می‌توانست هشت سال جنگ را که از سوی استکبار و استعمار تحمیل شده بود، از همان اوایل پیروزی انقلابش تحمل کند و در نهایت، سرفراز از جنگ بیرون آید؟ آیا غیر از داشتن الگوهایی همچون حسین علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود؟ آیا به غیر از داشتن الگویی همچون ابوالفضل العباس علیه السلام و زینب کبری علیها السلام بود؟ این ادعا از من نیست که یک نفر شیعی هستم، بلکه این ادعای افراد و شخصیت‌های بزرگ سیاسی و انقلابی برخی از کشورهای اسلامی است، که از بی تحرکی امتشان رنج می‌برند. در قضیه فلسطین متأسفانه شاهد بوده و هستیم که برخی از کشورهای اسلامی از خود هیچ گونه تحرکی نشان ندادند، حتی در سطح یک راهپیمایی، که در حقیقت به نفع خودشان بود؛ زیرا اسرائیل چشم طمع به تمام کشورهای اسلامی دوخته است، ولی گویا که هیچ اتفاقی برای ملت فلسطین که هم نوع و هم دین آنان است، نیفتاده است و آنان همانند پرنده‌ای که سر به زیر برف کرده و شکارچی را نمی‌بیند و می‌گوید دشمن وجود ندارد، مشغول عیش و نوش خود هستند، اما زهی غفلت که یک مرتبه دشمن بر بالای سر آنان آمده و همه را شکار کرده و نابود کند ولی ملت مسلمان شیعه دوازده امامی با پیروزی بر استکبار، به فکر تمام ملت‌های اسلامی است، و از فلسطین و افغانستان و چین و عراق گرفته تا بوسنی و سایر ملت‌های مسلمان در صدد یاری رساندن به آنان از هر طریق ممکن بر آمده است؛ اگر چه در این راه بهای سنگینی را پرداخته است. این‌ها نیست مگر آن که شیعه امامی الگوهایی دارد که برای او درس‌هایی تا پایان تاریخ به یادگار گذاشته است. شیعه الگویی مثل علی علیه السلام دارد که معتقد است اگر به خاطر ربودن خلخال از پای زن یهودی در کشور اسلامی، انسان بمیرد جا دارد. شیعه الگویی دارد مثل حسین بن علی علیه السلام که می‌گوید: «نه ظلم کن به کسی نه به زیر ظلم برو». کسی که می‌گوید: «هیئات منّا الذله». کسی که می‌گوید: «مرگ سرخ به از زندگی ننگین است». کسی که معتقد است به خاطر امر به معروف و نهی از منکر گاهی جان باید داد. بحث از غدیر در این زمان در حقیقت بحث از این الگوهاست. بحث از غدیر در حقیقت بحث از الگو در تمام زمینه‌هاست؛ در زمینه عبادت، نظام خانواده، وظایف فردی و اجتماعی، و... این الگوها هستند که آینده انسان را ترسیم کرده و رقم می‌زنند. فرزند خردسالی که از کودکی پرچم «هیئات منّا الذله» را بر پیشانی می‌بندد و در مجالس امام حسین علیه السلام شرکت کرده، او را الگوی خود می‌بیند، هرگز در سنین بالاتر زیر بار ذلت نمی‌رود؛ همان گونه که مولایش حسین علیه السلام چنین بود. انسان الگو را نصب العین خود قرار می‌دهد، تا به او اقتدا کرده و به او نزدیک شود، نزدیکی به او همان، و نزدیک شدن به خدا همان، پس چه بهتر که در الگو، بهترین‌ها انتخاب شوند، آنانی که در طول عمر خود هرگز گناهی انجام نداده و هرگز خطا و اشتباهی از آنان سر نزده است. امام حقیقتی است که برای انسان حق را از باطل، نیک را از بد، مضر را از مفید تمییز می‌دهد. و با ارتباط به خط غدیر است که راه انسان از هر یک از دو طرف جدا می‌شود. اگر من پیرو حسین بن علی باشم هرگز دست بیعت به حاکم فاسق و

فاجر نمی‌دهم، ولی اگر پیرو فردی مانند عبدالله بن عمر باشم، حاضرم حتی با پای حجاج بن یوسف ثقفی آن خون‌خوار معروف تاریخ هم بیعت کنم، همان‌گونه که احمد بن حنبل با الگو قرار دادن عبدالله بن عمر، با متوکل بیعت کرد. امامت است که معیارها و شعارها را مشخص می‌کند. پس بحث از «امامت» و «غدیر» بحثی تاریخی و بی‌ثمر و عقیم نیست، بحث روز است، بحثی است زنده که حیات جامعه اسلامی، بلکه جامعه بشری به آن وابسته است. غدیر امری است که با حقیقت و شالوده و روح انسانی ارتباط دارد. غدیر مسیر و آینده انسان را روشن می‌کند، غدیر مربوط به دنیا و آخرت انسان است، غدیر حقیقتی است که در جای جای زندگی انسان تأثیرگذار است. یکی از اندیشمندان می‌فرماید: «هرگاه دیده می‌شود که برخی از جوانان ساده لوح و احیاناً فریب خورده موضوع وحدت اسلامی را پیراهن عثمان کرده و کوشش‌های علمی حقیقت‌طلبان را به باد انتقاد می‌گیرند و می‌گویند: بحث درباره خلافت ابوبکر و علی علیه السلام و این که جانشینی از آن کدام بوده است از بحث‌های غیرمفید و بی‌ثمر می‌باشد... دارندگان این اندیشه از نتایج درخشان این بحث غفلت ورزیده و لذا آن را یک نوع بحث غیر مهم و احیاناً بی‌فایده و یا خاری بر سر راه وحدت اسلامی اندیشیده‌اند، ولی ما فکر می‌کنیم که این اندیشه جز غفلت از فلسفه امام‌شناسی ریشه دیگری ندارد و از یک نوع سستی زدگی یا وهابی مآبی سرچشمه می‌گیرد...» (۲۱۵) ایشان نیز می‌فرماید: «... هر نوع بحثی که با واقع بینی خاصی، دور از تعصب‌های کور و کر، متکی بر مدارک اصیل اسلامی که مورد اتفاق طرفین است، انجام گیرد و افق‌های تاریک از عقاید اسلامی و حدیث و فقه را روشن سازد، نهایت آرمان اسلامی است که قرآن ما را به آن دعوت می‌کند. مگر قرآن ما را به تدبّر در آیات و بهره‌گیری از عقل و خرد دعوت نمی‌کند؟ گروهی که بحث در مسایل اختلافی را تحریم می‌کنند و نویسندگان این مسائل را عوامل اختلاف انداز و شکاف آفرین قلمداد می‌نمایند باید متوجه گردند که پیروی از چنین طرحی سبب می‌شود که قسمتی از آیات قرآن و احادیث پیامبر و بخش اعظم تاریخ اسلام به دست فراموشی سپرده شود، نه کسی آن‌ها را تفسیر کند، نه درباره آن بررسی به عمل آورد، و نه در بسیاری از حوادث اسلامی پرده‌ها بالا رود... خلاصه: از دو نظر باید مسائل عقیدتی که بنیاد فکری هر مذهبی را تشکیل می‌دهد مطرح گردند: ۱- اتحاد و وحدت فرع شناسایی قدر مشترک‌ها و موارد اختلاف است، و وحدت‌های کورکورانه بدون شناسایی چنین موارد، یک اتحاد سطحی بوده و دیری نمی‌پاید. ۲- از آن جا که به صحت و استواری مکتب خود عقیده مندیم، فرزندان ما باید با خصوصیات این مکتب آشنا گردند و آن را با دلیل و منطق فراگیرند و از تقلید در عقائد پرهیزند، در این صورت برای فراگرفتن این افراد هم که باشد باید مسائل مورد اختلاف را طرح و بررسی کنیم و مکتب خود را به اخلاف و جانشینان خود بیاموزیم و گرنه مکتب به دست فراموشی سپرده می‌شود و جز نام بی‌مسئایبی از آن باقی نمی‌ماند. هر نوع بحث به گونه یادشده نه تنها زیانبخش و اختلاف آفرین نخواهد بود، بلکه گاهی در راه وحدت اسلامی و یکپارچگی جامعه مسلمانان محسوب خواهد شد...» (۲۱۶) آیت الله شهید مطهری قدس سره درباره وحدت حقیقی در سایه بحث از مبانی تشیع درباره کتاب «الغدیر» می‌فرماید: «نقش مثبت (الغدیر) در وحدت اسلامی از این نظر است که اولاً: منطق مستدل شیعه را مشخص می‌کند و ثابت می‌کند که گرایش در حدود صد میلیون مسلمان به تشیع - برخلاف تبلیغات زهرآگین عده‌ای - مولود جریان‌های سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است، بلکه یک منطق قوی متکی بر قرآن و سنت موجب این گرایش شده است. ثانیاً: ثابت می‌کند که پاره‌ای اتهامات به شیعه - که سبب فاصله گرفتن مسلمانان دیگر از شیعه شده است - از قبیل این که شیعه، غیر مسلمانان را بر مسلمان غیرشیعه ترجیح می‌دهد و از شکست مسلمانان غیرشیعه از غیرمسلمانان شادمان می‌گردد، از قبیل این که شیعه به جای حج به زیارت ائمه می‌رود، یا در نماز چنین می‌کند، و در ازدواج موقت چنان، به کلی بی‌اساس و دروغ است. ثالثاً: شخص شخص مشخص امیرالمؤمنین علیه السلام را که مظلوم‌ترین و مجهول‌ترین شخصیت بزرگ اسلامی است و می‌تواند مقتدای عموم مسلمین واقع شود و همچنین ذریه اظهارش را به جهان اسلام معرفی می‌کند.» (۲۱۷)

توضیح

برخی از علمای اهل سنت تا حدودی انصاف به خرج داده و دلالت حدیث را بر امامت و سرپرستی حضرت امیر علیه السلام قبول کرده‌اند، گرچه از طرفی دیگر در صدد توجیه آن برمی‌آیند. اینک به اسامی برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - محمد بن محمد غزالی

او بعد از نقل حدیث غدیر می‌گوید: «این، تسلیم و رضایت و تحکیم است. ولی بعد از این واقعه هوا و هوس به جهت حب ریاست و به دست گرفتن عمود خلافت و ... بر آنان غلبه کرد... و لذا به اختلافات دامن زده دستورات اسلام را به پشت سر خود انداختند و با پول اندکی آن را معامله کردند، پس چه بد معامله‌ای انجام دادند». (۲۱۸) همین مطلب را سبط بن جوزی از غزالی نقل کرده است. (۲۱۹)

۲ - محمد بن طلحه شافعی

او می‌گوید: «... و لیعلم انّ هذا الحدیث هو من اسرار قوله تعالى في آية المباهلة «فَقُلْ تَعَالَوْا...» والمراد نفس عليّ ماتقدم؛ فانّ الله جلّ وعلا - لما قرن بين نفس رسول الله صلى الله عليه وآله وبين نفس عليّ وجمعهما بضمير مضاف الى رسول الله صلى الله عليه وآله اثبت رسول الله صلى الله عليه وآله لنفس عليّ بهذا الحدیث ما هو ثابت لنفسه على المؤمنين عموماً، فانه اولى بالمؤمنين وناصر المؤمنين وسيد المؤمنين. وكلّ معنى امکن اثباته ممّا دلّ عليه لفظ المولى لرسول الله صلى الله عليه وآله فقد جعله لعلی علیه السلام وهی مرتبه سامیه و منزله شاهقه و درجه عالیّه و مکانه رفیعّه، خصّه بها دون غیره، فلهدا صار ذلك اليوم عيد و موسم سرور لأولیائه؛ (۲۲۰) «... باید دانسته شود که این حدیث - حدیث غدیر - از اسرار قول خداوند متعال در آیه مباهله است؛ «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ». و مراد نفس، علی علیه السلام است آن گونه که گذشت؛ زیرا خداوند جلّ و علا چون مقارنت (کنار هم بودن) بین نفس رسول خدا و بین نفس علی علیه السلام انداخته و آن دو را با هم یکی دانسته، لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله در این حدیث هر آنچه برای خودش نسبت به مؤمنین ثابت است برای حضرت علی علیه السلام نیز ثابت کرده است. پیامبر صلی الله علیه و آله سزاوارتر به مؤمنین و ناصر و آقای مؤمنین است. هر معنایی که برای رسول خدا اثباتش ممکن است و لفظ «مولى» بر آن دلالت دارد، همان معنا برای حضرت علی علیه السلام ثابت است. و این مرتبه‌ای است عالی و درجه‌ای است بس بزرگ که پیامبر ۹ تنها به حضرت علی علیه السلام اختصاص داده است. و به همین جهت است که روز غدیر خم، عید و موسم سرور اولیای خداست.»

۳ - سبط بن جوزی

او درباره حدیث غدیر می‌گوید: «معناه: من کنت اولی به من نفسه فعلی اولی به ...»؛ (۲۲۱) «معنای آن این است: «هر کس من اولی و سزاوارتر به او هستم پس علی ۷ سزاوارتر به اوست...».

۴ - محمد بن یوسف گنجی شافعی

او می‌گوید: «... لکن حدیث غدیر خم دالّ علی التولیه وهی الاستخلاف»؛ (۲۲۲) «... لکن حدیث غدیر خم دلالت بر تولیه و استخلاف دارد.»

۵ - سعیدالدین فرغانی

او در شرح یک بیت از ابن فارض که می‌گوید: «واضح بالتأویل ما کان مشکلاً علی بعلم ناله بالوصیة می‌نویسد: «در این شعر به این مطلب اشاره شده که علی - کرم الله وجهه - کسی است که مشکلات کتاب و سنت را بیان و واضح خواهد کرد به توسط علمی که به او رسیده است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله او را وصی و قائم مقام خود قرار داد آن هنگام که فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه». (۲۲۳)

۶ - تقی‌الدین مقریزی

او از ابن زولاق نقل می‌کند: «و فی یوم ثمانیة عشر من ذی الحجة سنة ۳۶۲ - و هو یوم الغدیر - یجتمع خلق من اهل مصر والمغاربة ومن تبعهم للدعاء، لانه یوم عید؛ لان رسول الله عهد إلى امیر المؤمنین علی بن ابی طالب فیہ واستخلفه...» (۲۲۴) «در روز هجدهم ذی حجه، سال ۳۶۳ ه. ق که روز غدیر خم است جماعتی از اهل مصر و مغرب زمین و متابعین آن‌ها دور هم جمع می‌شوند و دعا می‌خوانند؛ زیرا آن روز عید است، به جهت آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز عهد کرد به امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و او را خلیفه خود قرار داد...».

۷ - سعدالدین تفتازانی

او در دلالت حدیث غدیر می‌گوید: «(مولی) گاهی به معنای آزاد کننده و گاهی آزاد شده و هم قسم، همسایه، پسر عمو، یاور و سرپرست به کار می‌رود. خداوند متعال می‌فرماید: «مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُم» یعنی اولی بکم. این معنا را ابو عبیده نقل کرده است. و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ایما امرأه أنکحت نفسها بغیر اذن مولاه...»؛ «هر زنی که خودش را بدون اذن مولایش به نکاح در آورد...»، مولی در این حدیث به معنای اولی و سرپرست است. و مثل این معنا برای کلمه «مولی» در شعر بسیار است. و به طور کلی، استعمال کلمه «مولی» به معنای متولی و مالک امر و اولی به تصرف، در کلام عرب شایع است و نیز از بسیاری از بزرگان اهل لغت نقل شده است. و مقصود آن است که کلمه «مولی» اسم برای این معناست، نه این که صفت باشد و به منزله اولی به تصرف، تا اعتراض گردد که این کلمه صیغه اسم تفضیل نیست، و به این معنا استعمال نمی‌شود. و سزاوار است که در حدیث غدیر از کلمه «مولی» همین معنا اراده شود، تا با صدر حدیث مطابقت پیدا کند. به جهت این که با پنج معنای اول مناسب ندارد، و این امری است ظاهر. و نیز با معنای ششم؛ یعنی «ناصر» سازگاری ندارد؛ زیرا معنا ندارد که پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را در آن مکان برای ابلاغ این معنا جمع کرده باشد، این مطلب نیز واضح است...». او در آخر می‌گوید: «ولا خفاء فی انّ الولاية بالناس والتولی والمالکة لتدبیر امرهم والتصرف فیهم بمنزلة النبی وهو معنی الامامة»؛ (۲۲۵) «مخفی نماند که ولایت بر مردم، و سرپرستی و مالکیت تدبیر امر مردم و تصرف در شؤون آنان، همانند منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله با معنای امامت سازگاری دارد.»

برخی از شاعران غدیر از اهل سنت

اشاره

در میان اهل سنت شاعرانی وجود دارد که واقعه غدیر را به شعر در آورده‌اند از قبیل؛

۱ - فرید الدین عطار نیشابوری (۵۱۳ - ۵۸۶ ق)

رونقی کان دین پیغمبر گرفت از امیر مؤمنان حیدر گرفت چون امیر نحل شیر فحل شد ز آهن او سنگ موم نحل شد میر نحل از دست و جان خویش بود ز آنکه علمش نوش و تیغش نیش بود گفت اگر در رویم آید صد سپاه کس نبیند پشت من در حربگاه لافتی الّا علیش از مصطفی است و ز خداوند جهانش هل اتی است از دو دستش لافتی آمد پدید و ز سه قرصش هل اتی آمد پدید آن سه قرص او چو بیرون شد به راه سرنگون آمد دو قرص مهر و ماه چون نبی موسی، علی هارون بود گر برادرشان نگویی چون بود او چون قلب آل یاسین آمدست قلب قرآن یا و سین، زین آمدست قلب قرآن، قلب پر قرآن اوست وال من والاه اندر شأن اوست (۲۲۶) و نیز عطار نیشابوری می گوید: گفت پیغمبر به یاران این سخن پیک ربّ العالمین آمد به من گفت حیدر را خدا این تحفه داد بر همه خلق جهان فضلش نهاد گشت داخل از یقین زوج بتول در ولایت با خداوند و رسول حاکم و میر و ولی خلق شد در ولا با مصطفی هم دلق شد یک روایت خوب از من گوش کن جامی از ساقی کوثر نوش کن نقل دارم از ثقات با صفا آن که روزی حضرت خیر الوری چون که او برگشت از حج الوداع در غدیر خم مکان کرد، آن مطاع جبرئیل از حضرت عزّت رسید نزل از حضرت به پیش او کشید پیش او از پیش حقّ آورد پیک آیه یا ایها بلّغ الیک چون نبی فرمود منبر ساختند از جهاز اشترش افراختند رفت بر منبر رسول از پر دلی بود همراهش در آن منبر علی گفت با اصحاب پیغمبر تمام این کلام خوش ادا و با نظام با شما ای مردمان با وفا نیستم اولی تر از نفس شما؟ جمله گفتند از طریق مهتری تو به ما از نفس ما اولی تری گفت هر کس را منم مولای او پس علی مولای او باشد نکو حیدر از فرمان ربّ کائنات شد ولی بر مؤمنین و مؤمنات هر که را باشم امیر و پیشوا بعد من باشد امیرش مرتضی چون که بشناسید حیدر را مقام نعمت حقّ بر شما آمد تمام آورید ایمان به شاه اولیا حق شود راضی ز اسلام شما هر که دارد در دل خود مهر من مهر حیدر بایدهش در جان و تن چون شما را مهر او در دل شود آن زمان، دین شما کامل شود چون پیمبر کرد این معنا ادا دست خود برداشت از بهر دعا گفت الهی دوستش را دوست گیر دشمنانش را بزن بر سینه تیر یا الهی دشمنش را خوار کن منزل آن دوزخی، در ناز کن هر که او را یار باشد یارباش هر که یارش نیست زو بیزار باش در ولایت چون علی را برگماشت دست او بگرفت و پیش خود بداشت گفت ای اصحاب من مقبل شوید در مبارکباد او یک دل شوید جملگی خوشحال گشتند آن زمان در مبارکباد بگشاده دهان پس عمر برخواست گفتا یا علی بر سرخلقان تو گردیدی ولی هم به قول این شه آخر زمان گشتی آخر تو امیر مؤمنان گفت بادت این مبارک بوالحسن که شدی مولای جمله مرد و زن چون عمر، بوبکر هم اقرار کرد روسیه شد هر که او انکار کرد هر که او اقرار کرد ایمان ببرد هر که کرد انکار او خود جان نبرد با ولی اقرار نمودن که چه؟ به طریق کافران بودن که چه؟ (۲۲۷)

۲ - سنایی غزنوی

نامش از نام یار مشتق بود هر کجا رفت همراهش حقّ بود مر نبی را وصی و هم داماد جان پیغمبر از جمالش شاد آل یاسین شرف به او دیده ایزد او را علم بگریده نایب مصطفی به روز غدیر کرده در شرع مر، ورا، به امیر بهر او گفته مصطفی به الاه کای خداوند وال من والاه هر که تن دشمن است و یزدان دوست داند الراسخون فی العلم اوست دل او عالم معانی بود لفظ او آب زندگانی بود تنگ از آن شد بر او جهان سترگ که جهان تنگ بود و مرد بزرگ (۲۲۸)

۳ - جلال الدین مولوی

زین سبب پیغمبر با اجتهاد نام خود و آن علی مولا نهاد گفت هر کس را منم مولا و دوست ابن عمّ من علی مولای اوست کیست مولا- آن که آزادات کند بند رقیّت زیبایت بر کند چون به آزادی نبوّت هادی است مؤمنان را ز انبیا آزادی است ای گروه مؤمنان شادی کنید همچو سرو و سوسن آزادی کنید (۲۲۹) و در دیوان شمس تبریزی آمده است: تا صورت پیوند جهان بود علی بود تا

نقش زمین بود و زمان بود علی بود شاهی که ولی بود و وصی بود، علی بود سلطان سخا و کرم وجود علی بود آن شیر دلاور که ز بهر طمع نفس در خون جهان پنجه نیالود علی بود آن کاشف قرآن که خدا در همه قرآن کردش صفت عصمت و بستود علی بود آن عارف سجاد که خاک درش از قدر از کنگره عرض برافزود علی بود آن شاه سرافراز که اندر ره اسلام تا کار نشد راست نیاسود علی بود آن قلعه گشایی که در قلعه خیبر بر کند به یک حمله و بگشود علی بود چندان که در آفاق نظر کردم و دیدم از روی یقین در همه موجود علی بود این کفر نباشد سخن کفر نه این است تا هست علی باشد و تا بود علی بود سرّ دو جهان جمله ز پیدا و نهان شمس الحق تبریز که بنمود علی بود (۲۳۰)

پیام‌های غدیر به جامعه اسلامی

بحث از غدیر خم و واقعه‌ای که در آن اتفاق افتاد که همان نصب امیرمؤمنان علیه السلام به امامت و جانشینی پیامبر است نه تنها در راستای وحدت امت اسلامی است بلکه دارای پیام‌ها و دستوراتی به مردم و مسؤولان است که می‌توان با عمل کردن به آنها جامعه‌ای ایده‌آل اسلامی به وجود آورد و به تعبیری دیگر می‌توان این واقعه عظیم اسلامی را از جنبه تاریخی خارج کرده و به سطح جامعه آورد و آن را کاربردی نمود. اینک به برخی از این پیام‌ها اشاره می‌کنیم؛ ۱- برای ابلاغ پیام‌های مهم سیاسی - دینی ضرورت دارد که از قبل زمینه‌سازی کرده و مردم را آگاهی داد. و لذا مشاهده می‌کنیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از واقعه غدیر مردم را از مقصود خود آگاه کرده و در طول سال‌های قبل از آن در موقعیت‌های مختلف مردم را از ولایت امیرمؤمنان علیه السلام آگاه کرده بود. ۲- مسائل مهم سیاسی - دینی را قبل از ابلاغ، باید اعلام عمومی داد تا مردم آماده شنیدن پیام گشته و توجه آنان جذب مطلب شود. و لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از ابلاغ ولایت امیرمؤمنان علیه السلام اعلان عمومی کرده و مردم را برای شنیدن پیامش آماده کرد. ۳- در صورت رسیدن وقت ابلاغ پیام، نباید تأخیر کرد، گرچه گروهی از مردم آمادگی نداشته باشند، و لذا گرچه بسیاری از مردم مدینه در سال حجة الوداع به جهت شیوع یک بیماری فراگیر مریض بودند ولی پیامبر صلی الله علیه و آله هرکسی را که سالم بود به حج دعوت کرد تا در آن مکان شاهد آن پیام مهم باشند. ۴- حاکمان و علمای اسلامی نباید از ابلاغ پیام‌های مهم خوف و ترس به خود راه دهند و تنها به خدا تکیه کنند، و لذا خداوند متعال به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»؛ (۲۳۱) «ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد». ۵- در صورتی که با اعلان پیام مهم مقابله شد در هر صورت نباید کوتاه آمد و در فرصت مناسب دیگر باید آن را ابلاغ نمود. و لذا گرچه پیامبر صلی الله علیه و آله در سرزمین عرفات قصد داشت به امامت حضرت علی علیه السلام و یازده فرزندش تصریح کند ولی بعد از مقابله با آن در فرصت مناسب دیگر یعنی در سرزمین غدیر خم پیام خود را به مردم رسانده و خبر ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام را ابلاغ نمود. ۶- هنگام ابلاغ پیام‌های مهم باید از راه کارهای عملی استفاده کرد، همان‌گونه که رسول گرامی اسلام هنگام ابلاغ ولایت حضرت امیرمؤمنان علیه السلام دست او را بلند کرده و در آخر نیز بر سر مبارک حضرت علیه السلام عمامه پیچید. ۷- در صورتی که پذیرش یک پیام برای برخی از مردم دشوار است باید با سخنان خود زمینه‌سازی کرده و مردم را برای پذیرش آن آماده نمود، همان‌گونه که رسول اسلام صلی الله علیه و آله قبل از ابلاغ ولایت حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ای که ایراد فرمود از مردم درباره مسائل اعتقادی اقرار گرفته و خدا را نیز بر آن شاهد و گواه نمود و در آخر نیز از آنها بر امامت و ولایت خود از مردم اقرار گرفت که آیا من ولی و سرپرست و اولی به تصرف شما نیستم؟ و چون مردم به آن اقرار کردند حضرت فرمود: «پس هرکس که من مولای اویم این علی نیز مولای اوست». ۸- حاکمان اسلامی باید جانشینان و امامان بعد از خود را انتخاب کرده و به عنوان قائم مقام خود آنها را به

جامعه معرفی نمایند، و این رسم بسیاری از دولت‌های امروز دنیاست. همان‌گونه که حضرت موسی علیه السلام از خداوند متعال درخواست نمود تا وزیر و جانشین خودش در زمان حیاتش را مشخص نماید آنجا که به خداوند عرض کرد: «وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي * هَارُونَ أَخِي * اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي * وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي * كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا * وَنَذُكُرَكَ كَثِيرًا * إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا * قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَىٰ»؛ (۲۳۲) «او وزیری از خاندانم برای من قرار ده... برادرم هارون را! با او پشتم را محکم کن؛ و او را در کارم شریک ساز؛ تا تو را بسیار تسبیح گوئیم؛ و تو را بسیار یاد کنیم؛ چرا که تو همیشه از حال ما آگاه بوده‌ای! فرمود: ای موسی! آنچه را خواستی به تو داده شد»! «و پیامبر اسلام نیز در ابتدای بعثت خطاب به قوم خود فرمود: «ایکم یؤازرنی علی هذا الامر لیکون اخی و وصیی و خلیفتی فیکم؟»؛ «کدام یک از شما وزیر و مددکار من در امر رسالت خواهد شد تا برادر و وصی و جانشین من در میان شما باشد؟». بعد از اعلام حضرت علی علیه السلام به آمادگی خود برای این سمت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «انّ هذا اخی و وصیتی و خلیفتی فیکم فاسمعوا و اطیعوا»؛ (۲۳۳) «همانا این - علی علیه السلام - برادر و وصی و جانشین من در میان شماست پس به حرف‌های او گوش فرا داده و دستورات او را اطاعت کنید». و چون در غزوه‌ای به عملکرد حضرت علی علیه السلام، برخی از اصحاب اعتراض کردند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «دعوا علیا، دعوا علیاً، انّ علیاً منی و انا منه، وهو ولیّ کل مؤمن بعدی»؛ (۲۳۴) «علی را رها کنید، علی را رها کنید؛ همانا علی از من و من از اویم، و او سرپرست هر مؤمنی بعد از من است». یعنی هرگاه من در جایی نیستم او قائم مقام من بوده و حقّ تصرف دارد. و به همین جهت است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم مردم را جمع کرده و جانشین خود را تا زنده بود به مردم ابلاغ نمود. ۹ - برای تحکیم پیام‌های مهم سیاسی - دینی باید دست به اقدام‌های پیاپی زده تا آن را به آخر رساند؛ و لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از وفاتش دستور داد تا وسایل نوشتن را فراهم کرده و آنچه را در غدیر خم در ملاء عام فرموده بود مکتوب دارد، ولی برخی از نوشتن آن مانع شدند، و این مصیبت بزرگی بود که بر پیکره اسلام و مسلمین وارد شد که آثار آن تاکنون باقی است. ۱۰ - مسؤولان در مسایل مهم سیاسی کشور و آینده آن با تدابیری که می‌اندیشند باید کفار را از خود مأیوس کنند؛ همان‌گونه که بعد از واقعه غدیر خم و تعیین جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله، کفار مأیوس گشتند آن جا که قرآن کریم انسجام اسلامی می‌فرماید: «الْیَوْمَ یُؤَسِّسُ الذِّیْنَ کَفَرُوا مِن دِیْنِکُمْ»؛ (۲۳۵) «امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند». ۱۱ - هنگام تعارض بین بیان حقّ مهم و موضوع وحدت، بیان حقّ مهم اولی و مقدم است همان‌گونه که رسول اسلام صلی الله علیه و آله با آن که می‌دانست بیان موضوع امامت و خلافت خود در روز غدیر خم باعث اختلاف در میان امتش خواهد شد ولی هیچ‌گاه این موضوع باعث نشد که پیامبر صلی الله علیه و آله دست از بیان حقّ مهم که همان مسأله ابلاغ ولایت امیرمؤمنان علیه السلام باشد دست بردارد، همان‌گونه که قبلاً در کلامی که از امام خمینی رحمه الله نقل کردیم به آن اشاره شد. ۱۲ - در مسائل مهم سیاسی - دینی زنان نیز باید مشارکت داده شوند، و لذا - بنابر نقلی - پیامبر صلی الله علیه و آله از زنان نیز درباره ولایت حضرت امیر علیه السلام عهد و پیمان و بیعت گرفت. ۱۳ - خبرهای مهم سیاسی - دینی را باید به سطح کل جامعه رساند، و لذا پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد تا حاضران به غایبان اطلاع دهند. ۱۴ - از آنجا که آیه «الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِیْنِکُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلَامَ دِیْنًا»؛ (۲۳۶) «امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند؛ بنابر این، از آن‌ها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم»، بعد از واقعه غدیر نازل شد به دست می‌آید که اسلامی مورد رضایت خداوند است که از کانال ولایت حضرت علی علیه السلام و اولاد معصومش معرفی شده باشد.

فهرست کتاب‌های انتشارات مسجد مقدّس جمکران

قرآن کریم (چهار رنگ گلاسه) ۳۰۰۰۰۰ قرآن کریم ۳۵۰۰۰ قرآن کریم ۲۵۰۰۰ قرآن کریم ۲۵۰۰۰ قرآن کریم (کیفی)

۲۵۰۰۰ قرآن کریم (ترجمه مقابل) ۴۰۰۰۰ قرآن کریم (ترجمه زیر) ۲۵۰۰۰ قرآن کریم (بدون ترجمه) ۲۵۰۰۰ مفاتیح الجنان کلیات مفاتیح الجنان (دو رنگ) ۵۰۰۰۰ کلیات مفاتیح الجنان ۶۰۰۰۰ کلیات مفاتیح الجنان ۴۰۰۰۰ کلیات مفاتیح الجنان ۱۷۰۰۰ کلیات مفاتیح الجنان (کیفی) ۱۷۰۰۰ منتخب مفاتیح الجنان ۳۲۰۰۰ منتخب مفاتیح الجنان ۱۸۰۰۰ نهج البلاغه و صحیفه سجادیه نهج البلاغه ۴۵۰۰۰ نهج البلاغه ۳۵۰۰۰ صحیفه سجادیه ۳۵۰۰۰ صحیفه سجادیه ۲۵۰۰۰ دعا و نیایش و نماز آموزش وضو و نماز (کودکان/مصور) ۶۵۰۰۰ ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام ۲۰۰۰ ارتباط با خدا ۶۵۰۰۰ از خدا چه خواهیم ۵۰۰۰ اهمیت اذان و اقامه ۳۵۰۰ اهمیت نماز جمعه و آداب آن ۳۰۰۰ ترجمه حدیث عنوان بصری ۱۰۰۰ ختم سوره‌های یس و واقعه ۳۵۰۰ دستوراتی از قرآن ۲۷۵۰۰ ربیع الاسایع ۲۵۰۰۰ زیارت ناحیه مقدسه ۳۵۰۰ فضیلت خواندن سوره‌های قرآن (مشکاة الانوار) ۸۵۰۰ گنجینه نور و برکت ۴۵۰۰ نماز شب ۱۰۰۰ هدیه احمدیه ۱۲۰۰ هدیه احمدیه ۲۵۰۰ تاریخ مسجد مقدس جمکران تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی) ۵۰۰۰ تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی) ۲۵۰۰ مسجد مقدس جمکران تجلیگاه ۱۲۰۰۰ آئینه اسرار حدیث بنای مسجد مقدس جمکران ۶۰۰۰ پاسخ به شبهات اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات امام‌شناسی و پاسخ به شبهات (حدیث) ۳۴۰۰۰ امام‌شناسی و پاسخ به شبهات (قرآن) ۳۰۰۰۰ دفاع از تشیع و پاسخ به شبهات ۳۰۰۰۰ سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات ۳۵۰۰۰ غدیرشناسی و پاسخ به شبهات ۲۰۰۰۰ موعودشناسی و پاسخ به شبهات ۳۰۰۰۰ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات ۲۲۵۰۰ مرجعیت دینی اهل بیت علیهم السلام و پاسخ به شبهات ۳۶۰۰۰ نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات ۱۷۰۰۰ سلسله مباحث شناخت و وهابیت ابن تیمیه، مؤسس افکار وهابیت ۱۲۰۰۰ برپایی مراسم جشن و عزا ۴۵۰۰۰ توسل ۲۵۰۰۰ خدا از دیدگاه وهابیان ۵۰۰۰ زیارت قبور ۷۵۰۰ شناخت سلفی‌ها (وهابیان) ۷۵۰۰ فتنه وهابیت ۳۰۰۰ مبانی اعتقادی وهابیان ۱۲۰۰۰ موارد شرک از دیدگاه وهابیان ۴۵۰۰ پیامبر صلی الله علیه و آله اوصاف الرسول ۱۶۰۰۰ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و تروریسم و خشونت‌طلبی ۲۵۰۰ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و جهاد و برده‌داری ۲۰۰۰ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق اقلیت‌ها و ارتداد ۳۰۰۰ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق زن ۴۵۰۰ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و صلح‌طلبی ۲۵۰۰ تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم (دو جلد) ۶۵۰۰۰ چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۴۵۰۰ حکومت بر دل‌ها ۶۰۰۰ راه و رسم زندگی در کلام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۵۰۰۰ روزشمار تاریخ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ۵۰۰۰ محمد رسول الله ۴۰۰۰ امام علی و حضرت زهرا علیهما السلام امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام ۱۲۰۰۰ با اولین امام در آخرین پیام ۲۵۰۰ تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام (دو جلد) ۹۰۰۰۰ علی علیه السلام مروارید ولایت ۲۵۰۰ حکومت و رهبری از منظر نهج البلاغه ۱۰۰۰۰ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام ۱۳۰۰۰ مام فضیلت‌ها ۳۰۰۰۰ امام حسن و امام حسین علیهما السلام ماه مدینه ۴۰۰۰ از زلال ولایت ۱۰۰۰۰ تاریخ سید الشهداء علیه السلام ۵۵۰۰۰ حکمت‌های جاوید ۱۳۰۰۰ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) ۴۸۰۰۰ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) ۴۲۰۰۰ دلشده در حسرت دیدار دوست ۳۵۰۰ سبحان رحمت ۶۳۰۰۰ عاشورا تجلی دوستی و دشمنی ۱۵۵۰۰ عطر سیب ۲۰۰۰ منشور نینوا ۴۸۰۰۰ نهج الکرامه ۱۵۰۰۰ یاران با وفا و شهیدان بی‌همتا ۳۵۰۰ حضرت عباس و حضرت زینب علیهما السلام پرچمدار نینوا ۱۶۰۰۰ ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام ۲۵۰۰۰ امام رضا و امام عسکری علیهما السلام آخرین خورشید پیدا ۴۰۰۰ امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان ۴۰۰۰ اهل بیت علیهم السلام اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت ۱۱۰۰۰ شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشمس الطالعه) ۵۸۰۰۰ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) ۴۵۰۰ امام مهدی علیه السلام آخرین پناه ۶۰۰۰ آن آشنا آمد ۳۰۰۰ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) ۱۵۰۰۰ ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام ۱۵۰۰۰ از غروب عاشورای حسینی تا طلوع ظهور مهدی علیه السلام ۸۵۰۰ العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان ۴۲۰۰۰ اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام ۳۰۰۰ امامت در سنین کودکی ۳۰۰۰ امامت، غیبت، ظهور ۵۰۰۰ امامت و غیبت ۵۰۰۰ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام ۵۰۰۰ امام مهدی در کلام امام علی علیهما السلام (چهل حدیث) ۲۰۰۰ امید

آخر ۵۰۰۰ انتظار بهار و باران ۳۰۰۰ انتظار چیست؟ منتظر کیست؟ ۳۰۰۰ انتظار و انسان معاصر ۴۰۰۰ اوصاف المهدی ۱۴۰۰۰ اولین‌های مهدویت ۴۵۰۰ او هر جا که هست مرا دوست دارد ۳۰۰۰ بامداد بشریت ۱۱۰۰۰ بررسی دعای ندبه ۳۵۰۰ بهتر از بهار ۴۰۰۰ پایان انتظار ۵۵۰۰ پرچم هدایت ۱۰۰۰۰ تشریف یافتگان (دفتر اول) ۵۰۰۰ تشریف یافتگان (دفتر چهارم) ۵۰۰۰ تشریف یافتگان (دفتر دوم) ۶۰۰۰ تشریف یافتگان (دفتر سوم) ۵۰۰۰ تکالیف بندگان نسبت به امام زمان علیه السلام ۲۴۰۰۰ تولد حضرت مهدی علیه السلام ۷۰۰۰ جزیره خوشبختی ۳۰۰۰ جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام ۵۵۰۰ چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام ۴۵۰۰ چگونه امام زمان علیه السلام را یاری کنیم؟ ۴۰۰۰ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت ۱۰۰۰۰ حکومت حضرت مهدی علیه السلام ۴۰۰۰ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) ۷۵۰۰ خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار) ۱۶۰۰۰ دارالسلام ۳۵۰۰۰ داستان‌هایی از امام زمان علیه السلام ۲۰۰۰۰ داغ شقایق (مجموعه اشعار) ۸۵۰۰ در آسمان عشق ۳۵۰۰ در جستجوی نور ۴۵۰۰ دفاع از مهدویت ۶۵۰۰ دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر ۵۰۰۰ ذخیره خدا ۲۵۰۰ ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور ۲۴۰۰۰ زمان و مکان دعا برای حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام ۴۵۰۰ سخنرانی مراجع در مسجد جمکران ۴۰۰۰ سرود سرخ انار ۲۵۰۰ سقا خود تشنه دیدار ۲۰۰۰ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی ۱۵۵۰۰ سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام ۷۵۰۰۰ سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی ۱۸۵۰۰ شرح چهل حدیث حضرت مهدی علیه السلام ۳۵۰۰ شناخت حقوق و مراحم حضرت مهدی علیه السلام ۴۰۰۰ صبح فرا می‌رسد ۴۰۰۰ صفای دل ۶۵۰۰ ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه ادیان ۲۵۰۰۰ عریضه نویسی ۸۰۰۰ عطر یاس ۷۵۰۰ علائم ظهور ۶۰۰۰ علی علیه السلام و پایان تاریخ ۱۱۰۰۰ غیبت صغری ۵۰۰۰ غیبت کبری ۷۵۰۰ فریادرس ۵۵۰۰ فلسفه حکومت عدل جهانی ۳۵۰۰ فوز اکبر ۹۰۰۰ قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام ۵۰۰۰ کرامات المهدی علیه السلام ۳۰۰۰ کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام ۶۵۰۰ کلمات قصار امام زمان علیه السلام ۹۰۰۰ کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) ۸۵۰۰۰ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) ۱۴۰۰۰ گفت‌مان مهدویت ۱۵۰۰۰ گوهرهای ناب در کلام امام زمان علیه السلام ۲۰۰۰۰ مسافر گمشده ۲۰۰۰ مفرد مذکر غائب (نمایشنامه) ۵۰۰۰ مکیال المکارم (دو جلد) ۷۲۰۰۰ منجی از دیدگاه ادیان ۵۰۰۰ منجی موعود از منظر نهج البلاغه ۴۰۰۰ مهدویت و جهانی‌سازی ۳۵۰۰ مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات ۱۰۰۰۰ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی ۱۰۰۰۰ مهدی موعود در کلام پیامبر محمود ۴۰۰۰ مهدی موعود علیه السلام (دو جلد) ۹۵۰۰۰ مهربان‌تر از مادر ۵۰۰۰ مهر بیکران ۹۰۰۰ میثاق منتظران (۱) شرح زیارت آل یاسین ۸۰۰۰ میثاق منتظران (۲) شرح زیارت آل یاسین ۱۰۰۰۰ ناپیدا ولی با ما (فارسی) ویژه دانش‌آموزان ۳۰۰۰ نامه‌های جوانان به امام زمان علیه السلام ۶۰۰۰ نامه‌های دختران به امام زمان علیه السلام ۶۰۰۰ نامه‌های نوجوانان به امام زمان علیه السلام ۵۰۰۰ نتیجه دعا برای فرج حضرت مهدی علیه السلام ۱۷۰۰۰ نجم الثاقب (دو جلدی) ۷۵۰۰۰ نشانه‌های ظهور او ۱۶۰۰۰ نشانه‌های یار و چکامه انتظار ۶۰۰۰ نظریه‌پردازی درباره آینده جهان ۷۰۰۰ نیاز جهان به امام زمان علیه السلام ۵۰۰۰ و آن‌که دیرتر آمد ۳۵۰۰ وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث ۵۰۰۰ وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل ۶۰۰۰ وظایف ما در عصر غیبت ۶۵۰۰ وظایف منتظران ۲۵۰۰ وعده دیدار ۶۰۰۰ ویژگی‌های امام زمان علیه السلام ۲۰۰۰۰ هزار و یک نکته پیرامون امام زمان علیه السلام ۴۵۰۰۰ همراه با مهدی منتظر ۶۰۰۰ هنگامه ظهور ۵۰۰۰ یا ابا صالح ۲۰۰۰ یاد مهدی علیه السلام ۱۴۰۰۰ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) ۱۸۰۰۰ کودکان آشنایی با چهارده معصوم (۱ و ۲) ۸۰۰۰ زندگی چهارده معصوم (حضرت محمدصلی الله علیه و آله) ۵۰۰۰ زندگی چهارده معصوم (امام علی علیه السلام) ۵۰۰۰ زندگی چهارده معصوم (حضرت زهرا علیها السلام) ۵۰۰۰ زندگی چهارده معصوم (امام حسن علیه السلام) ۵۰۰۰ غدیر غدیر در گذر تاریخ ۶۵۰۰ غدیر حقیقتی بر گونه تاریخ ۲۵۰۰ ندای ولایت در اولین کنگره غدیر ۳۵۰۰ ندای ولایت در دومین کنگره غدیر ۵۰۰۰ تربیتی درس‌هایی از طبیعت ۶۰۰۰ عبرت‌های ماندگار ۸۰۰۰ فرهنگ تربیت ۳۰۰۰۰ قصه‌های تربیتی ۶۰۰۰ مبانی تربیت در برنامه‌ریزی مدارس ۵۰۰۰ معلم محبوب شرایط مقبول مدرسه مطلوب ۴۰۰۰ اخلاق آثار گناه در زندگی و راه جبران ۱۵۰۰۰ اخلاق

عملی ۲۰۰۰۰ فرهنگ اخلاق ۳۸۰۰۰ عقاید، معاد و رجعت حلیه المتقین ۴۰۰۰۰ دفاع از حریم امامت و ولایت ۶۵۰۰ دین و آزادی ۱۵۰۰۰ رجعت یا حیات دوباره ۱۳۰۰۰ منازل الآخرة (زندگی پس از مرگ) ۱۵۰۰۰ شرح حال و کرامات آقا شیخ مرتضای زاهد ۱۵۰۰۰ بدر مشعشع در احوال موسی مبرقع ۴۰۰۰ تولدی نو (نقد مسیحیت) ۱۴۰۰۰ رسول ترک (آزادشده امام حسین علیه السلام) ۱۲۰۰۰ روزنه‌هایی از عالم غیب ۲۵۰۰۰ سیاحت غرب ۷۵۰۰ کتاب‌های دیگر فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها ۲۳۰۰۰ مدینه فاضله در پرتو امر به معروف و نهی از منکر ۵۰۰۰ کتاب‌های به زبان دیگر امام رضا امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام (روسی) ۵۰۰۰ تاریخچه مسجد مقدس جمکران (اردو) ۲۰۰۰ تاریخچه مسجد مقدس جمکران (انگلیسی) ۲۰۰۰ تاریخچه مسجد مقدس جمکران (عربی) ۲۰۰۰ در انتظار منجی (روسی) ۵۰۰۰ شمس وراء السحاب (عربی) رمان ۱۲۰۰۰ عقد الدرر (عربی) ۳۲۰۰۰ غدیر خم (آذری لاتین) ۳۵۰۰ غدیر خم (روسی) ۳۵۰۰ موسوعه تویعات الامام المهدی علیه السلام (عربی) ۳۰۰۰۰ مهدی منتظر علیه السلام (ترکی استانبولی) ۳۰۰۰۰ منتخب الادعیه و الزیارات (عربی) ۴۰۰۰ ناپیدا ولی با ما (انگلیسی) ۲۵۰۰ ناپیدا ولی با ما (بنگالا) ۲۰۰۰ ناپیدا ولی با ما (ترکی استانبولی) ۲۵۰۰ ناپیدا ولی با ما (عربی) ۳۰۰۰ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات (تاجیک) ۲۰۰۰ ینابیع الحکمه (عربی / پنج جلد) ۱۴۰۰۰ کتاب‌های این انتشارات بدون هزینه پستی به آدرس شما ارسال می‌گردد. قم - مسجد مقدس جمکران: صندوق پستی: ۶۱۷ تلفن: ۷۲۵۳۷۰۰ - نمابر: ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ شماره حساب: بانک ملت، قم شعبه جمکران کد ۵/۸۷۸۵، جاری ۳/۵۰۰ - بانک رفاه کارگران، قم شعبه آذر کد ۸۲۲، جاری ۳۰۰۹۳۹

پی نوشت ها

(۱) حجر / ۲۹ (۲) بقره / ۲۱۳ (۳) یونس / ۱۹ (۴) نساء / ۱ (۵) اسراء / ۷۰ (۶) روم / ۳۰ (۷) شمس / ۷ و ۸ (۸) بلد / ۱۰ (۹) انبیاء / ۹۳ (۱۰) انبیاء / ۱۰۷ (۱۱) سباء / ۲۸ (۱۲) اعراف / ۱۵۸ (۱۳) توبه / ۳۳ (۱۴) ابراهیم / ۱ (۱۵) فرقان / ۱ (۱۶) توبه / ۶۱ (۱۷) الجامع لأحكام القرآن، ج ۸، ص ۱۹۲ (۱۸) حجرات / ۱۳ (۱۹) فتح / ۲۶ (۲۰) مفردات راغب، ماده حمی. (۲۱) حدید / ۲۰ (۲۲) حدید / ۲۳ (۲۳) حجرات / ۱۱ (۲۴) مجادله / ۲۲ (۲۵) اعراف / ۱۲ (۲۶) حجر / ۳۲ - ۳۵ (۲۷) سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۴۱۲ (۲۸) مسند احمد، ج ۴، ص ۲۷۰ (۲۹) کافی، ج ۲، ص ۳۰۷ (۳۰) همان، ص ۳۰۸ (۳۱) خصال، صدوق، ج ۱، ص ۱۶۰ (۳۲) امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۵۷ (۳۳) بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۹۳ (۳۴) همان. (۳۵) رجوع شود به سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۳۰۳ (۳۶) السیره النبویه، ج ۱، ص ۵۵۵ - ۵۵۶ (۳۷) نهج البلاغه، خطبه ۹۶ (۳۸) همان. (۳۹) تمدن اسلام و عرب، ص ۱۲۸ (۴۰) همان، ص ۱۵۷ (۴۱) اسلام، بررسی تاریخی، ص ۴۵ (۴۲) تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۲۳۴ (۴۳) عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ص ۵۷ (۴۴) محمد صلی الله علیه وآله پیامبری که از نو باید شناخت، ص ۱۴۴ (۴۵) صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۱۹، باب غزوه بنی المصطلق. (۴۶) السیره النبویه، ج ۱، ص ۵۵۵ (۴۷) مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۴ (۴۸) منتخب کنز العمال، حاشیه مسند احمد، ج ۵، ص ۴۵ (۴۹) غایه المأمول فی شرح التاج الجامع للاصول، ج ۳، ص ۳۵۵ (۵۰) سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۴۱۲ (۵۱) کافی، ج ۲، ص ۳۰۸ (۵۲) بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۸۳ (۵۳) فتح / ۲۹ (۵۴) انفال / ۴۶ (۵۵) صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۶، باب حرم المدینه، و نظیر آن اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۶ (۵۶) نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲ (۵۷) شش مقاله، شهید مطهری قدس سره، ص ۲۱۲ (۵۸) شش مقاله شهید مطهری قدس سره، ص ۲۲۱، به نقل از او. (۵۹) سوره حجرات، آیه ۱۲ (۶۰) التاج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۲۹، رجوع شود به اصول کافی، ج ۲، ص ۲۴۴ (۶۱) بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۶۶، ج ۷، و شبیه آن، التاج الجامع، ج ۵، ص ۵۴ (۶۲) یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۷، ص ۴۱۳ (۶۳) صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۹، کتاب الصلاة، باب فضل استقبال القبلة. (۶۴) مجموعه الفتاوی، ج ۵، ص ۳۰۶ (۶۵) همان، ج ۲۰، ص ۲۱۷ - ۲۱۸ (۶۶) شرح نونیه ابن قیم، ج ۲، ص ۲۳۵ (۶۷) نساء / ۹۴ (۶۸) اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰ (۶۹) همان. (۷۰) همان. (۷۱) صحیح بخاری، کتاب الایمان، باب فان تابوا و اقاموا الصلاة. (۷۲) فتح الباری، ج ۱، ص ۷۷ (۷۳) شرح السنه، یغوی، ج ۱، ص ۷۰ (۷۴) صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب

تحریم قتل الکافر بعد قوله: «لا اله الا الله». (۷۵) شرح نووی بر صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۴. ۷۶) همان، ص ۱۰۷. ۷۷) صحیح مسلم، کتاب المساجد، باب تحریم الکلام فی الصلاة، رقم ۵۳۷. ۷۸) صحیح بخاری، کتاب مغازی، فتح الباری، ج ۷، ص ۳۲۱، صحیح مسلم، رقم حدیث ۱۶۷۸. ۷۹) صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۱، ح ۲۴۰۵، باب فضائل علی علیه السلام. ۸۰) صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۰۷، کتاب المغازی، باب بعث علی و خالد. ۸۱) صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳۰-۱۳۱، باب وجوب الزکاة. ۸۲) صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۰۱، کتاب احادیث الأنبياء. ۸۳) الایمان، ابن تیمیه، ص ۳۹۸. ۸۴) فتح الباری، ج ۱۳، ص ۳۶۷. ۸۵) الموافقات، شاطبی، ج ۲، ص ۲۷۱-۲۷۲. ۸۶) سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۵۴۲، ترجمه علی بن اسماعیل اشعری. ۸۷) تفسیر المنار، ج ۷، ص ۱۴۱... ۸۸) الفصل فی الأهواء و الملل و النحل، ج ۳، ص ۲۹۱. ۸۹) فتنه التکفیر، ص ۱۴. ۹۰) به نقل از دکتر یوسف قرضاوی. ۹۱) المجلة، شماره ۱۰۸۲، تاریخ ۱۱/۱۱/۲۰۰۰ میلادی، تحت عنوان «قراءة فی التحولات السنیة للشیعة». ۹۲) بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۴۳. ۹۳) انفال / ۴۶. ۹۴) صف / ۴. ۹۵) فتح / ۲۹. ۹۶) حجرات / ۱۱. ۹۷) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۵۸. ۹۸) انعام / ۱۰۸. ۹۹) کافی، ج ۲، ص ۶۳۶. ۱۰۰) الدرر الكامنة، ج ۲، ص ۷۱ - ۷۲، منهاج السنة، ج ۱، ص ۹۹، توزیع دارأخرد، با تحقیق رشاد سالم. ۱۰۱) التقرب بین المذاهب الاسلامیة، ج ۲، ص ۹۳. ۱۰۲) التقرب بین المذاهب الاسلامیة، ج ۲، ص ۱۹۱. ۱۰۳) التقرب بین المذاهب الاسلامیة، ج ۲، ص ۲۱۸ - ۲۲۳. ۱۰۴) التقرب بین المذاهب الاسلامیة، ج ۲، ص ۲۳۱ - ۲۳۳. ۱۰۵) سوره انبیاء، آیه ۹۲. ۱۰۶) سوره حجرات، آیه ۱۰. ۱۰۷) سوره مائده، آیه ۲. ۱۰۸) سوره حشر، آیه ۹. ۱۰۹) سوره عصر، آیه ۳. ۱۱۰) صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۶۶ - ۱۶۵، چاپ قاهره. ۱۱۱) اصول کافی. ۱۱۲) تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۲۷. ۱۱۳) سوره مائده، آیه ۹۷. ۱۱۴) اسلامنا، رافعی، ص ۵۹؛ مجله رساله الاسلام، تاریخ ۱۳ ربیع الاول ۱۳۷۸ هجری، قاهره. ۱۱۵) فی سبیل الوحدة الإسلامیة، ص ۶۶. ۱۱۹) تاریخ التشريع الاسلامی. ۱۲۰) تاریخ المذاهب الاسلامیة، ص ۳۹. ۱۲۱) مجله رساله الثقلین، شماره ۲، سال اول ۱۴۱۳ هجری، ص ۲۵۲. ۱۲۲) فی سبیل الوحدة الإسلامیة. ۱۲۳) نظرات فی الکتب الخالدة، ص ۳۳. ۱۲۴) عبد الله بن سبأ، ج ۱، ص ۱۳. ۱۲۵) الغدير، ج ۴، ص ۴ و ۵. ۱۲۶) مع رجال الفكر فی القاهرة، ص ۴۰. ۱۲۷) مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۱۳، ح ۹۵۳۰. ۱۲۸) بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۶۴، ح ۱۳. ۱۲۹) انفال / ۴۶. ۱۳۰) قصص / ۲. ۱۳۱) همان. ۱۳۲) انعام / ۶۵. ۱۳۳) الاسلام و حركة التاريخ، ص ۴۲۱. ۱۳۴) بین الشیعة و اهل السنة، ص ۱۱. ۱۳۵) رساله التقرب، ص ۲۵۰، شماره ۳، سال اول. ۱۳۶) لیس من الاسلام، ص ۴۸. ۱۳۷) الامام جعفر الصادق، ص ۲۳۵. ۱۳۸) الفكر الاسلامی فی تطوره، ص ۱۴۰. ۱۳۹) علی و بنوه، ص ۳۵. ۱۴۰) لعلک تضحک، ص ۲۰۱، انیس منصور. ۱۴۱) خطط الشام، ج ۶، ص ۲۵۱. ۱۴۲) الامام الصادق، محمد ابوزهره، ص ۱۵۱. ۱۴۳) انفال / ۶۳. ۱۴۴) آل عمران / ۱۰۳. ۱۴۵) اعراف / ۴۳. ۱۴۶) شوری / ۱۳. ۱۴۷) انعام / ۱۵۳. ۱۴۸) آل عمران / ۱۰۱. ۱۴۹) آل عمران / ۱۰۳. ۱۵۰) آل عمران / ۱۰۳. ۱۵۱) آل عمران / ۱۰۱. ۱۵۲) انعام / ۱۵۳. ۱۵۳) حمد، ۵. ۱۵۴) یس / ۶۱. ۱۵۵) فصیلت / ۴۲. ۱۵۶) احزاب / ۳۳. ۱۵۷) مسند احمد، ج ۴، ص ۱۲۶. ۱۵۸) صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۲۱. ۱۵۹) مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۴۹. ۱۶۰) مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۳۴۳. ۱۶۱) فاسألوا اهل الذکر، ص ۲۲. ۱۶۲) همان، ص ۲۳. ۱۶۳) عنکبوت / ۱ - ۳. ۱۶۴) انعام / ۶۵. ۱۶۵) بقره / ۳۴. ۱۶۶) بقره / ۳۰. ۱۶۷) بقره / ۲۰۸. ۱۶۸) آل عمران / ۱۰۳. ۱۶۹) شوری / ۱۳. ۱۷۰) آل عمران / ۱۰۵. ۱۷۱) صحیح مسلم، کتاب الفتن و اشرار الساعة، ج ۴، ص ۲۲۱۶، ح ۲۸۹۰. ۱۷۲) تفسیر الکشف و البیان، ثعلبی، ذیل آیه. ۱۷۳) آل عمران / ۱۰۳. ۱۷۴) همان / ۱۰۱. ۱۷۵) انعام / ۱۵۳. ۱۷۶) احتجاج طبرسی، ص ۳۶۴. ۱۷۷) هود / ۱۷. ۱۷۸) اعلی / ۱۹. ۱۷۹) بقره / ۱۲۴. ۱۸۰) نحل / ۸۹. ۱۸۱) نحل / ۴۴. ۱۸۲) صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۲۸. ۱۸۳) جن / ۲۶. ۱۸۴) سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۵، ح ۲۶۴۰. ۱۸۵) طه / ۹۲. ۱۸۶) طه / ۹۴. ۱۸۷) مائده / ۶۷. ۱۸۸) صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۲۸، امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی قدس سره، ص ۲۲۰. ۱۸۹) نساء / ۵۹. ۱۹۰) انفال / ۴۶. ۱۹۱) یونس / ۳۲. ۱۹۲) تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۳۲۱، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۳۶ و... ۱۹۳) هود / ۵۰. ۱۹۴) مستدرک حاکم،

ج ۲، ص ۳۴۳. ۱۹۵) صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۶۲۱. ۱۹۶) نهج البلاغه، خطبه ۱۶. ۱۹۷) نحل / ۴۴. ۱۹۸) بقره / ۱۵۹. ۱۹۹) آل عمران / ۱۰۵. ۲۰۰) نهج البلاغه، عبده، ج ۲، ص ۱۹. ۲۰۱) همان. ۲۰۲) همان، ج ۱، ص ۲۷۸. ۲۰۳) همان، ج ۲، ص ۵۵. ۲۰۴) طبقات ابن سعد، ج ۳، ص ۲۲۵؛ مقریزی، الامتاع، ص ۵۱۱؛ ارشادالساری، ج ۶، ص ۳۲۹. ۲۰۵) سوره مائده، آیه ۶۷. ۲۰۶) سوره مائده، آیه ۶. ۲۰۷) المصنف، ابن ابی شیبہ، ج ۱۲، ص ۷۸، ح ۱۲۱۶۷، مسند احمد، ج ۵، ص ۳۵۵، ح ۱۸۰۱۱. ۲۰۸) الغدير، ج ۱، ص ۳۱-۳۶. ۲۰۹) پیام وحدت، ص ۳۰۵. ۲۱۰) کتاب وحدت، ص ۱۲۷. ۲۱۱) همان، ص ۱۴۴. ۲۱۲) سوره احزاب، آیه ۲۱. ۲۱۳) سوره نساء، آیه ۱۴۱. ۲۱۴) بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۴۴؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۶۶، ح ۲۴۶. ۲۱۵) رهبری امت، سبحانی، ص ۱۲-۱۴. ۲۱۶) پیشوایی از نظر اسلام، ص ۸-۱۶. ۲۱۷) شش مقاله، شهید مطهری، ص ۲۲۰. ۲۱۸) سرّ العالمین، ص ۳۹ و ۴۰، طبع دار الآفاق العربیة، مصر. ۲۱۹) تذکره الخواص، ص ۶۲. ۲۲۰) مطالب السؤل، ص ۴۴ و ۴۵. ۲۲۱) تذکره الخواص، ص ۳۰-۳۴. ۲۲۲) کفایه الطالب، ص ۱۶۶ و ۱۶۷. ۲۲۳) شرح تائیه ابن فارض، فرغانی. ۲۲۴) المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج ۲، ص ۲۲۰. ۲۲۵) شرح مقاصد، ج ۲، ص ۲۹۰. ۲۲۶) مصیبت نامه، عطار نیشابوری، ص ۳۴. ۲۲۷) مظهر العجائب و مظهر الاسرار، عطار نیشابوری، ص ۲۶-۲۸، چاپ چهارم. ۲۲۸) حدیقه الحقیقه، سنایی عزنوی، ص ۲۴۵. ۲۲۹) مثنوی معنوی، دفتر ششم، ج ۳، ص ۵۳۵. ۲۳۰) دیوان شمس تبریزی، ص ۱۷۴. ۲۳۱) سوره مائده، آیه ۶۷. ۲۳۲) سوره طه، آیات ۳۰ تا ۳۶. ۲۳۳) تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۲۰. ۲۳۴) مسند احمد، ج ۴، ص ۴۳۸. ۲۳۵) سوره مائده، آیه ۳. ۲۳۶) سوره مائده، آیه ۳.

درباره مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ غدیر میثاق آسمانی انسان با خداست، چرا که در آن روز دین خدا کامل و نعمت الهی بر انسان به نهایت رسید غدیر عنوان عقیده و دین ماست، و اعتقاد به آن، یعنی ایمان کامل به معبود و شکر گزاری انسان در مقابل همه نعمتهای نازل شده او. بر اساس امر به تبلیغ و معرفی علی علیه السلام در آیه شریفه: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ؛ تبلیغ و بازگویی واقعه غدیر و انجام سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در رساندن پیام غدیر، بر تمامی مؤمنین واجب می شود و سر پیچی از این واجب الهی گناهی است نا بخشودنی. مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه و آله وسلم که دارای ماهیت فرهنگی و غیر انتفاعی است، با اعتقاد راسخ بر این باور توحیدی و با هدف تبلیغ و نشر این واقعه سترگ بشری، با تأییدات الهی و حمایت همه جانبه مدافع راستین حریم امامت و ولایت مرحوم آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی قدس سره، در زمان حیات این بزرگوار و همت و تلاش خالصانه و شبانه روزی جمعی از مؤمنین ولایت مدار از سال ۱۳۸۱ پایه گذاری گردیده و تا کنون به فعالیت های چشم گیر خود ادامه داده است. و هزینه های آن به صورت مردمی و از طریق وجوهات شرعی، با اجازات مراجع عظام تقلید، هدایا، نذورات، موقوفات و همیاری افراد خیر اندیش تأمین می گردد. این مرکز با تیمی مرکب از فرهیختگان و متخصصین حوزه و دانشگاه، هنرمندان رشته های مختلف، مردم ولایت مدار، هیئات مذهبی و کسبه بازار سعی نموده تا در عرصه های مختلف تبلیغ به صورت جهانی، اقدام به نشر معارف متعالی غدیر نماید. شما هم می توانید با مشارکت همه جانبه خود شامل نظرات و پیشنهادات، کمکهای مالی در این امر مهم سهیم بوده و جزء خادمین غدیر باشید. منتظر تماسهای شما هستیم تلفن های تماس: ۰۳۱۱۲۲۰۶۲۵۳ - ۰۳۱۱۲۲۰۶۲۵۲ تلفکس: ۰۳۱۱۲۲۰۶۲۵۳ تلفن همراه: ۰۹۱۱۸۰۰۰۱۰۹ سایت: www.Ghadirestan.com-www.Ghadirestan.com ایمیل: info@Ghadirestan.com آدرس مرکز: اصفهان- خیابان عبد الرزاق- نبش خیابان حکیم- طبقه دوم بانک ملت- مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه و آله وسلم - کد پستی: ۸۱۴۷۸۶۵۸۹۴ شماره حساب ملی سیبا: ۳۲۷۵۶۴۷۲۲۰۰۵ شماره کارت بانک ملی: ۶۰۳۷۹۹۱۱۴۶۸۹۰۲۴۳ و آنچه از دستاوردهای این مرکز در پیش رو دارید حاصل از فضل الهی است که شامل حال خادمین این مرکز شده است: تأسیس کتابخانه

تخصصی غدیر به صورت دیجیتال و کلاسیک : راه اندازی بزرگترین و جامعترین کتابخانه تخصصی - دیجیتالی غدیر در سایت پایگاه تخصصی غدیرستان و همچنین به صورت کلاسیک برای پژوهشگران و محققین در محل مرکزی غدیرستان امکان استفاده فراهم می باشد. همایشها و نشستهای علمی تخصصی: همایشهای استقبال از غدیر در سال های متوالی از سال ۸۸ حدود یک ماه قبل از غدیر با هدف هماهنگی و برنامه ریزی جشن های دهه ی غدیر با استقبال اقشار مختلف مردم ولایتمدار و حضور کارشناسان امور فرهنگی به صورت باشکوهی برگزار گردید و همچنین نشست های علمی تخصصی غدیر با هدف تحقیق و بررسی در موضوعات مختلف غدیر و همچنین بیان ارتباط غدیر با مناسبت های مذهبی از جمله فاطمیه و مهدویت برگزار گردید، که در آن محققین و نویسندگان ، مقالات خود را به دبیر خانه نشست ارسال نموده و پس از بررسی توسط هیئت داوران ، مقالات برگزیده در نشست ارائه و چاپ گردید. احیای خطابه غدیر: برگزاری جلسات هفتگی شرح خطابه غدیر در مکان های مختلف، همراه با توزیع کتاب های خطابه و تشویق به حفظ فرازهای آن، با هدف نشر و ترویج خطابه ی غدیر . دوره های غدیر شناسی: این دوره ها با هدف جذب و تربیت مبلغین غدیر ، جهت اعزام نیروی انسانی در سطوح مختلف ، در راستای اهداف عالی ی مرکز و همچنین آشنایی بیشتر طلاب ، دانشجویان و علاقه مندان، با مباحث غدیر شناسی ، برگزار می گردد. احیای دهه غدیر: تغییر برگزاری جشنهای غدیر از یک روز به یک دهه با هدف انجام وظیفه ی تبلیغ غدیر ، تعظیم شعائر الهی بوده و باعث ترویج و گسترش جشن های غدیر می گردد . بنابراین احیای دهه ی غدیر فرصت بیشتری را برای مبلغین و شرکت کنندگان در ارائه موضوعات مختلف غدیر و پذیرش آن فراهم نمود. تولیدات مرکز : تولید نرم افزار های تلفن همراه و راه اندازی کتابخانه دیجیتالی غدیر، بر روی وب سایت پایگاه تخصصی غدیرستان ، با امکان دانلود رایگان کتابها بر روی تلفن های همراه ، با هدف توسعه ی نشر و اطلاع رسانی معارف قرآن و عترت و دفاع از حریم شیعه . تولید کلیپها ، طراحی بروشورها و پوسترها ، با موضوع غدیر و ولایت و امکان دانلود رایگان آنها از روی سایت برای علاقه مندان راه اندازی وب سایت های مرکز: مرکز تخصصی غدیرستان با درک رسالت سنگین خود در راستای تبلیغ غدیر پا در عرصه ی جهانی گذاشته و با تلاش کارشناسان و متخصصین اقدام به راه اندازی وب سایت هایی از جمله : سایت پایگاه تخصصی غدیرستان ، سایت دهه ی غدیر و سایت دعا برای وارث غدیر (مکیال المکارم) ،نموده است و انجام این فعالیت باعث ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف غنی شیعه با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقه مندان به نرم افزار های علوم اسلامی در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام از شبهات منتشره در جامعه، شده است. مهد کودک غدیر: برگزاری مهدهای کودک غدیر، ویژه ی خردسالان ،همزمان با برگزاری همایشها و مراسمات دهه ی غدیر ، با هدف شکوفایی محبت درونی آنان نسبت به حضرت علی علیه السلام در قالب نقاشی های زیبا ،بیان قصه های غدیر و اهدای بسته های فرهنگی ، از جمله فعالیت های این مرکز می باشد. سفره احسان امیر المؤمنین : سفره های احسان علی علیه السلام با هدف ترویج سنت حسنه اطعام و اهدای نان در روز غدیر، همراه با تقدیم بروشورهای حاوی معارف غدیر با جلوه ای زیبا در خیابان ها و میادین شهر در سال های اخیر، جهت ترویج و تبلیغ غدیر به صورت گسترده ، برگزار گردید. به حمد الله هر ساله با کمک هیات مذهبی و خیرین محترم و استقبال مردم از این سنت حسنه ی انبیای الهی و ائمه ی اطهار علیهم السلام، خاصه حضرت رضا علیه السلام هر چه باشکوه تر در حال برگزاری می باشد. تجلیل از خادمین غدیر : برگزاری هر ساله مراسمات تجلیل از خادمین غدیر به صورت باشکوهی با معرفی چهره ماندگار غدیر و تجلیل از افرادی که به هر نحوی خدمتگذار غدیر و امیر المؤمنین علی علیه السلام بوده اند و همچنین معرفی و تجلیل از هیئت های محترم مذهبی ، مراکز ، سازمانها ، ستاد ها و نهادهایی که در مورد غدیر فعالیت داشته اند و تقدیم تندیس، لوح تقدیر و هدایا به مسئولین این مراکز. ارتباط با هیئت های محترم مذهبی و مراکز : ارتباط با هیئت های محترم مذهبی و مراکز و همکاری با آنها و ارائه راهکارهای عملی، طرحها، کلیپها و بروشورها با محتوای غدیر و ولایت، به آنها با هدف هر چه باشکوه تر برگزار شدن جشنهای

بزرگ غدیر در ایام سرور آل محمد فعالیت‌های آینده مرکز: راه اندازی پورتال جامع غدیر با موضوعیت امامت در شبکه اینترنت تأسیس موزه غدیر با موضوع ولایت و امامت جهت بازدید کنندگان داخلی و خارجی تأسیس شبکه جهانی غدیر با موضوع پخش و تولید آموزه های دینی بر محور ائمه اطهار علیهم السلام ایجاد مکان‌هایی برای گذراندن اوقات فراغت برای کلیه سطوح و سنین برپائی اردوهای سیاحتی و زیارتی برای نخبگان و فعالان در زمینه غدیر هماهنگی اجرای ماکت های مربوط به غدیر در مراکز و میادین خاص و حساس

برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghadirestan.ir

www.Ghadirestan.com

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۱۸۰۰۰۱۰۹

